

زمان مفی

انرژی تاریک

ماده تاریک

ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی

تو مو می بینی و من پیچش مو تو ابرو من اشارت های ابرو

تو قدمی بینی و من جلوه های ناز تو چشم می بینی و من نگاه ناوک انداز

ام پی تی فواد



تاسیس ۱۳۹۴

صلوات آباد

سنندج مرکز کردستان ایران

زمان مفی

انرژمی تاریک

ماده تاریک

سید محمد فواد ابراهیم

مدرس بازنشسته ریاضیات و کامپیوتر

دانشگاه فرهنگیان سندج



انتشارات علمی کالج
College Scientific Publication

سرشناسه	: ابراهیمی، سیدمحمدفواد، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: زمان منفی انرژی تاریک/ ماده تاریک/ سیدمحمدفواد ابراهیمی.
مشخصات نشر	: سنندج: انتشارات علمی کالج، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۸ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۰۱۱۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: فضا و زمان
موضوع	: Space and time
موضوع	: ابرفضا
موضوع	: Hyperspace
رده بندی کنگره	: ۵۹/۱۷۳QC
رده بندی دیویی	: ۱۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۰۵۷۹۷۴



کتاب: زمان منفی، انرژی تاریک، ماده تاریک

نویسنده: سید محمد فواد ابراهیمی

ناشر: انتشارات علمی کالج

مدیر مسئول: کیومرث کرباسی

صفحه آرای و جلد: شاهو احمدیان

سال چاپ: اول - ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش:

سنندج، مجتمع تجاری کردستان، واحد ۲۲۰

تلفن: ۰۹۱۸۸۷۱۰۷۲۱

تقدیم بہ روان تابناک نانہ می قرون و اعصار آلبرٹ ایٹنٹین

وہدی دانشندان روی کرہ می زمین کہ بانفجار بلند خود جامعہ می بشری را آگاہ می نمایند.

سایت شخصی فواد <http://www.foadroyal.com>

کانال تلگرام فواد <https://telegram.me/foadroyal>

ایمیل فواد foad.ebrahimi@gmail.com

موبایل فواد (+۹۸۹۱۸۳۷۱۸۳۹۹) ۰۹۱۸۳۷۱۸۳۹۹

آدرس: ایران - کردستان - سنندج - خیابان اکباتان - کوچه ایلام یک - پلاک بہنت - کدپستی ۶۶۱۵۶۵۹۵۱۳ - میدان فواد ابراہیمی

Address:

Sayed mohammad foad Ebrahimi

Postal code ۶۶۱۵۶۵۹۵۱۳

No ۷

Alley ۱

Ekbatan Street

Sanandaj Kurdistan

Iran

انتظار از صاحبان فکر و اندیشه:

پیروزی‌های بزرگ در زندگی این جانب فواد فراوان بوده است. اما این یکی ویژه می‌باشد. با خود عهد کرده بودم، به ازای هر سال عمرم حداقل یک جلد کتاب تألیف و به جامعه ارائه دهم. باکمال مسرت اعلام می‌دارم که نرسیده به سن ۶۵ سالگی موفق شدم، تعداد ۷۰ عنوان از پیش از ۴۰۰ کتاب خود را بدون بیماری علمی و کمال مادی دیگران به زیر ماشین چاپ برسانم. تدارک و چاپ و عرضه می‌۷۰ کتاب در کمتر از ۴۰ ماه قطعاً رکوردی برای ثبت در کتاب کینس می‌باشد. لذا از دلوزان و آگامبن و عاشقان قلم و کتبات انتظار دارم در این مورد اقدام نمایند. کسانی که در کار نویسندگی و چاپ و نشر کتاب هستند، می‌دانند که چه مشکلات و معضلات و دردسرهایی در این مسیر بسیار پر مشقت وجود دارند. سید محمد فواد ابراهیمی - ۲۱ آبان ۱۳۹۸

فهرست

۸ مقدمه:
۱۷ INTRODUCTION
۲۴ لغزش عامل حرکت و پویائی
۲۹ SLIP AGENT OF MOTION AND DYNAMIC
۳۴ نظریه ابعاد زمان
۴۸ THE DIMENSION OF TIME THEORY
۵۹ زمان منفی، انرژی تاریک، ماده تاریک
۶۹ NEGATIVE TIME, DARK ENERGY AND DARK MATTER
۷۷ جهان‌های موازی
۹۸ PARALLEL WORLDS
۱۱۷ بیوگرافی سیدمحمدفواد ابراهیمی
۱۲۷ RESUME
۱۳۶ نمای جلد‌های ۷۰ کتاب چاپ شده فواد

مقدمه:

همه را بیازمودم ز تو خوشترم نیامد چو فرو شدم به دریا چو تو گوهرم نیامد

سر خنبه‌ها گشودم ز هزار خُم چشیدم چو شراب سرکش تو به لب و سرم نیامد

نیوتن: این که اندک بگوئید ولی در باره‌ی آن مطمئن باشید و بقیه‌ی مطلب را به دیگرانی که در آینده خواهند آمد واگذارید، خیلی ارجح است به این که همه چیز را بگوئید، اما با شک و تردید باشد.

به یاد سال‌های دور می‌افتم که در کلاس‌های درس با شاگردان عزیزم در آسمان علم و معرفت پرواز می‌کردم و با هم در فضای بی‌کران ریاضیات به گشت و گذار می‌پرداختیم. تا آن جا که به خاطر می‌آورم، همواره ذهنم در حال جنبش بوده و شبانه‌روز متصل در حال فکر کردن بودم. سئوالات بی‌شماری برای خود مطرح نموده و در پی یافتن پاسخ آن‌ها تلاش کرده‌ام. هنوز جواب سئوالی را نیافته، ده‌ها سئوال دیگر اضافه شده و هر آن زیر بار سنگین هزاران سئوال بی‌جواب انرژی مصرف کرده و می‌کنم. شاید قبل از این که به تحصیلات مکتب و مدرسه بپردازم، فکرم متوجه محیط اطرافم گردید و با پرسش‌های فراوان به یک ورزش ذهنی در جهت یافتن پاسخ‌ها مبادرت ورزیده‌ام. در اوایل خدمت معلمی در اتاق بسیار بی‌بضاعت استیجاری در بخش دیواندروی کردستان یک بارقه‌ی فکری را به رشته‌ی تحریر در آوردم که متأسفانه حتی یک نفر هم پیدا نشد که آن را کاملاً درک نماید! اما من با یقین به کار خود و با امیدواری به انتشار آن پرداختم. آن مطلب را تحت عنوان "سیری در ریاضیات" روی کاغذ مومی نوشتم و با دستگاه استنسیل که اکنون دیگر اثری از آن سیستم تکثیر نمانده است، هزار نسخه از آن را روی کاغذ ۳۳ در ۲۲ چاپ نمودم و به توزیع آن بین اهالی ریاضی در سراسر ایران پرداختم. آن مطلب محور اصلی یکی از تخیلات ذهنی این جانب از زمان تحصیلات ابتدائی بود که فکر می‌کنم یک پیش‌بینی برای مجموعه‌های اعداد ناشناخته در بر دارد. پس از عرضه‌ی آن، چند اظهار نظر بدست این جانب رسید که در کتاب‌خانه و بایگانی عظیم فواد وجود دارند. آن موقع با یک تمبر دو ریالی، یک پاکت نامه به اقصی نقاط ایران بدون هیچ کم و کاست و خطری از طریق پُست ارسال می‌گردید. اظهار نظرها راجع به آن بسیار متفاوت و بعضی از آن‌ها ضد هم بوده و بسته به دیدگاه شخص و میزان تحصیلات و تجربه‌ی کاری و البته ذکاوت و بینش فرد، رهنمودهایی نیز در آن‌ها دیده می‌شود. یک استاد ریاضی تحصیل کرده‌ی ایالت متحده‌ی آمریکا نوید پیش‌بینی و کشف اعداد تازه و ناشناخته‌ای را در آینده به من داد و کره‌ی ریاضی فواد مندرج در مقاله را هم‌چون جدول مندلیف تلقی کرد و بسیار خوش‌بینانه مرا تشویق و حتی تأیید نموده است. در مقابل استاد دیگری از تهران با اشاره به سطح تحصیلات من و ... آن مقاله را بسیار بد و بدون ارزش علمی خوانده است! می‌خواهم به عرض آگاهان برسانم که من همیشه در ابراز تخیلات فکری خود عجله کرده و به قول یکی از دوستان، مطالب را ناپخته به میدان فکری عموم می‌اندازم! با اطلاعی که از تاریخ علم ریاضیات دارم، من

راهی خلاف راه کارل فریدریش گائوس را می‌پسندم. ایشان تا آن‌جا به پخت ارائه‌دادن تخیلات و تفکرات خود بهاء می‌داد که با مرحوم لباچوفسکی درگیر شد. یعنی گائوس ادعا نمود که خیلی قبل از آن که لباچوفسکی هندسه اقلیدس را زیر سؤال ببرد و اصل توازی هذلولوی را جایگزین اصل توازی اقلیدس بنماید، وی به آن کار پرداخته بوده ولی آن را ارائه نداده است! البته این یک قیاس است! من با نهایت صداقت اعلام می‌کنم که در طول عمرم همواره دارای تخیلات و تفکرات علمی و فلسفی بوده‌ام. با کمال تأسف همیشه محیط من برای پروراندن آن افکار و تخیلات، نامناسب و عوامل زیادی در سرکوب کردن دخالت داشته‌اند و توسط اطرافیان همواره مورد انتقاد مغرضانه و ناامید کننده قرار گرفته‌ام. هرگز فراموش نمی‌کنم وقتی گراف آرایش الکترونی ساختمان اتم کریپتون با عدد اتمی ۳۶ را در سال‌های قبل از ۱۳۵۰ شمسی در دبیرستان هدایت سندج به معلم شیمی نشان دادم، در کمال تعجب گفت: دانشمندان در این مورد چگونگی آرایش الکترونی اتم‌ها، هنوز تا عنصر با اعداد اتمی کمتر از ۲۰ را تکمیل نکرده‌اند، حال شما روی عنصر ۳۶ کار می‌کنی؟! ایشان به جای این‌که مرا به مراکز علمی در تهران معرفی نماید و یا خودش راهنمای فکری من شود تا به کشفیاتی منجر گردد. فقط با گفتن یک آفرین توأم با تمسخر پرونده را بست! در سال ۱۳۹۴ شمسی که حدود ده سال از بازنشستگی من می‌گذشت، بالغ بر ۲۰ مورد تخیل علمی در زمینه‌های مختلف به ذهنم خطور کرد و توانستم چند تائی از آن‌ها را به رشته‌ی تحریر درآورم. از جمله مطلبی فیزیکی - فلسفی بسیار بدیع و نوظهور تحت عنوان "حرکت در عرض زمان" که آن را در سخن‌رانی‌های همایش ریاضیات از نگاهی دیگر^۱ در روز پنجشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۴ شمسی ارائه دادم. اگر در جوانی هجرت می‌کردم و به میان آدمیان غربی می‌رفتم که بیشتر به علم بهاء می‌دادند، شاید به مجموعه‌ی افراد مرزسکن ملحق و بیشتر می‌توانستم به جامعه‌ی بشریت خدمت بکنم. البته من افتخار می‌کنم که دوران معلمی ریاضی را عاشقانه و با موفقیت طی کردم. تعداد دست‌نوشته‌هایم از مرز هزار عنوان گذشته است و از زمان بازنشستگی دارم آن‌ها را به دیجیتال تبدیل می‌نمایم. تلاش من آن است که همه‌ی آن‌ها را در سایت شخصی فوادروپال که از قدیمی‌ترین سایت‌های شخصی جهان است قرار دهم. هیچ چشم‌داشتی مادی از این کار خود نداشته فقط می‌خواهم جوانان مستعد و متفکر در تکمیل بارقه‌های فکری و ادعاهای علمی و فلسفی این‌جانب بکوشند.

بدون تعارف، برای تسهیل در مطالعه‌ی این کتاب، رعایت و توجه به موارد زیر ضرورت دارد که حداقل تدبیر و شاید زمینه‌ساز جهت دریافت پیام‌ها باشد.

- ۱- داشتن اطلاعات اولیه از علوم دقیقه یعنی ریاضیات، فیزیک، شیمی و نجوم و حتی ادبیات، فلسفه و روان‌شناسی.
- ۲- داشتن صبر و حوصله برای حداقل پنج بار خواندن هر متن برای آمادگی جهت ادامه‌ی مطالعه و پیشروی در موضوعات کتاب.

- ۳- عدم قضاوت لحظه‌ای راجع به پیام یک متن و حتی یک جمله با توجه به برداشت‌های ذهنی خود که قطعاً مسیر ارتباط را تغییر خواهد داد، چرا که پیام‌ها در مجموع متون کتاب نهفته است.
- ۴- تصورات ذهنی خود را ملاک قرار ندهید، چون که در جاهائی که فکر می‌کنید که نیاز به تصویر ذهنی دارید، اصلاً تصویری در کار نیست و ابدأ نمی‌توان چیزی را تصور نمود.
- ۵- خوشبینی کامل نسبت به موضوعات و حاضر به صرف وقت کافی در جهت مطالعه‌ی دقیق و موشکافانه و خودداری از مقاومت در برابر این قراردادهای یعنی نادیده گرفتن آن‌ها، در غیر این صورت به نتیجه‌ی مطلوب نخواهید رسید.
- ۶- پس از مطالعه‌ی کل کتاب تازه متوجه می‌شوید که بایستی مجدداً از اول، کتاب را برای درک عمیق‌تر موضوعات مطالعه کنید.
- ۷- چند بار خواندن کتاب در فواصل زمانی باعث رفع ابهامات و ظاهر نمودن سایه‌روشن‌های فراوان موجود در نوشته‌ها خواهد شد.
- ۸- هر چند بار کتاب را مطالعه کرده باشید، باز جا دارد که بار دیگر به مطالعه‌ی دقیق‌تر آن بپردازید.
- ۹- از بحث کردن در رابطه با موضوعات کتاب با دیگرانی که این کتاب را دقیق مطالعه نکرده‌اند، پرهیز نمائید. چون اصلاً هم‌آهنگ نمی‌شوید.
- ۱۰- متأسفانه همیشه تعداد کلمات و واژه‌ها برای بیان مفاهیم ذهنی بسیار کم بوده است. شاید در وادی ریاضیات این مقوله دردسر کمتری فراهم نماید، چون که با استفاده از حروف و علائم و شماره‌گذاری تحت عمل اندیسی یا ... می‌توان در سطح گسترده بدون ابهام به تشریح موضوعات پرداخت. ولی در وادی ادبیات و به‌ویژه در حیطه‌ی نویسندگی مشکل بدجوری عیان و معضلات فراوانی به‌وجود می‌آورد. به‌خصوص برای بیان افکار فلسفی، مشکل دو چندان می‌گردد. لذا برای پرداختن به شرح موضوعات بسیار فلسفی این کتاب ناچار هستیم، طبق روال معمول با تعریفات و توجیحات به نوشتن پیردازم و از واژه‌های شناخته شده استفاده نمایم. یقین دارم که بار معنائی کلمات و واژه‌ها در اذهان افراد، متفاوت بوده و از این‌رو با برداشت‌های گوناگون، منجر به نتیجه‌گیری‌های مختلف می‌شود.
- ۱۱- نماد سه نقطه‌ی افقی (...) تعریف علمی دارد و نباید نقطه‌ای کم و یا نقطه‌ای اضافه شود! این نماد را *etsetra* نامیده‌اند و به‌معنی "ادامه دادن با همین روال"، "به‌همین ترتیب" و "و غیره" می‌باشد. برای روشن شدن مفهوم این نماد سه نقطه‌ی افقی بهتر است به این مثال توجه گردد. اگر بخواهیم تریلیون‌ها ستاره‌ی کائنات را با حرف *s* همراه با اندیسی عددی اسم‌گذاری کنیم و به‌عبارت دیگر نزدیک‌ترین ستاره یعنی خورشید را که در منظومه‌ی شمسی است با s_1 و دومین ستاره را در کهکشان راه شیری با s_2 و سومین ستاره را با s_3 و با همین روال به نوشتن اسم تمام ستاره‌ها بپردازیم، اولاً این کار ضرورتی ندارد، ثانیاً اگر تا پایان عمر، شبانه‌روز لاینقطع به‌آن مشغول شویم، هرگز نخواهیم توانست، اسم همه‌ی ستارگان موجود در کائنات را فقط

و فقط لیست کنیم! ثالثاً در ادامه‌ی کار به جاهانی می‌رسیم که نوشتن اسم همه‌ی ستاره‌ها غیرممکن خواهد شد! مثلاً s با اندیس شماره‌ی "دویست و پنجاه و هشت تریلیون و سیصد و چهل و نه میلیارد و نهمصد و شصت و دو میلیون و پانصد و سی و هفت هزار و نهمصد و پنجاه و یک" را به‌سختی می‌توانید، در لیست کاغذی یا حتی در متن کامپیوتری جا دهید؟ تازه فرض می‌کنیم که نوشتن را با سرعت برق انجام می‌دهیم، آیا خواهیم توانست در طول عمرمان اسامی همه‌ی ستارگان عالم را بنویسیم؟ در ضمن فرض بر آنست که در نوشتن ارقام اعداد، اشتباه نمی‌کنیم. لذا ناچار هستیم پس از نوشتن چند اسم مثلاً s_1 و s_2 و s_3 "به‌همین ترتیب" را بنویسیم که رسم‌الخط علمی آن چنین است: s_1, s_2, s_3, \dots و می‌دانید که مجموعه‌ی اعداد طبیعی را با رسم‌الخط علم ریاضی چنین نمایش می‌دهند:

$۱, ۲, ۳, ۴, ۵, ۶, ۷, ۸, ۹, ۱۰, ۱۱, ۱۲, ۱۳, \dots$

۱۲- فرق میان شیئی و تصویر آن شیئی در آئینه را بدانید که شیئی حقیقی بوده، ولی تصویر آن مجازی است. یعنی شیئی موجود مادی و از عناصر مادی شیمیائی ساخته شده است، اما تصویر ظاهراً و در خیال ما فقط وجود ذهنی دارد و اگرچه با چشم سر هم در آئینه دیده می‌شود، اما موجودی مادی نیست و از عناصر شیمیائی ساخته نشده است و اصلاً وجودی خارج از ذهن انسان را ندارد!

۱۳- اساس خلقت بنا بر زوجیت بوده و شامل تمام موجودات عالم هستی و کائنات می‌شود. یعنی هر چیزی جفتی دارد که در زبان علمی در بیشتر حالات با علامت مثبت و منفی از هم جدا می‌شوند و در ادبیات کلامی و نوشتاری با کلماتی چون همزاد، جفت، همسر، قرینه، هم‌ترازو، هم‌سنگ، یاد و ... خطاب می‌شوند. حتی در ذرات بینهایت ریز یعنی ذرات ابتدائی هم زوجیت برقرار است. در این متن اشاره به "هر چیزی جفتی دارد" منظور از کلمه‌ی "هر" سور عمومی در منطق ریاضی است. به معنای "تمام و بدون استثناء" و همچنین "برای همه" و به معنی $for\ all$ یا $for\ every$ می‌باشد. یعنی اگر مثال نقضی پیدا شود، بسیار بسیار بعید و دور از انتظار خواهد بود.

۱۴- منظور از جهان‌های موازی در اینجا موازی بودن دو خط یا صفحه در ریاضیات نیست.

این‌جانب سیدمحمدفواد ابراهیمی (نگارنده) در سال ۱۳۹۴ شمسی برابر با سال ۲۰۱۵ میلادی بارقه‌ای فکری به ذهنم رسید و موضوع آن را تحت عنوان "حرکت در عرض زمان" روی کاغذ نگاهشتم. یعنی برای زمان، ابعاد چندگانه قائل شده بودم و این مطلب بکر و نوظهور، موضوع سخن‌رانی علمی من در سمینار "ریاضیات از نگاهی دیگر" در اسفند ماه ۱۳۹۴ در سنجند شد که به‌عنوان مقاله ارائه داده بودم. فیلم آن سخن‌رانی موجود است. هم‌چنین در جلد اول کتاب فلسفی "بارقه‌های فکری" خود در بهار ۱۳۹۶

شمسی آن را به چاپ رسانده‌ام. مهمتر این که در نشریه‌ی وزین "همرهان افق قریب" شماره ۱۳ بهار ۱۳۹۶ شمسی نیز چاپ گردیده است. در اواخر سال ۱۳۹۴ شمسی دانش‌جوی فعال جناب آقای علیرضا غریب دلسوزانه مطلب "حرکت در عرض زمان" را به زبان انگلیسی برای ناسا ارسال کردند. یعنی نظریه‌ای از فواد در مورد چند بُعدی بودن زمان. تصویر ایمیل ارسالی این است.

----- Forwarded Message -----

From: Alireza Gharib <gharibalireza@yahoo.com>

To: "nssc-contactcenter@nasa.gov" <nssc-contactcenter@nasa.gov>

Sent: Thursday, June 30, 2016 10:54 AM

Subject: Movement across the time

Dear Professor,

Kindly find attached documents which are related to my professor works in Kurdistan, Iran. He is a distinguished teacher in math but unfortunately his ideas are not known yet. He has new ideas for problem solving but he has never been recognized in Iran. His ideas are quite novel and valuable.

It is appropriate to consult with you about some of his ideas.

Please send me your feedback regarding his works.

Best

Alireza Gharib

One of the students of Mohammad Foad Ebrahimi

بعد از گذشت سه سال یعنی در بهمن سال ۱۳۹۶ شمسی مطابق با ماه فوریه سال ۲۰۱۸ میلادی در اینترنت با مطلبی استثنائی روبه‌رو شدم که مرا سخت تکان داد. زیرا سئوالی مطرح شده بود که آیا ممکن است زمان نیز مثل مکان دارای ابعاد باشد؟! از آن‌جا که ایده‌ی اضافه کردن بُعدی دیگر به تک بُعد زمان در آن مطرح شده بود، مرا بسیار متحیر نمود! هم‌چنان که نوشتیم، سه سال قبلش یعنی در سال ۲۰۱۵ میلادی این ایده از فواد برای دانشمندان ناسا ارسال شده بود.

مطلب اینترنت را که زیر این تصویر رنگی قرار داشت، به استحضار می‌رسانم.



آیا ممکن است زمان هم مانند مکان چند بُعدی باشد؟

سالیان سال تصور فیزیک‌دان‌ها آن بود که فضا سه بُعدی است. اما از ابتدای قرن بیستم این تصور شروع به تغییر کرد. در ابتداء این نظریه مطرح شد که شاید فضا چهار بُعدی باشد. ولی با گذشت زمان تعداد ابعاد فضا باز هم بیشتر شد تا این‌که امروزه بهترین نظریه‌های مطرح در فیزیک، فضا را ده بُعدی می‌دانند! جهان ما با سه بُعد فضائی، تنها یک جهان از میان جهان‌های بی‌شمار شناور در پهنه‌ی کائنات است. طی سال‌های اخیر، ابعاد باز هم بیشتری وارد صحنه‌ی این نبرد شده‌اند. در سال ۱۹۸۴ میلادی انقلاب برریرسمان‌ها به‌وقوع پیوست. این نظریه تمامی جهان را متشکل از ریسمان‌های انرژی می‌داند که در ۹ بُعد مکانی و یک بُعد زمانی در حال ارتعاش هستند. سپس ادوارد ویتن از مؤسسه‌ی مطالعات پیشرفته‌ی پرینستون امریکا و پائول تاونسند از دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۹۵ میلادی بُعد فضائی دیگری را نیز به نظریه‌ی ریسمان‌ها اضافه کرده و نظریه‌ی

دیگری بنام نظریه‌ی M را ارائه کردند. این نظریه در واقع تعمیمی از نسخه‌های متفاوت نظریه‌ی ریسمان بود. اما به رغم موفقیت‌های ارزنده‌ی نظریه‌ی M این نظریه نیز نتوانست تفاوت‌های موجود میان نسخه‌های مختلف نظریه‌های ریسمان را حذف کند. دقیقاً پس از قرن‌ها بالاخره سر و کله‌ی یک فیزیک‌دان پُر شهامت با ارائه‌ی نظریه‌ی F پیدا شد که معتقد است، با افزودن یک بُعد زمانی جدید به معادله‌های توصیف‌کننده‌ی کائئات می‌توان، بسیاری از مسائل لاینحل موجود در فیزیک امروز را حل کرد. این فیزیک‌دان جسور کسی نیست جز کامران وفا فیزیک‌دان برجسته‌ی ایرانی دانشگاه هاروارد که به‌همراه رابرت برندنبرگر این نظریه را نخستین بار مطرح کردند. نظریه‌ی F با افزودن یک بُعد جدید به نظریه‌ی M تصویری ۱۲ بُعدی را از کائئات ارائه می‌دهد. نظریه‌پردازان نیز مشتاقانه از نظریه‌ی F استقبال کردند. چرا که این نظریه با بُعد اضافی خود، مسائل باقی‌مانده در نظریه‌ی M را به‌خوبی حل می‌کند. اما از آن‌جائی که بُعد اضافی مطرح شده در نظریه‌ی F نه یک بُعد مکانی، بلکه یک بُعد زمانی است، بنابراین نظریه‌ی مزبور، پیامدها و چالش‌های فلسفی عمیقی را نیز با خود به میدان آورده است!

من (فواد) در کمال حیرت ماندم که چکار کنم و چگونه این اطلاعات را به‌هم ربط دهم؟! این سؤال برایم پیش آمد که آیا ممکن است جناب آقای کامران وفا از ایده‌ی این‌جانب در نظریه‌ی F استفاده کرده باشد یا نه؟! لذا از آقای علیرضا غریب که نظریه‌ی "حرکت در عرض زمان" من را برای ناسا فرستاده بود، درخواست نمودم که دنبال موضوع را بگیرند تا شاید ابهام روشن شود! اختلاف زمان حدود سه سال برای اعلان یک نظریه بسیار قابل توجه است! بنابراین هم pdf مقاله‌ی "حرکت در عرض زمان" و هم تصویر

ایمیل آقای علیرضا غریب را پیوست ایمیل زیر برای ناسا ارسال کردم تا پیشینه دنبال شود.

Foad Ebrahimi <foad.ebrahimi@gmail.com>

to nssc-contactcenter@nasa.gov ۱۷ march ۲۰۱۸

Hi,

I hope you are doing well,

This is Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi, retired mathematics and computer lecturer in Sanandaj, Iran.

"Movement across the time" that is one of my theories at ۲۰۱۶, which was sent to you by my student, AlirezaGharib.

Now, I send the developed and improved that idea. I've change the name of my manuscript to "Time dimensions".

I hope you read and consider my idea and reflect your feedback to me.

I'm waiting to see your comments.

Sincerely

Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi ۱۷ march ۲۰۱۸

البته این جانب منتظر پاسخ نمانده و تصمیم بر آن گرفتم تا در جهت بسط و تکمیل نظریه‌ام، آن چه را که در ذهن دارم، به‌رشته‌ی تحریر در آورده و پس از ویرایش و جمع‌بندی به ارسال آن همراه با یک مطلب بکر و استثنائی فلسفی دیگر تحت عنوان " لغزش عامل حرکت و پویائی است " برای سازمان ناسا مبادرت ورزیدم.

Foad Ebrahimi <foad.ebrahimi@gmail.com>

to nssc-contactcenter@nasa.gov ۲۱ apr ۲۰۱۸

Hi,

I hope you are doing well,

This is Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi, retired mathematics and computer lecturer in Sanandaj

Now, I send the developed and improved that idea. I've change the name of my manuscript to stumble theory

I hope you read and consider my idea and reflect your feedback to me

I'm waiting to see your comments.

Sincerely

Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi ۲۱ apr ۲۰۱۸

در سال ۲۰۱۹ میلادی ایمیلی از سازمان ناسای آمریکا آمد. چند راهنمایی در آن بود که با چه قسمت‌هایی از ناسا موضوع را در میان بگذارم و ...

سر انجام به این نتیجه رسیدم که " نظریه ابعاد زمان " را به صورت یک کتاب در آورم. با هزینه‌ی کلان کتاب را به چاپ رساندم و برای مراکز علمی در سراسر دنیا ارسال کردم. مرتب بارقه‌های فکری بیشتری به مغز من رسیدند. برخی از آن‌ها را با عناوین مختلف برای گروه فیزیک تعدادی دانشگاه‌های خارج از ایران ایمیل کرده و در آستانه‌ی سال ۲۰۲۰ میلادی با ترجمه‌ی چند بارقه‌ی فکری دیگر به تهیه‌ی کتاب حاضر پرداختم. امیدوارم پیام خود را به‌دین‌وسيله به جامعه‌ی دانشمندان کیهان‌شناسی برسانم.

مُهره توان یافت، مار اگر بگذارد غنچه توان چید، خار اگر بگذارد
باهمه حسرت، خوشم‌به‌گوشه چشمی چشم بد روزگار، اگر بگذارد!
سیدمحمدفواد ابراهیمی

مدرس باز نشسته ریاضیات و کامپیوتر دانشگاه فرهنگیان سنج



Introduction:

Newton: It is very much preferable to say a little, but to be certain about it and leave the rest of the story to others who will come in the future, than to say everything, but to be doubtful.

To be honest, to facilitate the study of this article, consideration should be given to the following, which may be at least a prudent and perhaps prerequisite for receiving the article's message:

- 1) Having basic knowledge of exact sciences such as mathematics, physics, chemistry, astronomy and even literature, philosophy and psychology.
- 2) Having the patience to read each text at least five times in to be prepared for further study and advancement on the subject of the article.
- 3) Not taking a moment to judge the message of a text and even a sentence with regard to subjective perceptions that will definitely change the direction of the communication, because the overall message lies in the overall text of the article.
- 4) Don't rely on your mental images, because in places where you think you need mental imagery, there is no image at all and nothing could be imagined at all.
- 5) Full optimism about the subject and willingness to spend enough time to study carefully and precisely, to refrain from resisting these contracts, or ignoring them, otherwise you will not achieve the desired result.
- 6) After reading the whole article, you will find out that you have to re-read the article for a deeper understanding of the subject.
- 7) Repeating the article several times will eliminate the ambiguity and appear many highlights in the post.
- 8) Although you have read the article several times, there is still time to study it more closely.
- 9) Avoid discussing the subject of the article with others who have not read the article in detail. Because you are not synchronized at all.

۱۰) Unfortunately, the number of words used to express mental concepts has always been too low. It may be less troublesome in the field of mathematics, since using letters and signs and numbering under indexes or ... could broadly explain the topics without ambiguity. But in the field of literature, and especially in the field of writing, there is a great deal of uneasy problem and difficulty. Especially for expressing philosophical thought, the problem is twofold. So, in order to address the very philosophical theme of this article, I have to write with definitions and justifications, as usual. And use well-known words. I am convinced that the meaning of words is different in people's minds, and therefore, different understandings lead to different conclusions.

۱۱) The symbol of three horizontal dots (...) is scientifically defined and no dots should be added or left! This symbol is called "etsetra" and means "keep up with the same routine", "so on" and "etc." To illustrate the concept of these three horizontal dots, consider the following example.

If we want to name trillions of star of the universe with the letter s in numerical index, that is to show the nearest star, the Sun in the solar system with s_1 and the second star in the Milky Way with s_2 and the third star with s_3 and so on to Write the names of all the stars, First of all, this is not necessary, secondly, if we keep it busy for the rest of our lives, we will never be able to list all the stars in the Universe alone! Third, we get to places That it would be impossible to write a star name! For example, how does one fit in a paper list or even a computer text with an index of "two hundred and fifty-eight trillion, three hundred and forty-nine billion nine hundred and sixty-two million and five hundred and thirty seven hundred and fifty-one"?

Even Assuming we are writing at the speed of light,still will we be able to write the names of all the stars in our lifetime? It is also assumed that we are not mistaken in writing numbers.

So after writing a few names like s_1 , s_2 , s_3 , etc which its scientific formula is as Follous: s_1, s_2, s_3, \dots

And you know that the set of natural numbers is represented by the mathematical line:

۱, ۲, ۳, ۴, ۵, ۶, ۷, ۸, ۹, ۱۰, ۱۱, ۱۲, ۱۳, ...

- ۱۲) Know the difference between an object and its image in the mirror, the object is real, but its image is virtual. That is, the object is a material being made of chemical elements, but the image seems to exist only in our imagination, and although it is seen in the mirror, it is not a material being and is not made of chemical elements, and has no extraterrestrial being out of the human min.
- ۱۳) The basis of creation is on pairs and includes all beings of the universe and the universe. That is, everything has a pair that in the scientific language are separated in most cases by a positive or negative sign and are addressed in the verbal and written literature with words such as spouse, pair, proportion, symmetrical, parallel anti and so on.
- ۱۴) The parallel worlds here do not mean the parallelism of two lines or pages in mathematics.

I, Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi (writer), who got a mind spark in ۲۰۱۵, and I wrote it on the paper entitled "Move through the Time".

After three years in February ۲۰۱۸, I visited a website, which, for some reason, shocked me hard . There was a question, whether the time may also have dimensions such places? As I mentioned, about three years before this moment, I gave a theory about more than one dimension for time, and wrote a novel and emerging manuscript entitled "move through the time" and it was the subject of my scientific lecture at the "Mathematics from another Glance" Seminar held in February ۲۰۱۶ in Sanandaj, which I presented as an article. The film of that presentation is available, and I also published it in the first volume of my philosophical book "The mind Sparkles" in ۲۰۱۶.

More importantly, this paper was published in the ۱۳th issue of "Hamrahan Gharib" journal. That is, the validity of the claim is documented and there is no doubt about it. So I decided to write about what I have in mind in order to develop my theory. In ۲۰۱۶, my active student, Mr. Alireza Gharib, gratefully sent a summary of "move through the time" to NASA in English. Theory of multi-dimensionality of time from Foad (me).

----- Forwarded Message -----

From: Alireza Gharib <gharibalireza@yahoo.com>

To: "nssc-contactcenter@nasa.gov" <nssc-contactcenter@nasa.gov>

Sent: Thursday, June 30, 2016 10:54 AM

Subject: Movement across the time

Dear Professor,

Kindly find attached documents which are related to my professor works in Kurdistan, Iran. He is a distinguished teacher in math but unfortunately his ideas are not known yet. He has new ideas for problem solving but he has never been recognized in Iran. His ideas are quite novel and valuable.

It is appropriate to consult with you about some of his ideas.

Please send me your feedback regarding his works.

Best

Alireza Gharib

One of the students of Mohammad Foad Ebrahimi

Three years passed, and there was no response from NASA till I was shocked by accidentally met a subject called "Multi-dimensional Time" in the Internet. Since the idea of adding another dimension to the time was discussed. See the same article, in following which was written under a color image.



Is it possible to have multi- dimensional time such as places?

For many years, physicists imagined that space was three-dimensional. But from the beginning of the ۲۰th century this idea began to change. Initially, it was suggested that space may be four-dimensional. But over time, number of dimensions of space still increased, until now, the best theories in physics, consider the space is ten - dimensional. Our world with three spatial dimensions is just one universe among the many floating worlds in the cosmos.

In recent years, more dimensions have emerged. In ۱۹۸۴, the superstrings revolution took place. It considers the whole universe consist of energy strings vibrating in ۹ spatial and one vibrating time dimensions. Then Edward Whittn of the Princeton Institute of Advanced Studies in the United States and Pauls Townsend of Cambridge University in ۱۹۹۰ added a further spacial dimension to string theory and proposed another theory called M.

This theory was in fact a generalization of the different versions of string theory. But in spite of the valuable achievements of M theory, this theory also failed to eliminate the differences among the various versions of string theory. Precisely after centuries, at last of a bold showed up presenting F theory, which states that by adding a new time dimension to the descriptive equations of the universe, one can solve many unsolved problems in today's physics. This courageous physicist is none other than Kamran Wafa, the prominent Iranian physicist at Harvard University who, along with Robert Brandenberger, put forward this theory for the first time. The F theory presents a

۱۲-dimensional image of the universe by adding a new dimension to M theory. Theorists also eagerly welcomed F theory. Since this theory, with its additional dimension, perfectly solves the remaining issues in M theory. But since the additional dimension proposed in F is not a spatial dimension, but a time dimension, the theory said also has its consequences and profound philosophical challenges.

.....

I (Foad) wonder how to work and how to relate this information? The question came to me whether Mr. Kamran Wafa might have used my idea in F theory or not. Immediately, I requested Mr. Alireza Gharib, who sent my theory "Movement Through Time" to NASA, that follow up on the subject so that the ambiguity may be clear! The time difference of about three years is very noticeable for the announcement of a theory! Of course, I did not wait for it, and after reviewing and completing my theory, I sent it along with a few other contents for the NASA organization, which has not come up with any comment from the United States until now (Oct. ۲۰۱۸)

Foad Ebrahimi foad.ebrahimi@gmail.com ۱۷ Mar ۲۰۱۸

to nssc-contactcenter@nasa.gov

Hi,

I hope you are doing well,

This is Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi, retired mathematics and computer lecturer in Sanandaj, Iran.

“Movement across the time” that is one of my theories at ۲۰۱۶, which was sent to you by my student, AlirezaGharib.

Now, I send the developed and improved that idea. I’ve change the name of my manuscript to “Time dimensions”.

I hope you read and consider my idea and reflect your feedback to me.

۲۳ | introduction

I'm waiting to see your comments.

Sincerely

Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi ۱۷ march ۲۰۱۸

Pdf of "move through time" was attached as well as picture of Mr Alireza gharib. This incident caused me to work more on my theory. When I came up with a more detailed explanation, I sent the e-mail to the NASA with an attachment entitled "The Dimension of Time Theory". In addition, I sent a particularly intriguing and extra-curricular topic, "Slipping is the agent of motion and dynamism."

Foad Ebrahimi foad.ebrahimi@gmail.com ۲۱ apr ۲۰۱۸

to nssc-contactcenter@nasa.gov

Hi,

I hope you are doing well,

This is Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi, retired mathematics and computer lecturer in Sanandaj

Now, I send the developed and improved that idea. I've change the name of my manuscript to stumble theory

I hope you read and consider my idea and reflect your feedback to me

I'm waiting to see your comments.

Sincerely

Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi ۲۱ apr ۲۰۱۸

The content of this book is presenting what I wrote as "The Dimension of Time Theory" and sent it to the United States. I believe that finally, history will judge what was going on and what is the subject of the matter?

لغزش عامل حرکت و پویایی

بهار ۱۳۸۶ شمسی

ای قلم غیرت داشته باش، کم نیار و بتاز و بریز هر آن چه از کانال دست راست فواد به نوک آن قلم مطیع می‌رسد! نترس بلغز و برقص. نمی‌گذارم بیافتی! این لغزش تو با لغزش معروف و لغزش حرف دهن دیگران تفاوت‌ها دارد. این لغزش برای تو قلم با حرمت، فیزیکی است. بلغز تا حرکت یعنی حیات و زندگی جریان یابد و سکون یعنی مرگ مجال ظاهر شدن نیابد! پس برصفحه‌ی صاف کاغذ تا آن جا که می‌توانی بلغز. ای قلم تو پاتیناژ بازها را که دیده‌ای؟ هم‌چون آن‌ها با حرکات بدن و دست‌ها تعادل خود را حفظ کن و لغزش خود را خوش آیند بنما. من به دنبال تو بوده و کاملاً مواظبت هستم. آخر من هم سال‌هاست که می‌لغزم. خیلی‌ها پوست موز جلو پایم انداختند. لغزش را بسیار تجربه کرده‌ام. فراوان افتاده‌ام. اما فوری بلند شده و با دست، آلودگی‌ها را رفته و پاک کرده‌ام و بعد با استقامت و مقاومت مجدداً ایستاده و سپس حرکت را دنبال نموده‌ام. ولی این را بدان که لغزش مرتب بوده و هست. انگار بدون لغزش، یافتن راه محال خواهد بود! نمی‌دانم چه وقت افکار فلسفی پیدا کردم. اما تا آن جا که به یاد دارم، همواره لغزش در کار بوده است. اگر بگویم نیروی اصلی و اولین نیروی طبیعت، لغزش است، ورقی نو در فیزیک نوین باز می‌گردد و بر روح نیوتن، اینشتین، ماکسول و ماکس پلانگ بذر شادی پاشیده می‌شود. آنان شادمانه می‌گویند که بالاخره فواد مسئله‌ی وحدت نیروها را حل نمود! آری می‌توان نیروهای جاذبه، الکترومغناطیس، هسته‌ای ضعیف و هسته‌ای قوی را در قالب نیروی لغزش یک‌جا گرد آورد! شاید به جرأت بتوان گفت: نیروی محرکه برای حرکت، همان نیروی حاصل از لغزیدن است، یعنی **لغزش**.

من با تمام نیرو و با یقین کامل اعلام می‌نمایم که بیگ‌بنگ را لغزش به وجود آورد! بقیه‌ی موضوع را باید در جزوه‌های نجومی دانشمندان دنبال کرد تا به نتیجه رسید. من با جسارت می‌گویم: نیروی لغزش، اصل و مادر همان چهار نیروی موجود در طبیعت است که منشاء تمام رویدادها و پدیده‌ها هستند. اگر لغزش را کنار بگذاریم، تمام قوانین علم فیزیک و ... باطل خواهند شد. مگر الکترون‌ها دور هسته نمی‌لغزند؟ مگر پروتون‌ها و نوترون‌ها دور و بر هم نمی‌لغزند؟ مگر ستاره‌ها سرانجام در سیاهچال نمی‌لغزند؟ مگر نوزاد از جنین به بیرون نمی‌لغزد؟ مگر موقع نوشتن، ساچمه‌ی نوک خودکار نمی‌لغزد؟ اگر نلغزد چه‌گونه به جوهر داخل لوله‌ی پلاستیکی آغشته می‌شود؟ اگر همین نوک خودکار روی کاغذ نلغزد، آیا حرکت و اقدامی برای نوشتن به وجود می‌آید؟ اگر قطرات آب از لغزش بیافتند، آیا راهی جوی‌بارها و نهایتاً دریاها می‌شوند؟ اگر فواد نمی‌لغزید، آیا این زمینه برای پرداختن به موضوع بسیار مهم لغزش مهیا می‌شد؟

" لغزیدن اصل انکار ناپذیر پیدایش و ادامه‌ی کار هستی است. سیدمحمدفواد ابراهیمی "

روح اصل تاتاریزم هم لغزش است! باید به هگل و انگلس و مارکس گفت که اصل تغییر ابداعی شما بر اصل لغزش استوار است. یعنی بر اثر لغزش حالت و موقعیت دگرگون می‌شود و آن‌گاه تغییر احساس می‌گردد! پس آن‌چه که اصلی‌تر از هر اصلی است، همان اصل لغزش می‌باشد. همه‌ی حرکت‌ها و پدیده‌ها و تغییرات و تحولات و روندها و تکامل‌ها و دگرگونی‌ها و تبدیلات و ... همه و همه بر اثر لغزش به وجود می‌آیند. از دید فلسفی هم تناقض پیش نمی‌آید. اگر حوا مادر آدمیان بر اثر تلقینات شیطان نمی‌لغزید و او شوهرش آدم را نمی‌لغزاند و سرانجام دانه‌ی ممنوعه در گلوی آن‌ها نمی‌لغزید، آیا این همه لغزش را از فرزندان آدم که در کتاب‌ها و آثار مکتوبند، بر روی کره‌ی خاک شاهد بودیم؟! لغزش فیزیکی و لغزش معنوی یا غیرفیزیکی هر دو از

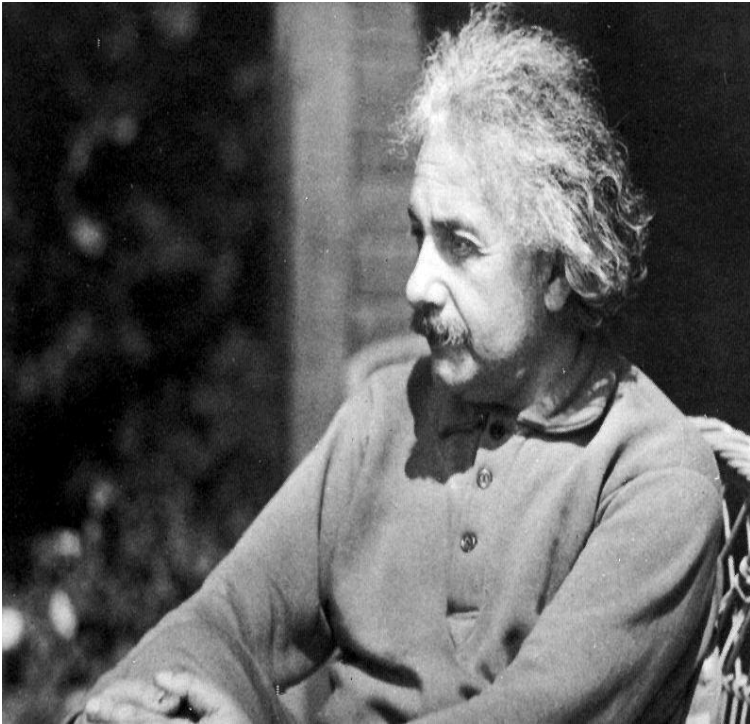
یک قماشند. یعنی ریشه‌ی همه‌ی لغزش‌ها از هر نوعی که باشد چه فکری چه جسمی چه زبانی چه احساسی و ... همه و همه از اصل لغزش ناشی شده‌اند. در هستی و کائنات هرچه وجود دارد، همه و همه می‌لغزند. چه جان‌دار و چه بی‌جان، یعنی هر چیزی در حال لغزیدن است. هر انسانی به مناسبتی و در مواقعی می‌لغزد، یعنی هرکسی خواسته یا ناخواسته لغزیده است. انگار شخص بی‌لغزش وجود ندارد! یعنی همه بدون استثناء لغزیده‌اند. همه کس و همه چیز لغزش داشته و مرتب مرتکب لغزش می‌شوند. اختیار در کار نیست. کلمه‌ی همه در این‌جا همان سور عمومی در ریاضی است. یعنی برای همه و به معنی *for all* یا *for every* می‌باشد. جالب این‌که خود لغزش هم لغزیده است! این پارادوکس ایجاد نمی‌کند. معنویون روی این نکته با مادیون و به‌ویژه با مارکسیست‌ها در می‌افتند و می‌گویند که اگر اصل تغییر مبناست و بر اثر آن همه چیز دائماً در حال تغییر است، پس باید شامل خود تغییر نیز بشود و این ایجاد جمع نقیضین و پارادوکس می‌کند. چون اگر اصل تغییر ثابت و جاودانی و لایتغییر باشد و خود آن موجب تغییرات در همه‌ی اجزاء هستی باشد، به پارادوکس بر می‌خوریم! زیرا کلمه‌ی همه دیگر سور عمومی نخواهد بود و یک مثال نقض وجود دارد و آن خود اصل تغییر می‌باشد که جزئی از هستی است. یعنی یا باید اصل تغییر را از هستی بگیرند و نیست شود که در آن صورت، دیگر اصلی در کار نخواهد بود و یا جزو هستی باشد و مشمول تغییر شود. یعنی خود اصل تغییر نیز شامل تغییر گردد! در آن صورت دیگر اصل ثابت نبوده و از کارائی تغییر دادن می‌افتد! یعنی غرضش باطل می‌گردد و در این‌جا به پارادوکس و یا به تناقض می‌رسیم که معنویون را بر مادیون چیره گردانیده است. نکته این‌جاست و جالب این‌که این پارادوکس و یا تناقض را بر اصل لغزش وارد نتوان کرد! چون لغزش خودش را هم می‌لغزاند! لغزش امری همگانی و نقطه‌ی شروع است. هیچ موجودی را

از لغزش مبرّی نیست. هر آن چه به تصور آید لغزیده است. همان لغزش آدم ابوالبشر باعث شد که تا پایان دنیا، اولاد آدم دچار لغزش شوند! پیامد همه‌ی لغزش‌های آدمیان به گردن آدم است که لغزش را به همه یاد داد! لغزش زاینده‌ی هستی است یعنی لغزش مرتب می‌زاید! زایمان لغزش نیز بر اثر لغزش اتفاق می‌افتد! آری دست در دست گذاشتن‌ها بر اثر لغزش فکری صورت گرفته و تا لغزش نمی‌بود، آن حرکت‌ها اتفاق نمی‌افتاد، در نتیجه تکثیر به‌وقوع نمی‌پیوست. اگر لغزش فکری فواد نبود، این نوشته مهیا نمی‌شد و با خواندن آن اذهان دیگران به لغزش نمی‌افتادند!

محمد داودی معلم ریاضی اهل شمال ایران در نامه‌ی مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۰ به فواد، راجع به این موضوع لغزش چنین نوشته است: ... شما تئوری بسیار جالبی بنام تئوری لغزش‌ها ارائه دادی که دقت بسیاری در آن دیدم. به شما تبریک می‌گویم. همان‌طور که پیشتر هم گفته‌ام از نظر من فواد هر وقت از خودش خارج شود و به بیرون از خودش به عنوان شخص ثالث پردازد، بُعد بیشتری پیدا می‌کند و پنج بُعدی می‌شود و البته تا هفت بُعدی شدن هنوز فاصله دارد! آن‌گاه از نظر من، فواد تبدیل به غول اندیشه می‌شود. البته باید در نوشتن عام از من خویش بیرون برود تا بتواند به پراکنش اندیشه‌ی عام مملو از تجربه برای عام برسد.

یک نکته را یادآوری می‌کنم که شما (فواد) در موضوع علمی خود جمله‌ای این‌چنین نوشتید: **لغزش عامل حرکت و پویایی است**. این شاه جمله‌ی متن شما است. نظریه‌ی جاذبه‌ی نیوتن برای سیصد سال حاکم بلامنازع علم فیزیک بود و هنوز کم و بیش از آن استفاده می‌شود. اما اینشتین گفت اجسام همدیگر را جذب نمی‌کنند، بلکه در اثر کورویکال Curvical بودن فضا به سمت همدیگر می‌لغزند! به عبارت دیگر چون فضا بر اساس هندسه‌ی ریمانی، منحنی است. بنابراین لغزش در چنین مسیره‌های منحنی شکل

به وجود می‌آید و لذا حرکت که ظاهر آن شبیه جاذبه است، به وجود می‌آید. یعنی از نظر اینشتین نیز لغزش به وجود آورنده‌ی حرکت است و از نظر فواد صلوات‌آبادی هم همین‌طور ...



Slip agent of motion and dynamic

Spring ۲۰۰۷

Oh, pen, do not waste your time, and do whatever it takes to reach the tip of that font from the right hand channel of Foad! Do not be afraid scared and dance.

I Do not let you down! This is a slip of yours with a famous slip and slipping others to speak. Your slip is different from the famous slip and slip of tongue.

This slip is physical for you, respectful pen. slip until motion means life flows and inactivity it death can not come to emerge! So, slip on a sheet of paper as smooth as you can.

Have you seen those who ice-skate? Keep balanced with your body and hands movements, and enjoy your slip.

I am looking for you and I am very careful. Since I've been driving (slipped) for years. Many obstacles have been pulled in front of me. I've experienced a lot of slip. I've fallen over so much. But immediately I got up and rubbed and cleaned my hands, then I stood again with stamina and resistance, and then I followed the move again.

But know that always there slip is tidy and it is. As if without slipping, it would be impossible to find the way! I do not know when I found philosophical thoughts. But as far as I remember, there has always been a slip.

If I say that the main force and the first force of nature is slipping, a new leaf in the new physics will be opened and the seeds of joy will be sprayed on the soul of Newton, Einstein, Maxwell and Max Planck. They are happy to say that Foad eventually solved the problem of unity of forces!

Yes, we can combine the forces of gravity electromechanics,

weak nuclei and strong nuclear in the form of a slip force! Perhaps it is safe to say that the driving force for moving is the same as the force of slipping.

That is, slip is the agent of motion and dynamism. I declare with full force and with full certainty that the Big Bang is resulted from slip! The rest of the subject should be followed up in scientists astronomical pamphlets. I say with boldness: the force of slip, the principle and the mother of the four forces in nature that are the origin of all events and phenomena.

If we set aside the slip, all the laws of physics and ... will be null and void. do the electrons slip around the core don,t they? Do protons and neutrons slip around eachother?

Are the stars finally slipping in the dark aren,t they? Is not the baby going out of the fetus is it? Doesn,t the auto tip roller slip when writing does it? Drown out how to get into the inside of a plastic pipe? How does it got inky inside the plastic pipe? If the very tip is not slipped on paper, is there any movement and action to write? If the droplets of water were slipping off, would they be streams and, finally, seas?

If Foad did not slip, would this be the case for dealing with a very important issue of slipping?

Slipping off the irrefutable principle is the emergence and continuation of work. "Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi" The spirit of the Tantarism is slipping! Hehegel, Engels and Marx must be told that the principle of your innovation is based on the principle of slipping. It means changes occur due to the slip of the state and position, and then the changes are felt! So what is more fundamental than any original is the very principle of slipping. All movements and phenomena, changes, transformations, processes, and evolutions ... all occur due to slippage.

It does not contradict philosophical views. If Eve the mothers of men does not slip through Satan's indoctrination, and she does not slip her husband and finally does not slip the forbidden grain in their throats, Have we seen all this slip from the children of Adam written in books and works on the planet?

Physical slip and spiritual or non-physical slips both of the same type.

That is, the root of all slips of any kind, what ever the mind, body, language, emotion and ... all come from the principle of slipping. Everything in the universe, slip.

Whether it is an animate or inanimate, that is, everything is slipping. Every human being is occasionally slipping, that is, anyone who wants to or who has been unwillingly slipped. It seems that there is no one without slipping! That is, everyone slip without exception. Everyone and everybody is slipping and regularly slipping. There isn't any choice.

The word "everyone" here is the same as universal quantification in mathematics. That means for everyone, meaning "for all" or "for everyone". Interestingly, the slip itself has slipped off! This is not a paradox.

Theologians take this point with the materialists, and especially with the Marxists, and say that if the principle of change is the basis and that everything is constantly changing, then it should include the change itself. And this creates a set of paradoxes and contradictions. Because if the principle of change is constant and eternal, and that the change itself is in all parts of the universe, we will be paradoxical! Because the word of all is no longer universal, there is an example of a violation, and it is the principle of change that is a part of being. That is, it must or must take

the principle of change from being. And that in that case, the main thing will not work or be part of the being and be subject to change. That is, the very principle of change also involves changing!

In that case, the principle is no longer constant and it changes in efficiency! That is, its rule is void, and here we come to paradoxes or contradictions that have transcended the theologians over the materialists.

The point is, and it is interesting that this paradox or contradiction can not be made on the principle of slipping! Because it slips itself down too! Slip is a universal thing and a starting point.

There is no creature without slipping. Every imaginable thing is slipped. The same slip of Adam Abū al-Bashr caused the Adam's descendants to slip through to the end of the world! father of mankind. The consequence of all the slips of men is to Adam, who taught everyone to slip! Slip creates existence!

Slipping occurs due to slipping! Yes, it was handcuffed by a crawl and not if there is no slipping, those movements would not happen, as a result, you did not get the multiplication.

If Foad was not slipping, this writing would not have been prepared and they would not slip through the minds of others!

Mohammad Davoudi, a mathematics teacher from north of Iran, wrote in a letter dated ۱ march ۲۰۰۷ to Foad that ... You presented a very interesting theory called the theory of slip, which I saw it very carefully. Congratulations. As I said before, in my opinion, Foad, whenever he leaves himself a look at himself outside as a third party, finds another dimension, and it gets five more and, of course, is still far

from being seven dimensions. Then, in my opinion, Foad becomes a gigantic thinker. Of course, I have to go out of myself in general so that I can spread the general thought of experience to the public.

One point to remind you that you (Foad) wrote in a self-made scientific statement: Slipping is an agent of movement and dynamism. This is a key sentence of your text. Newton's theory of gravity for three hundred years was the undisputed governing body of physics, and is still used more or less. But Einstein said that bodies do not absorb each other's, but they are moving toward each other through the Curvature nature of the space!

In other words because space is a curve based on roman geometry. Thus, slippage occurs in such curved paths, and thus the motion, that its appearance is similar to gravity, is created. In Einstein's view, it is also a slip that causes motion, Foad Salvatabadi, thinks so...



نظریه ابعاد زمان

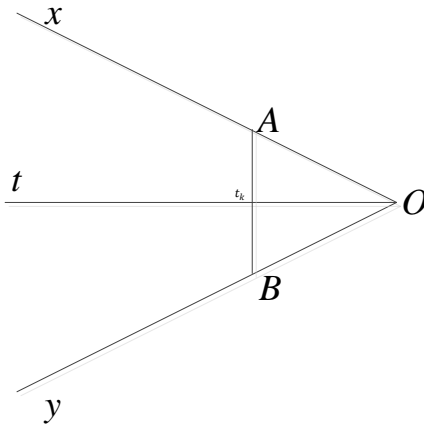
۲۵/ اسفند/ ۱۳۹۶ شمسی برابر با ۱۶/ مارچ/ ۲۰۱۸ میلادی

متأسفانه همیشه تعداد کلمات و واژه‌ها برای بیان مفاهیم ذهنی بسیار کم بوده است. شاید در وادی ریاضیات این مقوله در دسر کمتری فراهم نماید، چون که با استفاده از حروف و علائم و شماره گذاری تحت عمل اندیس یا ... می‌توان در سطح گسترده بدون ابهام به تشریح موضوعات پرداخت. ولی در وادی ادبیات و به‌ویژه در حیطة نویسنده‌گی مشکل بدجوری عیان و معضلات فراوانی به‌وجود می‌آورد. به‌خصوص برای بیان افکار فلسفی مشکل دو چندان می‌گردد. لذا برای پرداختن به شرح " نظریه‌ی ابعاد زمان " ناچارم طبق روال معمول با تعریفات و توجیهاات به نوشتن بپردازم. برای بحث مورد نظر " نظریه‌ی ابعاد زمان " مجبورم آن‌چه را که قبلاً یعنی سه سال پیش تحت عنوان " حرکت در عرض زمان " نوشته بودم در ابتداء تکرار نمایم تا زمینه برای بیان مشروح و جامع " نظریه‌ی ابعاد زمان " فراهم آید.

از وقتی که زمان حرکت خود را از نقطه‌ای آغاز نمود و مسیر طولی را در پیش گرفت، مرتب به‌عرض آن اضافه شد. در سه ثانیه‌ی نخستین، پختن کائنات و هستی یا جهان فیزیکی که انفجار نور اولی بر اثر یک لغزه یا لغزش حرکت را ایجاد کرد، زمان نیز تولد یافت. حرکت مولود لغزش و زمان، تولیدی از حرکت است! انگار زمان بدون حرکت معنی نداشته و ندارد. آن‌چه که اصل است، لغزه یا لغزش است که موجب حرکت گردیده و همزاد حرکت یعنی زمان نیز پا به‌عرضه می‌گذارد. وقتی لغزش یعنی همان مبدا فیاض لغزید. هستی از عدم زاده شد. وحدت نور اولی دو مختص پیدا نمود که عبارت از حرکت و زمان است. حرکت در مکان قابل ظهور است، یعنی در مکان نمود پیدا می‌کند. لذا وقتی از حرکت صحبت

می‌کنیم. مکان را در دست مطالعه داریم. فیزیک‌دانان برای هستی، مشخصه‌های مکان و زمان قائل شده‌اند که به‌زعم این‌جانب نماد آن دو مشخصه همان حرکت و زمان می‌باشد. مختصات سه‌گانه برای مکان یعنی ابعاد طول، عرض و ارتفاع نیز منبعث از لغزه یا لغزش است که هر آن به‌وقوع می‌پیوندد! یعنی **تا لغزه صورت نپذیرد حرکتی در کار نخواهد بود و تا حرکت نباشد، زمان مفهوم پیدا نمی‌کند**. به‌عبارت دیگر، اگر هر آن لغزه نباشد، حرکتی نداریم و زمان هم مفهومی را از دست می‌دهد. پس توقف لغزه موجب توقف حرکت و زمان است. گرچه در فیزیک برای تفهیم زمان از توالی حدوث سخن می‌گویند. این توجیه هیچ مغایرتی با فعال بودن دائمی لغزه یا مبدا فیاض ندارد. هر حادثه، وضعیتی از حرکت را به نمایش می‌گذارد که با معیار زمان کُدگذاری می‌شود. اگر دو مختص لغزه یعنی حرکت و زمان را با v و t نشان دهیم. اولین لغزه موجب پیدایش حرکت v_1 و زمان t_1 شده و دومین لغزه زوج (v_2, t_2) را ایجاد می‌کند و به همین ترتیب در توالی وقوع لغزه به ازواج (v_n, t_n) دسترسی پیدا می‌کنیم.

اگرچه قصد ارائه‌ی مدل ریاضی برای این موضوع را نداشتیم. اما اگر یک زاویه به رأس O و اضلاع OX و OY را در صفحه‌ی p در نظر بگیریم، (شکل ۱ را در ذیل نگاه کنید). آن‌گاه نیمساز زاویه‌ی xoy یعنی ot مسیر طولی حرکت زمان خواهد بود. یعنی زمان از نقطه‌ی O حرکت طولی خود را آغاز و به پیش می‌رود. اگر روی نیمساز ot نقطه‌ی t_k را مد نظر قرار دهیم و پاره خط AB را عمود بر ot را در نقطه‌ی t_k رسم کنیم، به‌طوری‌که A بر OX و B بر OY واقع گردد. پاره خط AB نمودار حرکت عرضی زمان می‌باشد. هرچه نقطه‌ی t_k به رأس O نزدیک‌تر باشد، حرکت عرضی کوتاه‌تر و هرچه t_k از رأس O دورتر گردد، طول پاره‌خط AB بیشتر شده و در واقع به عرض زمان اضافه می‌گردد.

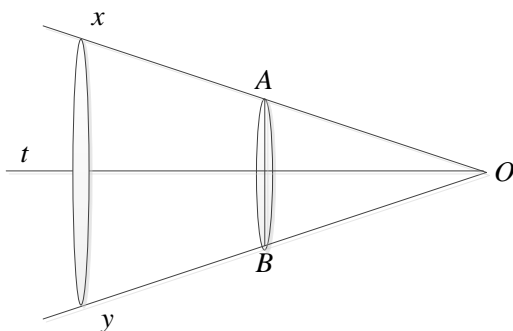


شکل ۱

بنابراین مبداء فیاض یا لغزه در نقطه‌ی O اولین لغزش را نمود و هستی از عدم برخاست و به تعبیر دیگر انفجار اولیه روی داد. (Big bang) آن‌گاه حرکت آغاز گردید و همزادش زمان نیز شروع به شمردن لحظات کرد که عبارت از حدوث پدیده‌ها در یک توالی متصل و مستمر باشد. تا این‌جا دو بُعد طولی و عرضی را برای هستی و کائنات با دو مختص حرکت و زمان شناختیم.

اگر به خصوصیات و کیفیات هر پدیده و صحنه در نقطه‌ی tk نیز توجه بنمائیم که دارای حالات متعدد و مختلف خواهد بود، به بُعد سوم یعنی ارتفاع یا عمق یا ضخامت خواهیم رسید که با دوران مثلث $otkA$ حول ضلع otk قابل مطالعه است. انگار ضلع oy یک وضعیت از دوران ضلع ox حول ot بوده و محیط دایره‌ی به مرکز tk و شعاع $rk=tkA=tkB$ بر سطح جانبی مخروطی به رأس O قرار دارد. این مخروط مُدلی برای تبیین نظریه‌ی

انفجار اولیّه‌ی هستی و کائنات یعنی **Big bang** از جانب فیزیک‌دانان معاصر نیز می‌باشد. به عبارت ملموس‌تر این که انفجار در نقطه‌ی O به وقوع پیوست و انبساط عالم به شکل شیپوری که مُدل ریاضی آن ظاهراً یک مخروط بدون قاعده است، قابل تصور می‌باشد.



شکل ۲

با دور شدن نقطه‌ی t_k از رأس O طول شعاع r_k نیز بلندتر شده و دو متغیر با هم رابطه‌ای مستقیم خواهند داشت، که ممکن است در لحظه‌ای مانند t_n طول r_k به ماکزیمم مقدار خود یعنی r_n برسد. در آن حال برای مخروط یک قاعده به وجود خواهد آمد که دایره‌ای به مرکز t_n و شعاع r_n می‌باشد که n عددی طبیعی است و میل به سوی بینهایت دارد! در آن موقعیت انگار انبساط عالم هستی متوقف و انقباض کائنات آغاز خواهد شد.

در انقباض جهان رابطه‌ی دو متغیر t_k و r_k معکوس می‌گردد. به عبارت دیگر هرچه فاصله‌ی $O t_k$ بیشتر شود، طول r_k کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود تا در نهایت به $r_k = 0$ می‌رسیم که پایان انقباض عالم هستی است. انگار شکل شیپوری

قرینه به وجود می‌آید که با شیپور اولی هم‌قاعده‌اند! در آن‌جا مجدداً تمام کائنات در یک نقطه فشرده می‌شود و شاید باز بر اثر لغزه یا لغزش انفجار بعدی به وقوع پیوسته و یک تراژدی دیگر آغاز گردد!

من در این‌جا قصد پرداختن به این موضوع فلسفی بسیار عمیق را که در حد فرضیه است، ندارم و فقط می‌خواهم، به منظور خود که حرکت در عرض زمان است بپردازم. یعنی حرکت روی شعاع r_k و در حقیقت جولان روی سطح دایره‌ی به مرکز t_k و شعاع r_k که با زوج مرتب (t_k, r_k) نمایش داده می‌شود. یعنی هر بُردار داخل دایره با مبداء t_k از یک حرکت در عرض زمان سخن می‌گوید.

برای روشن شدن موضوع بهتر است بگوییم: همه‌ی ما انسان‌ها بالاجبار با زمان در مسیر طولی آن جلو می‌رویم و هیچ اختیاری نداریم و یک آن و لحظه هم نمی‌توانیم توقف کنیم که این یک اصل بوده و شامل تمام موجودات عالم هستی نیز می‌شود. اما اختلافات بین موجودات و به‌ویژه انسان‌ها از روی حرکت عرضی در سطح دایره‌ی با مرکز t_k و شعاع r_k مشخص می‌گردد! مثلاً احمد و محمود در نقطه‌ی t_k با کاروان جهانی هم‌راهند، ولی فرق‌های بین احمد و محمود از آن‌جا مشخص می‌شود که در سطح دایره‌ی به شعاع r_k چه مقدار از نقطه‌ی t_k فاصله بگیرند و در چه جهتی قرار داشته باشند؟ شاید مطرح کردن یک مصداق بیشتر موضوع را روشن گرداند. احمد و محمود هر دو معلم هستند و در لحظه‌ی t_k در کلاس‌هائی تدریس دارند. تا این‌جا ظاهراً آن دو نفر از نظر شغلی یکسان

بوده و فرض می‌کنیم فعالیت شغلی آن‌ها نیز همسان می‌باشد. اما احمد همزمان با کار تدریس کار نویسندگی هم می‌کند و مقالات او در نشریات به چاپ می‌رسند. در صورتی که محمود از کار نویسندگی عاجز است. این مسأله یک فرق اساسی بین احمد و محمود را ظاهر می‌نماید. در این جا می‌گوئیم: احمد در عرض زمان حرکتی کرده است ولی محمود آن حرکت را نداشته است! ممکن است شخصی همزمان چند فعالیت مختلف را به طور موازی به پیش ببرد و به انجام برساند.

من این وضعیت را " حرکت در عرض زمان " نامیده‌ام.

بعضی اشخاص در هر آن حرکت‌های زیادی را در عرض زمان انجام می‌دهند که بسته به موقعیت و شرایط، میزان و کیفیت حرکت متفاوت بوده، به طوری که انسان از آن همه فعالیت حیرت‌زده می‌شود. آنان در حالی که در کاروان عمومی روی نوار طولی زمان حرکت می‌کنند، پیوسته و همزمان در عرض زمان نیز حرکت می‌نمایند.

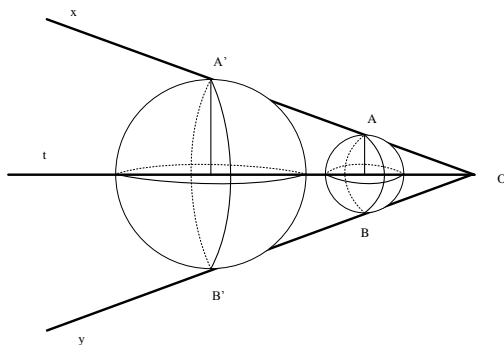
موضوع جبر و اختیار نیز با این قالب فکری و فرضیه‌ی نو (چند بُعدی بودن زمان) قابل تبیین است. بدین صورت که تمامی آن حرکات و پدیده‌هایی که به محور طولی زمان ربط پیدا می‌کنند، جبری بوده و انسان اختیاری در تغییر آن‌ها ندارد و به عبارتی آن صحنه‌ها بدون دخالت ما به وقوع خواهند پیوست که قضا و قدر مبرم نامیده می‌شوند. اما تمام آن حرکات و پدیده‌هایی که در عرض زمان صورت می‌پذیرند تا حدودی به اختیار مربوط شده، یعنی ما انسان‌ها می‌توانیم در آن‌ها تغییر حاصل بنمائیم و اندک اختیاری در انجام

دادن یا ندادن آن‌ها داریم. فکر می‌کنم میزان نمود یک شخص در اجتماع بستگی به حرکت‌های او در عرض زمان داشته باشد که وی را از سایرین جدا می‌نماید. خلاصه این رشته سر دراز دارد.

حال اگر دایره‌ی به مرکز t_k و شعاع r_k را حول قطر AB به دوران در آوریم. با بی‌نهایت حالت روبه‌رو خواهیم شد که ضمن حضور در موقعیت زمان حال، نظری به گذشته و آینده را در بر دارد! با توجه به اندازه‌ی پاره خط Ot_k میزان برگشت به گذشته و نیز میزان دورنمای آینده متفاوت بوده که آن‌را "عمق زمان" یا ارتفاع زمان می‌نامیم. حاصل دوران دایره، گره‌ای به مرکز t_k و شعاع r_k خواهد شد که هر نقطه از درون آن انتهای بُردار فعالیت و حرکت انسان در ابعاد عرضی و عمق زمان است! (شکل ۳) به عبارت دیگر هر فعالیت و حرکت اختیاری انسان با یک بُردار به مبداء t_k در داخل گره مشخص می‌گردد که اندازه‌ی بُردار از میزان حرکت و جهت بُردار می‌رساند که در چه زمانی روی می‌دهد! آیا در زمان حال اجراء می‌شود که مربوط به بُردارهای درون دایره‌ی (t_k, r_k) می‌باشد. یا بازگوی موضوعات گذشته است و یا این که گرایش به آینده دارد.

برای توجیه این موضوع به همان مطلب نویسندگی فرق میان احمد و محمود برمی‌گردم و کار نویسندگی احمد را مثال می‌زنم. اگر احمد در موقع نوشتن موضوعات، زمان حال را مورد بررسی قرار بدهد، نیازی به چرخش دایره‌ی (t_k, r_k) نیست. ولی اگر بخواهد به خاطرات گذشته‌ی خود رجوع کند، بایستی با ملاحظه‌ی عمق زمان، دایره را حول قطر AB با زاویه‌ی دورانی متناسب بچرخاند! هم‌چنین اگر به پیش‌داوری و پیش‌بینی‌هائی در آینده بپردازد، باز نیاز به چرخاندن دایره دارد. به عبارت دیگر احمد ضمن حرکت اجباری در طول زمان و حرکت اختیاری در عرض زمان، به یک

حرکت دیگر در بُعد عمق زمان مبادرت ورزیده است. ساده‌تر بگویم: احمد در این پروسه‌ی نویسندگی، با یادآوری خاطرات و لودکردن اطلاعات گذشته و یا با پرداختن به آرزوها و اهداف خود در آینده در عمق زمان حرکت نموده است! لازم به ذکر است که احمد هر سه حرکت طولی، عرضی و عمقی زمان را با هم انجام می‌دهد و منتجه‌ی آن‌ها در این مثال محصول نویسندگی احمد خواهد شد که ممکن است تألیف یک کتاب باشد.

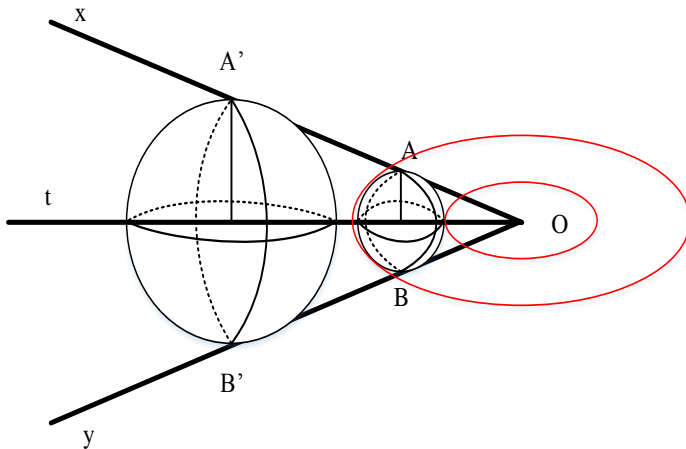
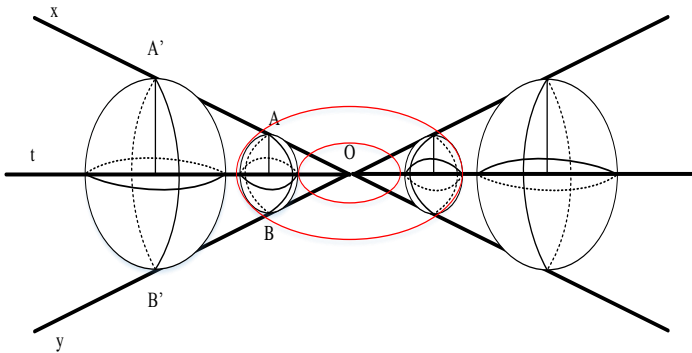


شکل ۳

حال اگر صفحه‌ی حاوی زاویه‌ی xOy را در فضا حول رأس O طوری دوران دهیم که همواره صفحه‌ای که نیمساز ot در آن قرار می‌گیرد بر پاره‌خط AB عمود باشد، وضعیت دایره‌ی به مرکز t_k و شعاع r_k با توجه به میزان زاویه‌ی دوران دایره حول AB در فضا یک شکل فضائی سه بُعدی شبیه تیوپ لاستیکی داخل چرخ ماشین به وجود می‌آورد که من با جرأت آن را "تونل زمان" می‌نامم. (شکل ۴) این تونل زمان که ابتداء و انتهایش برهم منطبق است، در یک فضای بسته و محدود خلاصه می‌شود. البته می‌توان برش‌هائی از آن را در نظر گرفت و به بررسی‌هائی در همان برش

پرداخت. سطح مقطع درون "تونل زمان" با توجه به میزان زاویه‌ی دوران دایره حول AB شکل‌های متفاوتی از نظر هندسی پیدا خواهد کرد. در حالتی که دایره ۹۰ درجه دوران کرده باشد، سطح مقطع درون "تونل زمان" یک قرص کامل خواهد شد. یعنی دقیقاً یک تیوپ کاملاً پُر باد را خواهیم داشت. شکل ۴ در صفحه‌ی بعد را دقیقاً مد نظر قرار دهید. اما در حالت‌های دیگر که سطح مقطع درون "تونل زمان" قرص کامل نیست، با بی‌نهایت حالت بیضی‌گونه برای سطح مقطع روبه‌رو هستیم. انگار که تیوپ در موقعیتی کم باد بوده و میزان باد درونش شکل سه بُعدی تیوپ را به نمایش می‌گذارد که حالت‌ها و نمودهای متفاوت فراوانی خواهد داشت. این تصورات را قطعاً می‌توان با نرم‌افزار کامپیوتری به نمایش در آورد و حالت‌های گوناگون تیوپ را ظاهر ساخت. در حالت خاص که صفحه‌ی دایره‌ی به مرکز t_k و شعاع r_k عمود بر نیمساز Ot باشد، حاصل دوران دیگر سه بُعدی نبوده، یعنی تیوپ مانند نخواهد شد، بلکه یک حلقه‌ی پهن شبیه النگو تشکیل می‌شود که پهنای آن به میزان شعاع r_k خواهد بود! لذا این حلقه‌ی پهن و تیوپ کامل پُر باد دو حالت حدی می‌باشند.





شکل ۴

"تونل زمان" در سایر حالت‌ها را که سطح مقطع غیر دایره‌ای داشته، انگار به‌نحوی تاییده و یا فشرده و یا مچاله شده‌اند، باید به‌عنوان جا خالی‌های

شبهه خانه‌های جدول مندلیف در نظر گرفت که برای کشفیات آینده بستر خواهند شد!

اما "تونل زمان" قرص کامل هر سه بُعد طول، عرض و عمق زمان را در بر داشته و خود بُعد چهارمی را آشکار می‌نماید که من آن را "حفره‌ی زمان" برای عبور از یک جهان به جهانی دیگر می‌نامم. تعداد حفره‌های زمان با توجه به موقعیت نقطه‌ی t_k روی محور زمان Ot بی‌نهایت خواهد بود. یعنی تیوپ‌های کامل فراوان با شعاع‌های مختلف که می‌توان با چیدن آن‌ها روی هم ترکیبی هم‌چون حلقه‌های برج هانوی تشکیل داد.



شکل ۵

"تونل زمان" یک مفهوم واحد دارد که عین انبساط کائنات و هستی در حال انبساط دائم بوده و با حرکت زمان به پیش می‌رود و مرتب بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. یعنی متناسب با ازدیاد پدیده‌های هستی امکان تردد برای

همه در "تونل زمان" میسر خواهد بود! به عبارت دیگر یک ارتباط مستقیم بین ظرف و منظروف و یا حمل و محمل همواره برقرار است. در توجیه و تفسیر بیشتر "تونل زمان" که یک حرکت دوری دو طرفه در درون آن همواره برقرار می‌باشد، می‌توان گفت که تمامی رویدادهای کیهانی با این معیار زمانی، قابل بررسی و مطالعه خواهند شد. از چرخش الکترون‌ها به دور هسته‌ی اتم گرفته تا گردش خوشه‌های کهکشانی به دور مرکز ابرخوشه‌ی کهکشانی، همه و همه تحت سیطره و کنترل این معیار و بُعد زمانی خواهند بود!

هرگاه پدیده‌ای تعداد دورهای مقرر خود را در حرکت گردشی به پایان رسانید، به درون یک "حفره‌ی زمانی" سقوط می‌نماید. مثال روشن همان سیر کیهانی ستارگان و طی مراحل تبدیلات نجومی در مدت میلیون‌ها سال نوری و افتادن در سیاهچال می‌باشد. یعنی سیاهچال‌ها دقیقاً "حفره‌های زمان" هستند که مسیر عبور ستارگان از این جهان به جهان دیگر می‌باشند!

نه تونل زمان در حالت سکون قرار می‌گیرد و نه حفره‌های زمان به سکون می‌رسند! یعنی اگر ستارگان به درون سیاهچال سقوط می‌نمایند و در علم نجوم به این موقعیت مرگ ستاره گفته می‌شود. یک بار معنائی نادرست و انحرافی تلقین می‌نماید که ستاره با افتادن در سیاهچال از حرکت و گردش باز مانده و در حالت سکون و عدم حرکت قرار می‌گیرد! اصلاً و ابداً چنین معنائی وجود ندارد. بلکه ستاره با سقوط در سیاهچال به جهانی دیگر می‌رود و به نحوی دیگر حرکت و گردش خود را پی می‌گیرد. (شکل ۶ را بنگرید.) این موضوع فعلاً از دید بشر و علم کنونی پنهان بوده و شاید در آینده رد پائی در مورد آن پیدا گردد!

بنابراین تا به حال از چند بُعد زمانی صحبت به میان آوردم که به دلیل کمبود واژه و کلمه از همان اسامی که برای ابعاد مکان نام می‌برند، استفاده کردم. در صورتی که خواننده نباید این مقوله‌ی ابعاد زمان را با مقوله‌ی ابعاد مکان یکی بگیرد و آن‌ها را بر هم نهد و با تطبیق تشابهات واژه‌ای به این نتیجه برسد که در این مقال به یک توجیه ابعاد مکانی پرداخته شده و فقط به جای واژه‌ی مکان از واژه‌ی زمان استفاده شده است! مفاهیم کاملاً متمایز بوده و می‌توانم چند ممیزه را نام ببرم.

اولاً مکان از جنس ماده می‌باشد، در صورتی که زمان از جنس ماده نیست! فعلاً عقل و علم بشر نمی‌تواند در مورد جنس زمان چیزی ارائه دهد و فقط می‌تواند از رویکردها و نموده‌ها و آثار و تأثیرات و نشانه‌های حضور حتمی و دائمی زمان داستان‌هایی بگوید!

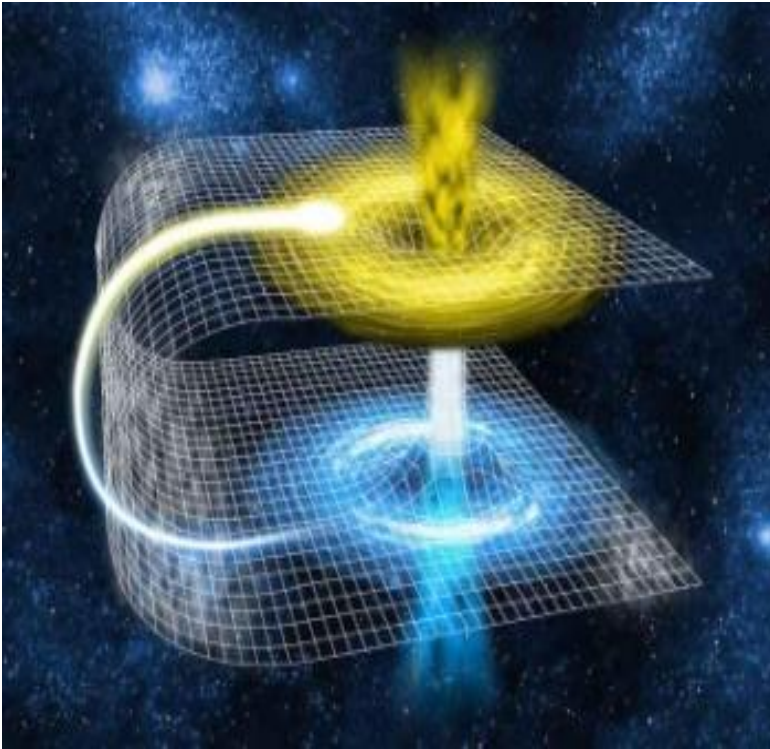
ثانیاً ذهن انسان به کمک ابزار حسی خود به راحتی می‌تواند انواع صورت‌های مختلف مکان را تصور نماید و تا حدودی در مشخصه‌های آن دخالت کرده و به کنکاش بپردازد. اما در مورد زمان چنان تصویری نداشته و به هیچ‌وجه قادر به دخالت در مشخصه‌های زمان نبوده و نیست! بلکه فقط می‌تواند تا حدودی خود را با اصول و قوانین زمان هم‌آهنگ نماید.

ثالثاً بشر از خود ماده و مکان هستی استفاده کرده و به تغییرات گوناگون در ماده و مکان پرداخته و آثار تغییرات را مشاهده می‌کند. در حالی که بشر کوچک‌ترین نفوذی در مقوله‌ی زمان نمی‌تواند بکند، چه رسد به ایجاد تغییرات در مفهوم زمان!

و ...

با توجه به " نظریه‌ی ابعاد زمان " که فواد در قرن ۲۱ میلادی ارائه داد. می‌توان راجع به جهان پس از مرگ انسان نیز سخن به میان آورد! اما تا

رسیدن به حقایق علمی در این مقوله باید صبر کرد و همچنان که گفتم، این رشته سر دراز دارد!



شکل ۶

تصویری برای تجسم "حفره‌ی زمان" که مسیر رفتن ماده از یک جهان به جهانی دیگر است!

The dimension of time theory

۱۶ march ۲۰۱۸

Unfortunately, the number of words has always been very few for the expression of mental concepts. Perhaps in the field of mathematics this issue is less troublesome, because it uses the letters and symbols and the numbering under the action of index or... It is possible to explain the issues without any ambiguity at the broad level. But in the field of literature, and especially in the field of writing, the problem is a formidable one; it creates many problems. Particularly it is difficult to express philosophical thoughts. Therefore, in order to address the description of the "Dimension of time", I have to write in the usual way with definitions and justifications.

For the discussion of the theory of the dimension of time, I have to repeat what was previously described three years ago, called "Move through the time," in order to provide a ground for an elaborate and comprehensive statement of the "dimension of time theory".

Since time began to move from a point and proceeded along the longitudinal route, it was regularly added in its width. In the first three seconds, the emerging of the universe, or the physical world that created the first light blast caused by a slip or slip motion, time was born. The motion creates slipping and time is the product of movement! It's as if time without moving has no meaning. What is the original is a slip that drives the movement and the twin of motion, time, also comes up. When the slip or the same origin, slipped. existence (essence) was created out of nullity. The unity of the first light had two features, which is the movement and time.

Moving in a place is evident, that is, it is manifested in the place. So when we talk about the movement. We are in the study area. Physicists have attributed location and time characteristics to existence, which, in my opinion, is a symbol of those two characteristics of motion and time.

Triple coordinates for the place, that is, the dimensions of length, width and height, are also the result of a slip occurs every moment! That is, if there is no slip, there would be no movement and if there is no movement, Time would not be understood. In other words, if it is not a slip, we have no movement, and time loses its meaning. So stopping a slip would stop the movement and time. However, in physics, they speak of the sequence of time to understand the time. This justification has nothing to do with the constant activation of the slip or the source origin. Each incident displays a state of motion encoded by the time criterion. If we show two distinct features of slip, ie movement and time, with v and t , the first slider causes the motion of v_1 and time t_1 , and creates the second pair of slips (v_2, t_2) , and so we can access the slip in the sequential sequence (v_n, t_n) .

Although I did not want to give a mathematical model for this. But if we consider an angle θ to the vertex o and the sides of the ox and oy in page, (see Figure 1 below), then the xoy angle θ is the longitudinal direction of the motion of time. That is, time starts moving from the point o and moves forward.

If we consider the point t_k on the bisector ot and draw the AB line segment perpendicular to ot at t_k , so that A placed to ox and B to oy . The segment AB is the transverse time motion graph. The closer is the point t_k to the vertex o , the lateral motion, and as t_k farther away from the vertex o , the length of the AB subset increases, and in fact, it adds to the width of the time.

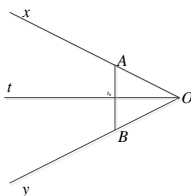


Figure 1

Therefore, the origin or the slip at the point o was the first slip and the existence created out nullity, in other words, the initial explosion occurred. (Big bang), then the movement

began, and its twin time began to count the moments that are the nature of the phenomena in a continuous and constant sequence. So far, we have two longitudinal and transversal dimensions for existence and the universe with two distinct features of motion and time. If we take into account the characteristics and qualities of each phenomenon and scene at the point t_k , which will have many different states, then we will reach the third dimension, height, depth or thickness, which can be studied with the ot_kA triangle around the ot_k side. It seems that the side oy is a situation from the side ox around ot , and the circumference of the circle is centered on t_k and the radius $r_k = t_kA = t_kB$ on the conical outer surface of the vertex o . This cone is a model for explaining the theory of the initial explosion and the universe, Big bang, from contemporary physicists' view point. In other words, the explosion occurred at o , and the expansion of the universe in the form of a horn, whose mathematical model appears to be an unconstrained cone, is conceivable.

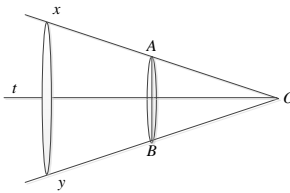


Figure ۲

As the point t_k is got away from the vertex o , the length of the radius r_k will be longer and the two variables will have a direct relationship, which may reach the maximum value of r_n at a moment such as t_n . At the same time, for a cone, there will be a rule that is a circle to the center of t_n and radius r_n ,

where n is a natural number and a desire to infinity. In that position, as if the expansion of the universe ceases and the contraction of the universe will begin.

In the contraction of the world, the relationship between the two variables t_k and r_k is reversed. In other words, the longer the distance from the ot_k , the length r_k is shortened and shortened to $r_k = 0$, which is the end of the contraction of the universe. It took a symmetry horn shape is created which has the same base as the first one! There, again, the entire universe is compressed at one point, and it may be occurred due to the slip of the next explosion and another tragedy begins!

I'm not going to address this very deep philosophical subject, which is in the hypothesis, here, and I just want to go in the direction of moving in time. That is, the motion on the radius r_k and in fact the movement on the circular surface to the center of t_k and the radius r_k , which is represented by a tangent pair (t_k, r_k) . That is, each vector in the circle with the origin t_k speaks of a motion over time. To clarify the subject, it's better to say: all of us, humans, are moving forward with time in its longitudinal direction, and we have no choice, and one and the same moment cannot stop that it is a principle and includes all the beings of the universe. But differences between beings and especially humans are indicated by a transverse movement in the circular surface with the center of t_k and radius r_k .

For example, Ahmad and Mahmoud are associated with the world at the point t_k , but the difference between Ahmad and

Mahmoud is determined by how much distance from the point of t_k in the circle with the radius r_k and in what direction they move?

may be another example clarify the subject. Ahmad and Mahmoud are both teachers and teach at class at the moment t_k . So far, the two seem have to be the same in terms of job, and we assume their job activity is the same. But Ahmad at the same time, as teaching, he also writes, and his articles are published in newspapers. whereas Mahmoud is unable to write, this issue represents a fundamental difference between Ahmed and Mahmud. Here we say: Ahmed has moved in the width of time while. Mahmoud did not have that movement. At the same time, one person can simultaneously carry out several activities in parallel. I called this situation a "move through the time".

Some people at any moment do a lot of things in time, depending on the situation, the amount and quality of movement, so that a person is amazed at all of this activity. They move continuously and simultaneously through the time as they travel in the long run along the general path. The issue of determinism and free will can also be explained with this thinking and the new hypothesis (multidimensionality of time). Thus, all those movements and phenomena that are related to the long axis of time are compulsory, and human beings have no option to change them, and in the opposite sense, these scenes will come into existence without our intervention, which are called inevitably. But all those movements and phenomena that occur through the time are partly related to the will, that is, we humans can make a difference in them, and have little or no choice to do them or not. I think the status of a person in the community depends on his

movements in time that separates him from others. The summary of this field is long (this is a long story).

Now if we turn the circle with center t_k and radius r_k around diameter AB. We will be faced with infinite state that, while being in the present situation, will have a view of the past and the future! Given the size of the line segment ot_k , the amount of return to the past and the amount of future prospects vary, which I call it "depth of time" or the height of the time. The result of the circle circulation is, the sphere, centered on the t_k and with radius r_k , where every point within it is the end of vector of human activity and motion in transverse dimension and depth of time! (Figure ۳)

In other words, any arbitrary human activity and movement is indicated with a vector with t_k origin inside the sphere, that the measure of the vector, from the amount of motion and the direction, shows the time of occurrence! Will it run at the present time, which is related to vectors within the circle (t_k, r_k) . Or retell past topics or have a future orientation. To justify this, I return to the same example of Ahmad and Mahmoud, and I present Ahmad's writing as the example. If Ahmed, at the time of writing, examines the issues of the present, does not need to circulate the circle (t_k, r_k) .

But if he wants to go back to the memories of his past, he must pay attention to the depth of time by rotating the circle around AB diameter with a proportional rotation angle! Also, if he is to predict the future, then he needs to rotate the circle. In other words, Ahmad, along with compulsory movement over time and arbitrary movement through time, has made another move in the depth dimension of time. It's simpler to say: Ahmad has moved in the depth of time in the process of writing, recalling memories and loading past information, or by addressing his aspirations and goals in the future!

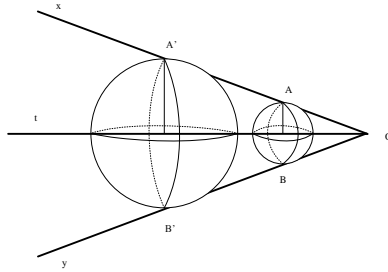


Figure ۳

Now if the page containing the xoy angle is rotated in space around the vertex o so that the plane on which the bisector - ot is positioned is perpendicular to the AB section, the position of a circle with center of t_k and the radius r_k according to the angular momentum of the circle around AB in space, creates a three-dimensional space-like shape of a rubber tube inside the car's wheel, which I dare call a "time tunnel". (Figure ۴)

This tunnel of time, which its initial and final parallels, are summarized in a closed space. Of course, it can be considered cutting off and studying the same cut. The cross section within the "time tunnel" will be geometrically different according to the angular momentum of the circle around AB.

In the case that a circle rotates 90° degrees, the cross-section within the "time tunnel" will be a complete circle. That means we'll have a really full windtube. Just look at Figure ۴ on the next page. But in other cases, that cross-sectional area within the "time tunnel" is not complete circle, we face infinitely elliptical modes for the cross-section.

It looks as if the tube is in a low-wind position and its internal wind show a three-dimensional view of the tube, with many different modes and displays. These imaginings can certainly be represented by computer software and displaying various modes of the tube. In the special case that, the circular plate to the center of t_k and radius r_k

Is Perpendicular to the ot , the result of the other rotation is not three-dimensional, that is not same as tube, but it will form a wavy ring similar to the bangle, which will be as wide as the radius of r_k ! Therefore, this thin loop and full wind trbe are two extreme (limit) states.

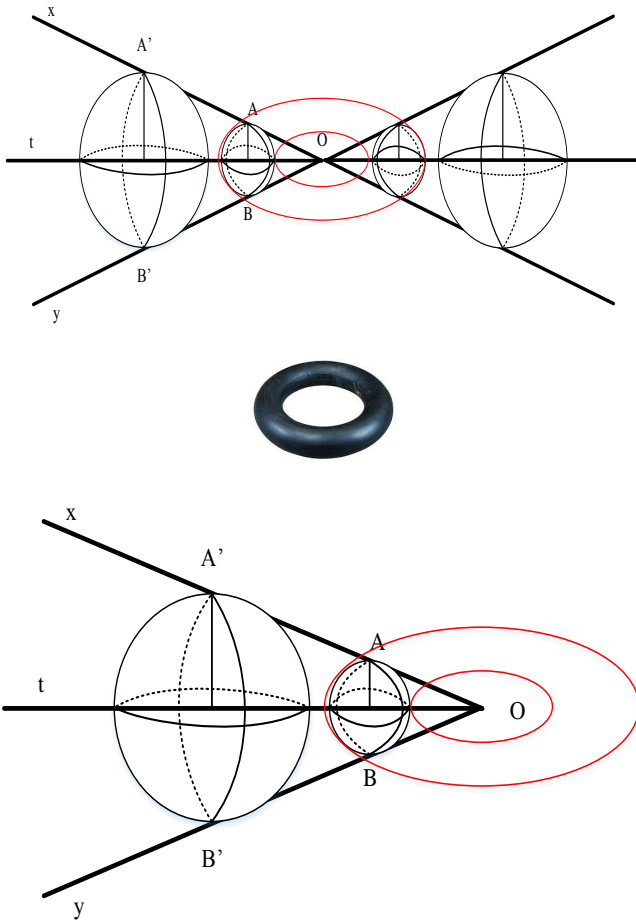


Figure 8

The "time tunnel" in other states that have a non-circular cross-section, as if they were bent or squeezed or crumpled, should be considered as spaces similar to those of Mendeleev's tables that will lay for future discoveries !

But the "time tunnel" of the full has all three dimensions of length, width, and depth of time, and reveals the fourth dimension, which I call the "hole of time" to cross a world into another world. The number of time holes will be infinite due to the position of the point t_k on the time axis ot . That is, a large number of full-blown tubes with different radii that can be combined with a combination of the Hanoi tower circles.



Figure ۰

The "time tunnel" is a single concept, which is the same as the expansion of the universe and the universe, which is constantly expanding, moving with time, and becoming larger and larger. That means, in proportion to the increase of the phenomena of being, it will be possible for everyone to travel in the "time tunnel"! In other words, there is always a direct connection between the container and the content or the carrier and the load.

In justifying and interpreting the "time tunnel", which is a continuous two-way movement within it, we can say that all

cosmic events with this time criterion can be studied and reviewed. From the rotation of electrons around the atomic nucleus to the circulation of galaxy clusters around the galactic superclustery center, all will be under the control of this criterion and time dimension!

When a phenomenon completes its prescribed period in circulation, it falls into a "time cavity". The clear example is the cosmic cycle of stars and during the process of astronomical conversion for millions of light years and falling into the black hole. That is, black holes are precisely the "holes of time" time holes which are the path of stars from this world to the other world!

neither, the tunnel of time is in a quiescent (static state) state of dwell, nor not the cavities of time come to a standstill! That is, if the stars fall into the black hole which is called the death of the star in the astronomy. A misleading, deviant meaning implies that the star remains open and motionless while falling into the black hole. There is no such thing at all. But the star goes down to the other world with a fall in the black hole, and somehow it moves and turns around. (See Figure 6) This issue is currently hidden from the viewpoint of mankind and current science, and it may be possible to find a way forward in the future. So, I pointed out some time dimensions that I used and words from the same names as the dimensional names of the place because of the lack of words.

the reader should not take this dimension of time with the category of dimensions of space and overcome them, and by matching the similarities of a word, concludes that in this article a justification of spatial dimensions is dealt with, and only instead of "place" a term "time" is used! The concepts are quite distinct and I can name a few memos.

First, the place is material, while the time is not material! For the time being, wisdom and human science cannot offer

a thing for time age and can only tell stories according to symbols of the permanent and definite presence of time!

Secondly, the human mind can easily imagine a variety of different faces of the location with the help of its sensory tool and interfere in some aspects of its characteristics and investigate it. But in the case of time, they have no such imagination and are by no means able to interfere in the characteristics of time and not! But it can only partly align itself with the principles and rules of time.

Thirdly, humans use their material and place of existence itself, and they deal with various changes in matter and place and observe the effects of change. While humankind does not have the slightest influence in the category of time, and can not make changes in the concept of time as well!

According to the "dimensions of time" theory that Foad presented in the ۲۱st century. One can also talk about the world after human death! But until it comes to the scientific facts in this category, it has to be waited and, as I said, this field is too profound!

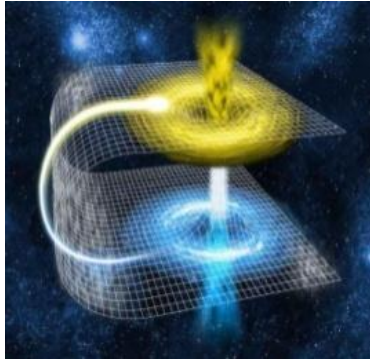


Figure ۶

A visualization of the "time hole" that is the path for the matter to go from one world to another!

زمان منفی، انرژی تاریک، ماده تاریک

۲۱/ آبان/۱۳۹۸ شمسی برابر با ۱۲/اوتکتبر/ ۲۰۱۹ میلادی

آن طور که در بیانات و نوشتارها دیده و شنیده‌ایم، جهان هستی و واقعیت تنها فقط موجودات مادی نیستند. اگرچه شروع چرخش هستی را با زایش از عدم در موقع مهبانگ یا انفجار اولیه یا Big Bang می‌دانند، اما در آن هنگام فقط عناصر شیمیایی صیرف ظاهر نشدند! بلکه موجوداتی پنهان از دید و فهم و درک انسان نیز زائیده شدند که در کائنات حضور داشته و نقش خود را بازی می‌کنند! قطعاً این گفته، ساده و قابل هضم نبوده و مخاطب سریع به فهم آن نخواهد رسید. زیرا این مقوله یک بارقه‌ی فکری است که به مغز این‌جانب رسیده و اندیشه‌ای بکر بوده و با توضیح و تشریح آن، از این به بعد در میدان افکار عمومی قرار خواهد گرفت.

در سال ۲۰۱۵ میلادی بارقه‌های فکری فراوانی راجع به زمان به ذهن این‌جانب رسید که با مکتوب نمودن قسمت‌هایی از آن بارقه‌ها به ارائه‌ی "نظریه ابعاد زمان" منجر گردید. در ضمن به بارقه‌های فکری سالیان پیش نیز توجه نمودم. از جمله " لغزش عامل حرکت و پویائی " که لیمی برای نظریه‌ام در مورد ابعاد زمان شد. کتاب " نظریه ابعاد زمان" را نوشتم و با هزینه‌ی کلان به چاپ رساندم و برای مراکز علمی در سراسر دنیا ارسال کردم. اینک در آستانه‌ی سال ۲۰۲۰ میلادی در ادامه‌ی رسیدن مستمر بارقه‌ها به مقوله‌ای کاملاً نوظهور می‌پردازم که امیدوارم بتوانم آن را با انشائی ساده به عرصه‌ی افکار عمومی بیاندازم.

وقتی بر اثر لغزش حرکت آغاز گردید، وجود مکان برای بستر حرکت ضروری بود که توسط مبدا، فیاض همزمان با شروع حرکت، بستر مکان نیز تولد یافت و همراه با انبساط هستی، مکان لازم برای جولانگاه حرکت موجودات هستی، مهیا گردید. اما چگونه؟!

داستان را از آنجا آغاز می‌کنم که بنا بر قانون و اصل آفرینش و پیدایش هستی و کائنات هر موجودی که چه برای انسان قابل درک و فهم باشد و چه نباشد، دارای جفتی پنهان و پوشیده است. این جفت یا همزاد گاهی ممکن است، شبیه سایه و یا تصویر در آئینه، خودی نشان دهد. ولی اکثر نزدیک به تمام جفت‌ها، پنهان و هم‌چنان از نظر انسان‌های حتی اندیشمند، مخفی می‌مانند! البته این توجه عمیق و تفکر تا کنون مختص دانشمندان و اهل فلسفه بوده و این‌جانب می‌خواهم آن را برای اذهان عموم انسان‌ها به نمایش بگذارم.

بنابر اشارات فراوان علمی و تاریخی مکتوب در کتاب‌ها و آثار اندیشمندان، در ابتدای آفرینش یا همان لحظه‌ی بیگ‌بنگ که وجود و هستی از عدم و نیستی بر اثر لغزش زاده شد، یعنی در همان لحظه‌ای که توأم با حرکت و جنبش، زمان نیز تولد یافت، فقط و فقط نور بود. یعنی فوتون یا واحد ساختمان هستی، ظاهر گردید. به زبان علم فیزیک نجومی، کل هستی در نقطه‌ای به‌طور وحشتناک فشرده بود و بر اثر لغزش، آن نقطه منفجر شد و حرکت آغاز گردید. عالم هستی با تورم تدریجی بزرگ و بزرگ‌تر، متکثر و متغییر و متنوع گردید. در واقع جهان هستی مملو از ماده و ضد ماده است که بدون استثناء همه در حرکت هستند و سکونی وجود ندارد. دانشمندان و پیشقراولان اندیشه با محاسبات علمی به این نتیجه رسیده‌اند که از

موقع بیگ‌بنگ تا به حال حدود چهارده میلیارد سال می‌گذرد و هنوز تورم و انبساط هستی و کائتات ادامه دارد! باید متوجه بود که تا کنون مدت زمانی برای پایان این انبساط محاسبه نشده است!

ماجرای پیدایش ذرات بنیادین ماده که هنوز هم علم در پی اولاترین و ریزترین آن‌ها می‌باشد و تشکیل اتم به‌عنوان یک واحد ترکیبی از ذرات بنیادین و ادغام اتم‌ها در قالب مولکول و ابدان و اشیاء حاصل از تجمع مولکولی بر اثر یک سری قوانین خاص و سیر تکثر و تنوع و تکامل و بالاخره حضور یافتن جان در برخی موجودات ترکیبی پیچیده‌تر و سرانجام ظهور شعور انسانی که شاید پیچیده‌ترین موجود ترکیبی در حال حاضر باشد، خود مقوله‌ای بسیار بسیار مرموز و هنوز هم، علم بشر، حرف زیادی راجع به آن ندارد. پروتون در سال ۱۹۱۹ میلادی یعنی حدود یک قرن پیش توسط ارنست راتفورد کشف گردید. قطر پروتون برابر ده تریلیونوم سانتیمتر است که آن را یک فرمی گفته و برای واحد اندازه‌گیری قطر ذرات بنیادین در نظر گرفتند. قطر هسته‌های اتم عناصر شیمیائی از $4/1$ الی 9 فرمی محاسبه شده است. جرم یک الکترون را نیز برای واحد اندازه‌گیری در دنیای ذرات بنیادین انتخاب کرده‌اند و برای تصور میزان آن کفایت رشته‌ای از الکترون‌ها را مثل دانه‌های تسبیح در نظر بگیرید. اگر طول رشته به حدود ۲۰ میلیارد کیلومتر برسد، یعنی $5/1$ برابر قطر منظومه‌ی شمسی. آن‌گاه وزن تمام این رشته الکترون حدود ۹ گرم می‌باشد! جرم الکترون را با m_e نمایش می‌دهند. لذا جرم پروتون را $1836 m_e$ محاسبه کرده‌اند.

با توجه به یافته‌های علوم فیزیک و شیمی با دخالت ریاضیات اگر در پی ریزترین ریزها به دنیای بینهایت کوچک‌ها سری بزنیم، می‌دانیم که اتم شامل هسته‌ای متشکل از ذرات پروتون و نوترون و الکترون‌هایی در اطراف هسته است. اما بنا به نظرهایی پروتون و نوترون نیز توپُر نبوده و خود از ذرات ریزتری با اسامی باریون، کوارک و ... ساخته شده‌اند. در اینگونه سرگردانی اندیشه‌ی بشر و ناتوانی علم بهتر است، برای بستن پرونده و خاتمه دادن به این سیر قهقرائی فرض کنیم که به جزء لایتجزائی رسیده‌ایم که من اسم آن‌را " مرزک " گذاشته‌ام. چون برای ادامه‌ی تفکر در زمینه‌ی موضوع مقاله ناچار به این فرضیات هستیم.

وقتی که مندلیف نابغه‌ی روس جدول تناوبی عناصر را تنظیم نمود، فقط ۷۰ عنصر شیمیائی مجرد شناخته شده و تنها ۲۵ عنصر مورد بررسی خواص فیزیکی و شیمیائی قرار گرفته بودند. تعداد ذرات ابتدائی شناخته شده نیز انگشت شمار بوده، اما در قرن بیست میلادی که به قرن انفجار اطلاعات علمی مشهور گردید، تعداد عناصر شیمیائی شناخته شده از مرز صد تا گذشت.

تعداد ذرات بنیادین (ذرات اولیه یا ابتدائی) شناخته شده که در حد انگشتان دست بودند، در حال حاضر به حدود ۳۰ ذره رسیده است که از روی جرم آن‌ها در طبقات سبک (لپتون‌ها)، متوسط (مزون‌ها)، سنگین (نوکلئون‌ها) و سنگین‌تر (هیپرون‌ها) دسته‌بندی شده‌اند. جرم یک نوترینو در طبقه‌ی لپتون‌ها برابر ۵×۱۰^{-۴} جرم یک الکترون محاسبه شده است!

از این ۳۰ ذره‌ی بنیادی ۳ تای آنها از طریق محاسبات وجودشان محقق شده، ولی ۲۷ تای دیگر آنها، وجودشان از طریق تجربی اثبات گردیده است. در میان این ذرات بنیادین " ذرات " و " ضد ذرات " یا " پاد ذرات " وجود دارند که از زوجیت ذرات در پیدایش هستی سخن می‌گویند. مثلاً الکترون و پاد الکترون (پوزیترون) که اختلاف آنها فقط و فقط در بار الکتریکی است. الکترون بار منفی دارد ولی پاد الکترون بارش مثبت می‌باشد. الکترون و پاد الکترون هر دو پایدار هستند که الکترون‌ها در تمام اتم‌های موجودات هستی وجود دارند. ولیکن پادالکترون‌ها نامرئی و مخفی و از حیطه‌ی کاری انسان خارج‌اند. در مورد پروتون نیز همین‌طور است. تفاوت الکترون و ضدش یعنی پوزیترون در بار الکتریکی ناشی از گشت‌آور دورانی الکترون بوده که اسپین نامیده می‌شود. یعنی اسپین الکترون و اسپین پاد الکترون مخالف هم هستند.

پوزیترون‌ها در عالم هستی فراوان ولی نامرئی می‌باشند. در هستی هیچ ماده‌ای بدون ضد ماده زاده نشده است! لذا باید نتیجه گرفت که در کنار عالم ماده یک عالم ضد ماده نیز وجود دارد. ولیکن این عالم ضد ماده از دید انسان مخفی و پنهان و نامرئی است.

مطلب بسیار مهم آن است که هر ذره با پاد ذره‌ی خود، اگر به هم برسند، هر دو نابود شده و عمرشان به پایان می‌رسد و تبدیل به مقداری کوانتای انرژی می‌شوند.

اکنون می‌خواهم به سخنی بیردازم که شاید مورد قبول عالمان فیزیک قرار نگیرد و آن این‌که در آغاز پیدایش ذرات ماده یعنی از همان لحظه‌ی استارت

بیگ‌بنگ، پایداری ذرات بنیادین تشکیل دهنده‌ی ساختار کائئات، منوط به آن گردید که پاد ذرات مخفی شوند! چون در غیر این صورت با حضور ماده و پاد ماده دیگر پایداری در کار نمی‌بود و زمینه برای تشکیل ساختار هستی و کائئات فراهم نمی‌شد. به عبارت دیگر "پروتون" و "پاد پروتون" که همزمان با هم هستی یافتند، اگر پاد پروتون مخفی نمی‌شد و در مورد الکترون نیز همین‌طور، آن همزاده‌ها یک‌دیگر را نابود کرده و دیگر اتم تشکیل نمی‌گردید و نیز از مولکول خبری نبود و لذا ترکیبات به‌وقوع نمی‌پیوست و با این حال، ساختاری برای ظهور کائئات و هستی در کار نبود!

سؤال اینجاست که این پاد ذرات‌ها چه جوری و برای چه مخفی شدند؟ پاسخ "چه جوری" به این سادگی‌ها نیست. اما پاسخ "برای چه مخفی شدند؟" بسیار بسیار ساده است که اگر مخفی نمی‌شدند، با ذرات همزاد خود ممزوج و تبدیل به فوتون یا ریسمان انرژی شده و دیگر فرآیندی برای تشکیل اتم و بعد مولکول در کار نمی‌بود. در نتیجه انبساط و تشکیل ساختار کائئات متوقف می‌گردید. پس راز پیدایش و خلقت هستی در این مقوله نهفته است که می‌بایست، پاد ذرات‌ها مخفی شوند تا از ذرات‌ها دور باشند و مانع حرکت و جنبش ساختار کائئات نشوند!

از طرف دیگر نمی‌توان گفت که پاد ذرات‌ها، نیست و معدوم گردیدند و لذا ذرات با خیال راحت راه خود را پی گرفتند و کائئات هستی یافت! چرا که اساس پیدایش وجود بر زوجیت است و پاد ذرات‌ها مثل ذرات‌ها باید حضور داشته باشند. اما می‌توان گفت که پاد ذرات‌ها در محیط سیطره‌ی ذرات‌های

پایدار قرار ندارند! به عبارت دیگر پاد ذرات تمامی ذرات همگی با وجود این که در هستی و کائنات حضور دارند، اما از فضای ذرات خارج شده و در فضا و دنیای دیگری مخفی شده‌اند! باید توجه داشته باشیم که رد پای پاد ذرات‌ها در همین فضای ذرات‌ها قابل پی‌گیری است که به فضای مخفی رانده شده‌اند! برای درک این سخن چند مثال را برای تجسس و مقایسه مطرح می‌نمایم که البته قیاس مع‌الفارق بوده، ولی ناچار از این کار هستیم.

فرض کنیم که در یک مسیری در میان جنگل راه می‌رویم، ناگهان متوجه پیکری از مار شده که بدون حرکت در کنار مسیر افتاده است. با کمی تمرکز و مشاهده‌ی دقیق به نتیجه‌ای می‌رسیم که آن چه را که می‌بینیم، پوست یک مار است و خود مار در آن حضور ندارد. یعنی مار در آن محل پوست انداخته است. به این پوست جدا شده از بدن مار، در زبان گردی "کاژ مار" می‌گویند. انگار که مار از گرما لباس تمام قد خود را در آورده و برای شناخت به دریا زده است! در این حال ما رد پای مار را دیدیم، ولی از خود مار اثری نبود. یا به سوراخی خزیده و یا راهی محلی دیگر از جنگل شده است. این موقعیت شاید موجب شادمانی و آرامش خاطر ما گردد که از گزند مار محفوظ و از مرگ رهائی یافتیم. لذا مار در جایی از جنگل مخفی شده. یعنی مار وجود دارد و ما نشانی از وی دیدیم، اما از دید ما پنهان می‌باشد.

مثال دیگر این که فرض کنیم که در حین کوهنوردی از منطقه‌ای رد می‌شویم که برف سنگینی تمام آن جا را پوشانده است. ناگهان نگاهمان متوجه جابای یک جانور وحشی خطرناک می‌گردد. با مشاهده‌ی دقیق و

تحقیق در مورد شکل جاپا به نوع جانور وحشی پی می‌بریم که از آن محل رد شده، ولی از دید ما پنهان گردیده است. نتیجه می‌گیریم که آن جانور یا در غاری پناه گرفته و یا به منطقه‌ی دیگری دور از دید ما رفته است.

با این مثال‌های تشبیهی می‌خواهم بگویم که اگرچه نتوانیم پاد ذرات‌ها را مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم، دلیلی برای عدم حضور آن‌ها در کائنات و هستی نیست. اما با رویکردها و آثاری که از آنان دریافت می‌شود، می‌توان به حضور مخفی آن‌ها پی بُرد. نبودن گواه، گواه نبودن نیست!

تا این‌جا زمینه‌ای را فراهم نمودم تا وارد شرح آن بارقه‌ی فکری شده و توپ بسیار نادر و ظریف و حساسی را به میدان افکار دانشمندان بیاندازم.

برگردیم به لحظه‌ی بیگ‌بنگ و آغاز حرکت و تولد مکان و زمان و ذرات بنیادین که هر چه ظهور یافت به‌صورت جفت بود! باز تأکید می‌نمایم که "هر" در این جمله‌ی اخیر سور عمومی در منطق ریاضی است و شامل همه است. بدون استثناء! یعنی جرقه‌ی منبعث از استارت اولیه‌ی بیگ‌بنگ که اولین فوتون نور بود، با همزادش هستی یافت. حال اعلام می‌کنم که همزاد فوتون، یعنی پاد فوتون، بنا به قرارداد مرموز و ناشناخته به‌خاطر حضور علنی فوتون، مخفی شد! به‌عبارتی پاد فوتون حضور علنی خود را نادیده گرفت و امتیاز اظهار وجود و فعالیت ظاهری را به فوتون اعطا نمود!

به گفته‌ی فیزیک دانان و اهل نجوم در آن لحظه‌ی پیدایش، درجه‌حرارت میلیاردها بوده و در سه ثانیه‌ی اوّل پختن آش کائنات به‌سرعت درجه‌ی

حرارت کاهش یافته تا زمینه برای تبدیل انرژی و فوتون به ماده یعنی ذرات بنیادین فراهم گردد! به نظر می‌رسد کسی نمی‌داند که ابتداء کدام ذره با همزادش پیدایش یافت! پروتون، الکترون یا ...؟! این مسئله‌ی تقدم و تأخر زیاد به موضوعی که من می‌خواهم مطرح کنم، ربطی ندارد. بلکه مهم پیدایش ذرات بنیادین به صورت جفت می‌باشد و همچنان که قبلاً شرح دادم، طبق قرار مرموز پاد ذرات‌ها همه مخفی و نامرئی شدند و به ذرات‌ها میدان تاخت و تاز دادند.

این قانون زوجیت خلقت و پیدایش، شامل مکان و زمان نیز شده، یعنی پاد مکان و پاد زمان نیز همزمان با مکان و زمان هستی یافتند، اما بنا به قانونی که شرحش گذشت، مخفی شدند! به عبارت دیگر در کائنات و هستی "مکان نامرئی" و "زمان نامرئی" وجود دارند! توصیه می‌کنم که تا پایان مطلب از تجسم کردن و قضاوت نمودن و ایراد گرفتن فعلاً خودداری کرده و قراردادهای مقدمه‌ی کتاب را رعایت نمائید.

اگر "زمان" را که به عنوان بُعد چهارم در تبیین هستی مطرح شده و معیار اولیه‌ی اینشتین در بیان تئوری نسبیت است، با نماد t + نشان دهیم، آن‌گاه "پاد زمان" که مخفی است با نماد t - نشان داده می‌شود.

یعنی "زمان منفی" در معادله‌ی اینشتین توسط این‌جانب به‌دین‌گونه معنا می‌یابد! برای شرح بیشتر در این رابطه منتظر رسیدن بارقه‌های فکری نو هستیم.

همه‌ی تحصیل کرده‌ها می‌دانند که فوتون‌های نور با چشم ما قابل رؤیت بوده و اصولاً موضوع دیدن در انسان به بازتاب نور تابیده شده یا انعکاس یافته از اشیاء بستگی دارد، اما همه نمی‌دانند که "پاد فوتون‌ها" چه هستند و ...!

اکنون موقع آن رسیده است که اعلام نمایم:

"انرژی تاریک" مطرح شده در نجوم فعلی همان "پاد فوتون‌ها" هستند که مخفی شده‌اند!

هم‌چنین اعلام می‌کنم که

"ماده‌ی تاریک" مطرح شده در نجوم فعلی همان "پاد ماده" یا "پاد ذرات‌ها" هستند که مخفی شده‌اند!

یعنی انرژی تاریک و ماده‌ی تاریک در کائئات وجود دارند. ولی نامرئی و مخفی‌اند. لذا به جرأت می‌گویم که در فضای کائئات خلاء محض وجود ندارد و آن قسمت‌هایی که از دید علم بشر خالی تصور می‌شوند، با "پاد ماده‌ها" و "پاد ذرات‌ها" پُر شده‌اند. ولیکن از دید ما انسان‌ها مخفی و نامرئی هستند!

برای این‌که از برداشت‌های غیر واقع‌اندیشمندان جلوگیری شود، فعلاً به نتایجی که نظریات جدید این‌جانب یعنی مقوله‌های مهم **"زمان منفی"** و **"انرژی تاریک"** و **"ماده‌ی تاریک"** چه کاربردهائی دارند، خودداری می‌کنم. چون که بارقه‌های فکری مرتب به مغز این‌جانب خطور کرده و دارم آن‌ها را مکتوب می‌نمایم.

Negative time, dark energy and dark matter

१२ October २०१९

As we have seen and heard in statements and writings, the world of being and reality are not just material beings. Although they see the onset of the rotation of the universe as being born out of the initial explosion or the Big Bang, But at that time only mere chemical elements did not appear Rather, creatures hidden from human understanding and perception were also born that were present in the universe and were playing their part. Certainly this is not easy to digest and the audience will not quickly understand it. Because this is a brainstorm that has come to my mind and is a pristine idea and will be in the public domain from now on through explanation.

In २०१०, a great deal of thought about time came to mind, writing a part of that sparking led to " The dimension of time theory " I also paid attention to the sparkles of thought many years ago. Including "slip factor of motion and dynamics" which was used for my theory of the dimensions of time as.

I wrote The Dimension of time Theory and published it at a great cost and sent it to scientific centers around the world.

Now, in the run-up to २०२०, with the continuous arrival of sparkles, I turn to a completely new category that I hope I can bring it to the public's mind with a simple explanation.

When the movement started, because of slip there was a need to have space which was born at the same time with space by the origin. And, along with the expansion of the universe, the necessary space for the movement of the creatures was provided. But how!?

I begin the story from the point of view that based on the law and principle of the creation and emergence of the being and universe, every being, whether or not it is humanly understood, It has a hidden pair. This pair or partner may sometimes look like a

shadow or mirror image. But the vast majority of all pairs remain hidden and even latent from the viewpoint of even intellectuals. Of course, this in-depth attention and thinking has so far been limited to scientists and philosophers, and I would like to show it to the public.

According to the many scientific and historical references written in the books and works of scholars, at the beginning of the creation or the moment of Big Bang that the existence and being were born out of non-existence through a slip, That is, at the moment when time and movement were born together, it was only light. That is, photon or unit of the universe appeared.

In the language of astrophysics, the whole universe was compressed at one point so horribly, that point exploded due to a slip and the movement began.

The universe was multiplied and varied by the gradual expansion. In fact, the universe is full of matter and anti-matter, all moving without exception and there is no stillness.

By scientific calculations Scientists and pioneers of scientific thought have concluded that Big Bang has been around for fourteen billion years and that inflation and expansion of the universe and being are still going on. It should be noted that no time has been calculated for the end of this expansion so far.

The story of the creation of the fundamental particles of matter, which is still searched by science, and the formation of atom as a unit , a composition of the fundamental particles and the integration of atoms into a molecule And the molecular accumulation of objects by series of specific laws, the process of propagation, diversification, evolution, and finally the presence of life in some of more complex combinatorial creatures and eventually the emergence of human intelligence that may be the most complex combinatorial being at present, It is a very mysterious subject, and yet, human science has not much to say

about it. Proton was discovered in ၁၉၁၉ by Ernest Rutherford about a century ago.

Proton diameter is ten trillion centimeters, which is called Fermi and used for measurement of fundamental particles diameter. The atomic nucleus diameters of chemical elements have been calculated from ၁.၆ to ၉ Fermi.

The mass of an electron has also been selected as a unit of measurement in the world of fundamental particles, and to imagine its size, just consider a string of electrons as the beads. If the string reaches about ၃.၀ billion kilometers, that is ၁.၀ times the diameter of the solar system. Then the whole weight of this string of electrons is about ၁ grams. Mass of electron is indicated by m_e . Therefore mass of proton has been calculated as $1836 m_e$.

According to the findings of physics and chemistry with the intervention of mathematics If we trace the infinitesimal world to the smallest of the smallest, We know that an atom contains a nucleus composed of proton and neutron particles and electrons around the nucleus. But protons and neutrons are also not thought to be full and solid and are made of finer particles.

In this way of human thought wandering and the inability of science, it is better to close the case and to end this perverse course, and assume that we have come to an unbreakable part that I have called the "Merreek". Because I have to make assumptions to continue thinking about the subject of the article.

When Mendeleev, the Russian genius set up the periodic table of elements, only ၆၀ chemical elements were identified and only ၃၀ elements had been examined for their physical and chemical properties. The number of known elementary particles was also small, but in the twentieth century known as the century of scientific information explosion, the number of known chemical elements exceeded one hundred. The number of known Fundamental particles (primary or elementary particles) that were really small is now about ၃၀ they are classified into light

(leptons), medium (mesons), heavy (nucleons) and heavier (hyperons) classes According to their mass.

The mass of a neutrino in the leptons class is calculated to be 10^{-6} mass of an electron.

Of these ۳۰ fundamental particles, ۳ have been verified by computation of their existence, while the other ۲۷ have been verified empirically.

Among these fundamental particles, there are "particles" and "anti-particles" which speak of particle pairs in the emergence of being. For example, electrons and anti-electron (positrons) the difference of which is only in the electric charge. The electron has a negative charge, but the anti-electron has a positive charge. Electrons and anti-electron are both stable, with electrons present in all atoms of the organisms. But the anti-electrons are invisible and hidden from the human realm. The same is true for protons. The difference between the electron and its counterpart, positron, is in the electric charge due to the electron's rotational excursion, called spin. That is, electrons spin and spin anti-electrons are opposites.

Positrons are abundant in the universe but invisible. No substance in the universe is born without an anti-matter! Therefore, it should be concluded that there is also an anti-matter world beside the matter universe. But this anti-matter world is hidden and invisible from the human point of view.

What is important is that each particle with its anti-particle, if they collide, both are destroyed and end their lives and become some quantum of energy.

Now I want to make a point that may not be accepted by physics scholars, that at the beginning of the emergence of matter particles from the moment the Big Bang began, the stability of the fundamental particles forming the universe's structure was subject to the concealment of the anti-particles. Because otherwise there would be no stability with the presence of matter and anti-matter,

and the ground for the structure of the universe and being would not be provided. In other words, the "protons" and "anti-protons" that co-exist together, if the anti-protons were not hidden, and in the case of electrons, they would destroy each other and no more atoms would be formed. And there was no molecule, so the compounds did not form and yet there was no structure for the emergence of the universe and existence.

The question is, how and why did these anti-particles disappear? The answer to "how" is not that easy, But the answer to "why were they hiding?" It is very simple that if they had not been hidden, they would have been merged with their pair particles to become photons or energy strings, and there would be no further process for the formation of atom and then molecule. As a result, the expansion and formation of the universe's structure would stop. So the secret of the creation and creation of the universe lies in the fact that the anti-particles must be hidden in order to be away from the particles and not to impede the movement of the structure of the universe. On the other hand, it could not be said that the anti-particles were destroyed, so that the particles easily followed their path and the universe was created. Because the origin of existence is based on pairs, and anti-particles, like particles, must be present. But it could be said that anti-particles are not in the environment of stable particles! In other words, the anti-particles of all particles are all present, but outside the space of particles in another universe, and hidden in another space and world. It should be noted that the anti-particle indication could be traced back to the same particle space that has been driven into secret space.

To understand this, I will give some examples of visualization and comparison, which of course are analogous, but I am forced to.

Suppose we walk through a forest, suddenly we find a figure of a snake that has fallen by the wayside without moving. With a little focus and careful observation we come to the conclusion that what we see is the skin of a snake and the snake itself is not there.

That is, the snake has shed its skin there. This skin is separated from the snake's body in the Kurdish language it is called "kash mar". It is as if the snake has taken off its full cover and hit the sea for barefoot swimming. At the same time we saw the snake's footprint, but no trace of the snake itself. Either it's crawled into a hole or some other way out of the woods. This situation may bring us happiness and peace of mind when we are rescued from snake bite and released from death. So the snake is hiding somewhere in the forest. It means there is a snake and we saw a sign, but it is hidden from our view.

Another example is to assume that we are climbing an area that is heavily snow-covered while hiking. Suddenly, we look at the foot print of a dangerous wild beast.

Looking closely and investigating the shape of the footprint we find out about the wild animal that has passed through the way, but it is hidden from our view. We conclude that the animal has either taken refuge in a cave or gone elsewhere.

With these metaphorical examples, I would like to say that although we cannot study and review anti-particles, it could not be a reason for them not to exist in the universe and in existence. But with their approaches and traces, one can discover their secret presence. Having no reason, could not be considered as non-existence.

So far, I have set the stage for the thought sparkle and throw the very rare and delicate ball into the field of scientists.

Let's, back to the Big Bang moment and the beginning of the movement and birth of the place and time as well as the fundamental particles that emerged in pairs Again, we emphasize that "every" in this recent sentence is general in mathematical logic and encompasses all. With no exception That is, the original sparkle of the Big Bang's first start, the first photon of light, came into existence with its counterpart. Now I announce that Photon's counterpart, anti-Photon, was hiding under a mysterious and

unknown contract, because of Photon's public presence. In other words, anti-photon ignored its public presence and granted Photon the privilege of being present and acting.

According to physicists and astronomers at that time, the temperature was billions of degrees, and in the first three seconds of cooking the cosmos was rapidly lowered to provide the basis for the conversion of energy and photon into matter, the fundamental particles. No one seems to know which particle first came up with its counterpart Protons, electrons or ...!? This issue of primacy and latency has nothing to do with the subject that I want to raise. Rather important is the emergence of fundamental particles in pairs, and, as I have already described, according to the mysterious contract antiparticles were all secret and invisible, and the particles invaded the field. This Law of pairs of Creation and Genesis also encompassed place and time, that is, both anti-time and anti-place were found simultaneously with place and time, but according to the law that was explained, they were hidden. In other words, there are "invisible place" and "invisible time" in the universe. I recommend that avoid visualizing, judging, and criticizing until the end of the article and follow the introductory contracts.

If we denote "time" as the fourth dimension in the explanation of being and Einstein's primary criterion in expressing the theory of relativity, and show it as $+t$, then "anti-time", which is hidden is shown by $-t$.

That is to say, "negative time" in Einstein's equation is thus meant. I am waiting for more sparkles to come up in this regard.

Every educated person knows that light photons are visible to our eyes, and what we see in humans depends primarily on the reflection of objects, but not everyone knows what "anti-photons" are and...!

Now it is the time to announce that the "dark energy" in current astronomy is the "anti-photon" that is hiding.

And I also declare that the "dark matter" in current astronomy is the "anti-matter" or "anti-particles" that is hidden.

That is, dark energy and dark matter exist in the universe. But they are invisible and secret. So I dare say that there is no pure vacuum in the universe and those parts thought to be empty and out of human science are filled with "anti-matter" and "anti-particles". But to us, they are hidden and invisible.

To avoid unrealistic perceptions, I do not talk about the results of my new theories, namely the three important categories of "negative time" and "dark energy", "dark matter". Because leap of imagination is coming regularly and I'm writing them down.



جهان‌های موازی

۲۲/ دی/ ۱۳۹۸ شمسی برابر با ۱۱/ ژانویه/ ۲۰۲۰ میلادی

به چشم نهان بین، نهان جهان را که چشم عیان بیند نهان را
نهان در جهان چیست؟ ای هوشیار نبینی نهان را، ببینی عیان را

چکیده: در تکوین هستی و کائنات وقتی بیگ‌بنگ در نقطه‌ای روی داد، تنها عناصر شیمیائی صرف، زاده نشدند! بلکه موجودات دیگری غیر از ماده به‌وجود آمدند که از دید انسان مخفی مانده‌اند. اما آنان نیز در کائنات حضور داشته و نقش خود را بازی می‌کنند! به‌طور کلی موجودات هستی بر دو نوع‌اند. ماده و غیر ماده که ماده دائماً در حال تغییر است و هیچ‌گاه در حالتی ثابت نمی‌ماند و به‌دین لحاظ ماده را فانی و فسادپذیر می‌نامند. ولی موجودات غیر ماده دائمی و فساد ناپذیر بوده و لطائف نام دارند. روح و روان که مایه‌ی حیات جان‌داران است از جنس لطائف بوده و جاودانی است و مرگ ندارد! عشق و محبت نیز از لطائف هستند و کسی از ماهیت وجودی آنان اطلاعی ندارد و معلوم نیست از چه چیزی ساخته شده‌اند. در حالیکه موجودات مادی از عناصر شیمیائی ساخته شده‌اند. ماهیت زمان نیز از نوع لطائف بوده و انسان هیچ شناختی از ساختار زمان ندارد. اصل و بنیاد زایش و خلقت موجودات هستی اعم از ماده و غیر ماده، بر اساس زوجیت بوده، یعنی هر موجودی یک جفت (پاد) دارد. به‌عبارتی هر عنصر ماده یک جفت بنام پادماده دارد. در موجودات لطیف نیز همین‌طور است. مثلاً زمان یک جفت بنام پادزمان دارد که من آن را زمان منفی نامیده‌ام. مکان هم برای جولانگاه حرکت ماده که

هستی یافت، دارای جفتی بنام پادمکان بوده که من آنرا ماده تاریک نام‌گذاری کرده‌ام. فوتون نور نیز که یکی از موجودات نوع ماده است، دارای جفتی بنام پادفوتون بوده که انرژی تاریک را تشکیل داده است! ضمناً در اولین جرقه و انفجار بیگ‌بنگ که فوتون و جفتش زاده شدند و با افت وحشتناک حرارت حاصل از انفجار سایر عناصر یعنی ذرات بنیادی ماده تولد یافته و توأم با ترکیب شدن آنان انبساط کائنات نیز جاری شد، سایر موجودات غیر مادی نیز حضور یافتند و نه فقط یک جهان شیپوری پُر از ماده بلکه تعداد فراوانی جهان‌های دیگر مملو از ماده و غیر ماده همراه با جفت‌های خود در اطراف نقطه‌ی بیگ‌بنگ مسیر تکوین را پیش گرفتند. کائنات شامل همه‌ی این جهان‌ها بوده و خود را به‌صورت فضائی کروی شکل به ذهن انسان القا می‌نماید. من بیگ‌بنگ را لحظه زایش هستی از نیستی نامیده، یعنی لحظه‌ای که وجود از عدم برخاست!

مدل:

در مکتوب نمودن بارقه‌های فکری پیشین نوشتم که در موقع مهبانگ یا انفجار اولیه (Big Bang) فقط عناصر شیمیائی صِرف، ظاهر نشدند! بلکه موجوداتی پنهان از دید و فهم و درک انسان نیز زائیده شدند که در کائنات حضور داشته و نقش خود را بازی می‌کنند که آن‌ها را لطائف می‌نامند. با لغزش بیگ‌بنگ، حرکت نیز به‌حکم لغزش آغاز گردید، اما وجود مکان برای بستر حرکت ضروری بود که توسط مبدا، فیاض همزمان با شروع حرکت، آن‌هم تولد یافت. یعنی مکان نیز ظاهر گردید و انبساط شروع شد تا فضای لازم برای جولانگاه حرکت موجودات هستی، مهیّا شود. زمان نیز منبعث از

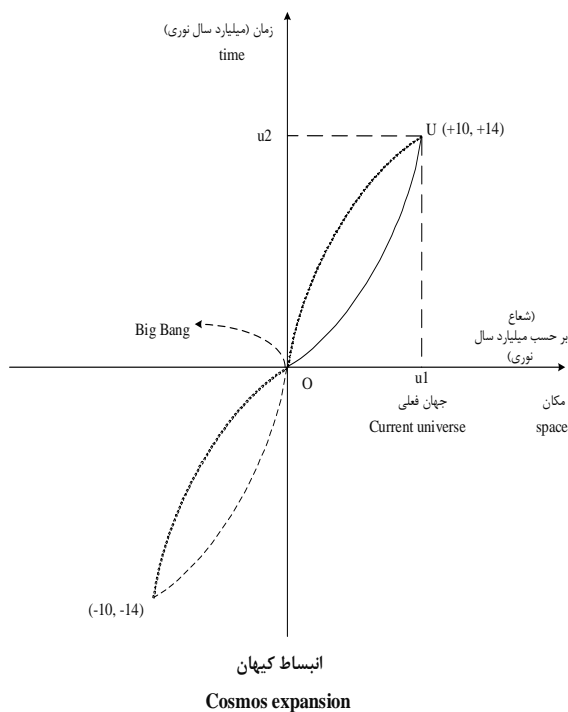
حرکت، ظهور یافت و شمردن لحظات را آغاز نمود! هم‌چنین بنا به‌قانون اساسی و اصل آفرینش برای پیدایش هستی و کائنات، هر موجودی که چه برای انسان قابل درک و فهم باشد و چه نباشد، با جفتی همزاد متولد گردید که به‌دلایل مرموز جفت همزاد ایثار نمود و پنهان شد تا عرصه برای تاخت و تاز آن موجود خالی بماند! این جفت همزاد گاهی ممکن است، شبیه سایه و یا تصویر در آئینه، خودی نشان دهد. ولی اکثر نزدیک به تمام جفت‌های موجودات در کائنات، پنهان و هم‌چنان از نظر انسان مخفی مانده‌اند!

این‌جانب هم‌چون بسیاری از کیهان‌شناسان بر این باور هستم که کل هستی در نقطه‌ای به‌طور وحشتناک با چگالی بی‌نهایت، فشرده بود و آن نقطه بر اثر لغزش با جرقه‌ای منفجر گردید (بیگ‌بنگ) و حرکت آغاز شد و انبساط عالم با تورم تدریجی شروع و تا کنون هم ادامه دارد! تا به‌حال حدود چهارده میلیارد سال از بیگ‌بنگ یعنی مبداء و شروع اولیه می‌گذرد و فعلاً پایانی برای این انبساط محاسبه نشده است! با توجه به شکل ۷ کائنات با دو ویژگی اصلی مکان و زمان در فضای در حال ارتجاع گروی، شعاعی حدود ۱۰ میلیارد سال نوری را پیدا کرده است! این‌جانب به‌جای مکان، حرکت را مد نظر داشته، یعنی حرکت و زمان دوشادوش هم، مکان را برای جولان خود می‌سازند! بدون شک همه‌ی آن‌ها محصول لغزش هستند. من حرکت را اولاتر از مکان قرار می‌دهم، هم‌چون دمیدن هوا (نماد حرکت) در بادکنکی (نماد مکان) که موجب تورم بادکنک بوده و با این تشبیه، فضا یا مکان ایجاد می‌گردد! چون که حرکت، در مکان معنی پیدا می‌کند. با توجه به اصل زوجیت و زایش هر موجودی با همزاد آن برای تبلور ساختار و مکونات هستی، اگر

نقاط منحنی یک‌نواخت واقع در ناحیه‌ی اول در دستگاه مختصات گراف را نماد موجودات هستی فرض کنیم، جفت‌ها و همزادها به‌صورت نقاطی مخفی روی منحنی نقطه‌چین کنار هم قرار گرفته و برای این‌که از دستور مرموز اختفا شدن سرپیچی نکرده باشند، در ناحیه‌ی سوم دستگاه مختصات مأوا گرفته که همان جفت و همزاد مکان یعنی پاد مکان بوده و بدیهی است که پاد زمان نیز در آن‌جا نقش زمان منفی را به‌عهده خواهد داشت! به‌عبارت دیگر پادموجودات در ناحیه‌ی سوم حضور دارند که از جولانگاه موجودات ناحیه‌ی اول مستثناء شده و در واقع مخفی شده‌اند!

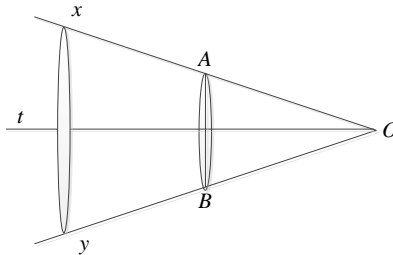
با ملاحظه‌ی دقیق شکل ۷ نقطه‌ی (۱۴ ، + ۱۰) U نماد آخرین وضعیت کائنات است که مختص اول یعنی +۱۰ برحسب میلیارد سال نوری مربوط به زمان گذشته از بیگ‌بنگ تا به‌حال بوده و +۱۴ نیز برحسب میلیارد سال نوری مربوط به شعاع انبساط فضا و مکان کائنات و هستی در حال حاضر می‌باشد. اختلاف عددی این دو مختص کاملاً مبرهن است. چون‌که سرعت زمان در نهایت با سرعت نور یکی بوده و این در ارتباط با بُعد طولی زمان است که با نسبیت هیچ درگیری پیدا نمی‌نماید. توضیحات بعدی موضوع را ساده‌تر خواهد کرد. آشکارا بالاترین سرعت از آن نور و در نتیجه نصیب زمان گردیده است. اما بنا به سرعت انبساط فضای هستی (مکان) که همواره کمتر از سرعت نور بوده است، میزان بیشتری را شامل می‌شود. روشن‌تر بگوییم: شعاع یا فاصله‌ی ۱۴ میلیارد سال نوری را که موجودات هستی در حرکت اجباری پیموده‌اند، زمان با سرعت نور در ۱۰ میلیارد سال نوری طی کرده است! چون از سرعت بیشتری برخوردار بوده است. بُعد U_1

روی محور مکان با واحد یک‌ه‌ی مناسب سرعت موجودات (غیر از نور) جایگاه عدد ۱۴ میلیارد سال نوری و U_2 روی محور زمان با واحد یک‌ه‌ی مناسب سرعت نور جایگاه عدد ۱۰ میلیارد سال نوری بوده و پاد مکان و پاد زمان در ناحیه‌ی سوم از همان بُدهای U_1 و U_2 اما با علامت - برخوردار هستند. اگر به واژه‌های لامکانی و لازمانی در بعضی کتاب‌ها توجه شود، موجودات با مختصات منفی که همان جفت‌های مخفی موجودات کائنات باشند، قابلیت شناخت پیدا می‌کنند!

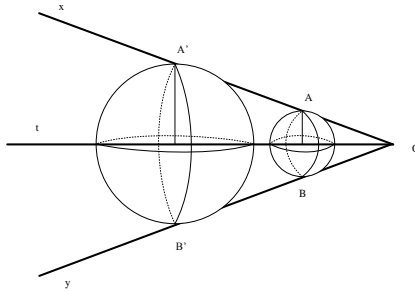


شکل ۷

حال به موقع بیگ‌بنگ برمی‌گردیم. با لغزش، حرکت آغاز و بی‌درنگ زمان نیز بُعد طولی خود را در نوردید! با توجه دقیق به شکل ۲ و شکل ۳ ساختار کیهان با تپش لاینقطع آهنگ تورم را به نمایش گذاشت و در توالی حادثه‌ها مرتب به عرض زمان نیز اضافه شد و مخروط جهان دهانه‌اش به سرعت گشاد و گشادتر گردید.



شکل ۲



شکل ۳

از آن‌جا که در پدید آمدن هر موجودی جفت و همزاد آن نیز هستی می‌یابد. لذا به همان میزان که ماده به ظهور می‌رسد و به جنبش و حرکت در می‌آید، پاد ماده نیز هستی یافته و به حکم جبر، آنان نیز ضمن حضور به جنبش و

حرکت می‌پردازند! به عبارت دیگر سکونی در کار نیست، آنچه هست جنبش و حرکت است که عامل آن لغزش می‌باشد. بنابراین در فضای کائنات به همان اندازه که ماده در جولان است، پاد ماده نیز وجود داشته و در جولان می‌باشد! یعنی یک تناظر یک به یک کامل برقرار بوده و ماده و پاد ماده به‌طور مساوی در هستی حضور فعال دارند. اکنون باید به نتیجه‌ای منطقی برسیم و آن این‌که در فضای کائنات که مکانی برای جولان و جنبش و حرکت ماده و پاد ماده است، هیچ خلاء و جای خالی یافت نمی‌شود. چون پیدایش مکان برای جای گرفتن ماده و پاد ماده و موجودات غیرمادی (لطائف) مطرح است و لاغیر. لذا اگر ما انسان‌ها با توجه به ابعاد نجومی بسیار بزرگ اجرام آسمانی و فواصل باز هم نجومی وحشتناک آن‌ها از یک‌دیگر، فکر می‌کنیم که در این فواصل خلاء یا جا خالی وجود دارد، مبنای واقعی نداشته، بلکه این فواصل به شیوه‌ی مخفی و مرموزی جایگاه پاد ماده و اشیاء غیرمادی بوده که از دید انسان خارج است! به عبارت دیگر آنچه را که ما نمی‌بینیم و با عنوان ماده‌ی تاریک از آن‌ها یاد می‌کنیم، همان پاد ماده‌ها هستند که با ما قایم موشک بازی می‌کنند! مخفی شدن پاد ماده‌ها فقط از دید انسان مطرح نیست، بلکه فلسفه‌اش مخفی ماندن و دور شدن پاد ماده از ماده است تا با هم برخورد نکنند و زمینه‌ی ایجاد عدم فراهم نشود! فیزیک‌دان‌ها متفق‌القول هستند که اگر یک ذره‌ی مادی با همزاد خودش به هم برسند، نابود شده و گویا از این وصلت ذره و پاد ذره فقط مقداری انرژی کوانتائی حاصل می‌گردد که از دید علمی انسان مخفی است! پس با کمال یقین باید گفت سراسر کائنات پُر است از ماده و پاد ماده و موجودات

دیگری یعنی لطائف که از جنس ماده نیستند! در هستی دو نوع موجود را می‌توان نام بُرد. نوع لطایف غیر ماده که فساد ناپذیر و جاودانه هستند و نوع ماده که فساد پذیر است و دائماً در حال تغییر و دگرگونی، یعنی جاودانه نبوده و فناپذیر می‌باشد. علم انسان در حول و حوش ماده که جنبه‌ی عینی و آشکار دارد، می‌چرخد و کمتر به کنکاش در پیرامون غیر ماده که لطائف باشند، مانور می‌دهد. دلیل کاملاً واضح است، چون لطائف عینی نبوده و فقط از روی عملکرد آن‌ها می‌توان به وجودشان پی بُرد. تفکر و اندیشه، روح و روان یا جان که موجب حیات است، عشق، محبت و مهر، زمان و ... از جنس لطائف بوده و تا کنون هیچ انسانی نتوانسته به ماهیت ذاتی و جنس و ساختار آن‌ها پی ببرد. بلکه انسان فقط آثاری از وجود و حضور دائمی آن‌ها را در کائنات و هستی درک می‌کند. فکر و اندیشه‌ی انسان گرچه به‌ظاهر عملکرد مغز انسان است، اما از جنس لطائف بوده و نقشی بسیار مهم در ارتباط با ماده را به‌عهده دارد.

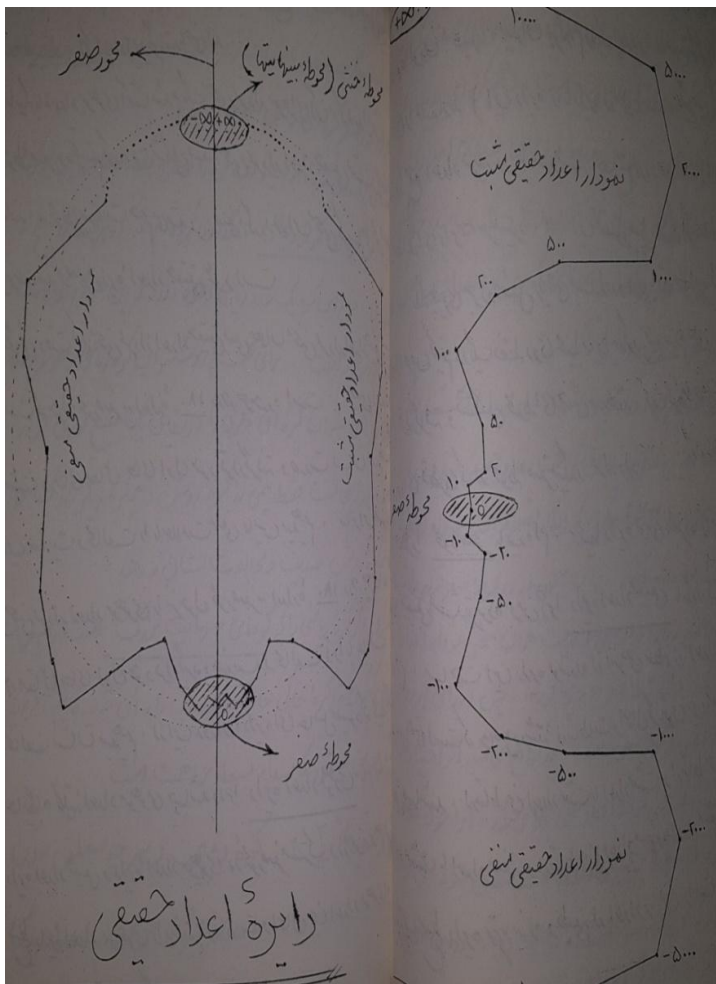
تصوّر من بر آن است که هر آنچه به مخیّله‌ی انسان در حیطه‌ی فکر و اندیشه خطور می‌نماید، به‌نحوی در کائنات وجود دارد! یعنی ممکن نیست که عدم و نیستی از سرزمین خیال و تفکر انسان بگذرد! چه آن خیال حتی توهم و به‌ظاهر غیرقابل شرح و بی‌قاعده باشد و چه عینی و قابل شرح و با قاعده بوده و بتوان در باره‌ی آن زیاد گفت. به‌عبارت دیگر اگر چیزی وجود نداشته باشد، کُد ارتباطی ندارد تا با دستگاه و ماشین فکری انسان رابطه برقرار نماید و امواجی رد و بدل شود. لذا اگر بارقه‌ای از هر نوع و محتوا به فکر انسان می‌رسد، نشان از برقراری ارتباط با یک موجود در هستی است که به‌نحوی

امواج خود را به ما رسانده است! محتوای جهان ما تنها آن چیزهایی نیستند که ما با چشم می‌بینیم و یا با پژوهش و تحقیقات علمی به وجود آن‌ها پی می‌بریم. جهان پیرامون ما بسیار بسیار پیچیده و مرموز و ناشناخته است.

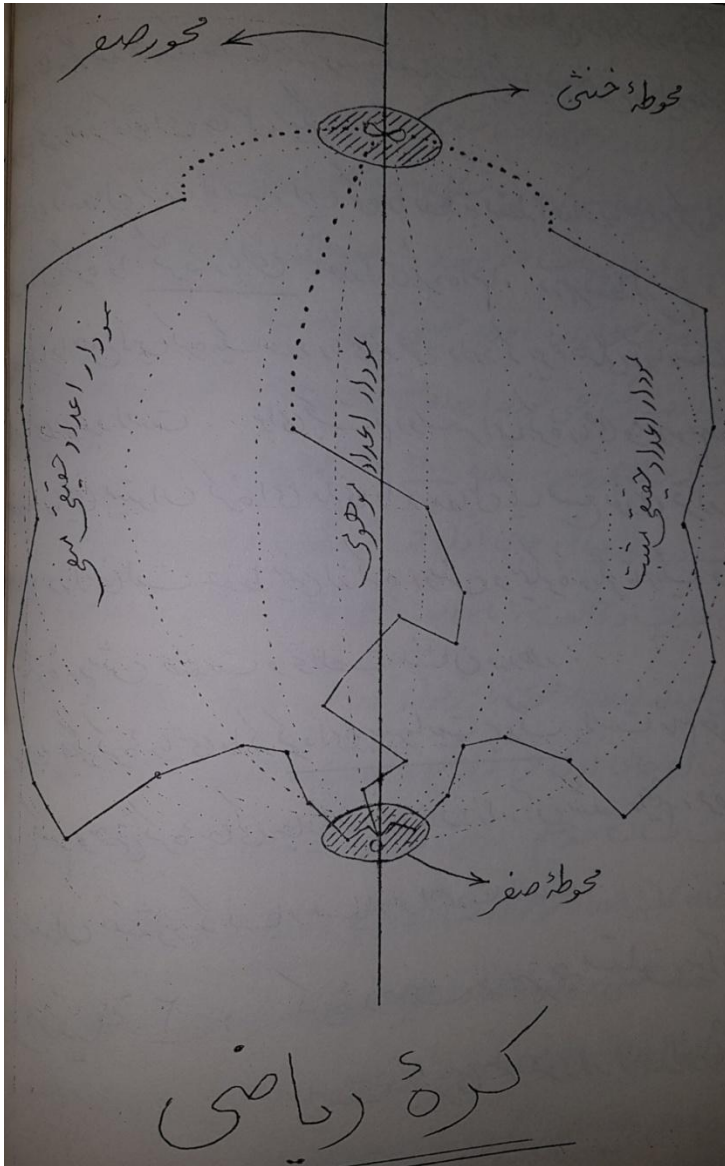
ما انسان‌ها علم خیلی خیلی ناچیزی داریم و با ابزار احساسی بسیار ناقص و نارس خود فقط و فقط اپسیلونی از امواج ارتباطی بعضی موجودات اندک در کائنات را می‌توانیم بگیریم و تحریک شویم و ادعای آگاهی و شناخت سر دهیم و ...! اما جهان، محتوایی بس عظیم داشته و از کثرت موجودات درون خود در حیرت است! لذا برای هر فردی از انسان‌ها این امکان وجود دارد که در طول عمرش با بسیاری از موجودات مختلف هستی ارتباط برقرار نماید و امواجی دریافت کند که سوای دریافت سایر انسان‌ها باشد. آری بارقه‌های فکری تازه و نو و منحصر به فرد هر آن از بیخ گوش ما رد می‌شوند. بایستی شرایط و شایستگی آن را داشته باشیم تا بتوانیم برخی از آن بارقه‌ها را بگیریم! به زبان ساده‌تر در هر آن و لحظه بی‌نهایت موج گوناگون از قسمت‌های مختلف کائنات از کنار ما می‌گذرند که همه دارای کُد و شماره‌ی خاص خود هستند. حال اگر انسان بتواند ذهن و مغز خود را طوری تنظیم نماید که با بعضی از آن امواج هم فرکانس شود، می‌تواند با موجوداتی ویژه در عالم هستی ارتباط برقرار نماید. راه‌های تنظیم ذهن و مغز فراوان و فقط بعضی از راه‌ها شناخته شده هستند! فعلاً در این‌جا به بیان همه‌ی آن راه‌های شناخته شده نمی‌پردازم، چون منظور دیگری را دنبال می‌کنم. فقط یک روش را شرح می‌دهم: اگر انسان شرایط و موقعیتی را فراهم نماید که ابزار حسی او از کار و فعالیت بیافتند، یعنی از دریافت داده‌های محیط پیرامون خود محروم گردد، آماده برای دریافت امواج مخفی و مرموز کائنات است! به عبارت دیگر اگر ما بتوانیم از سیر آفاق دست بکشیم و به سیر انفس بپردازیم، بستر گرفتن امواج کیهانی ویژه را

فراهم نموده‌ایم. این روش بسیار معمول بوده و از دیر باز مورد توجه انسان‌های اندیشمند و فیلسوف قرار گرفته است. برای این که چشم نبیند، بایستی بسته باشد و عامل اصلی دیدن یعنی نور در حداقل. لذا بهترین وقت برای این حالت نیمه شب‌هاست. در آن موقع سر و صداها و آلودگی‌های صوتی نیز در حداقل بوده، بنابراین گوش نیز تا حدودی منفعل شده و چون موقع خوابیدن انسان است و دست از خوردن و فعالیت روزمره کشیده شده، لذا حس بویائی و چشائی و لمسی نیز تا حدود زیادی منفعل می‌شوند. بنابراین بیدار ماندن و تمرکز در نیمه شب‌ها موقع اجرای آن روش است. البته برای بیدار ماندن من درونی بایستی آپکس‌های بدن را با آب شست و بعد حالت ریلاکس به خود گرفت و تمرکز نمود. این‌جانب در سن ۲۵ سالگی با این روش، توانستم امواجی را دریافت نمایم و بعداً یکی از بارقه‌های فکری خود را روی کاغذ نگاهشتم و به بیان یک پیش‌بینی پرداختم که مجموعه‌های اعداد ریاضی قابل مطالعه، همه‌ی اعداد ریاضی موجود در کائنات نیستند، بلکه اعداد مرموز و ناشناخته فراوانند که از دید علم انسان‌ها خارج‌اند! لذا برای پیش‌بینی مجموعه‌های اعداد ناشناخته به رسم کردن گره‌ی ریاضی فواد پرداختم (شکل ۹) که در آن جای خالی فراوان برای اعداد ناشناخته وجود دارد. به‌نظر می‌رسد که آن مجموعه‌های اعداد ناشناخته در جهان‌های دیگر وجود دارند و ما انسان‌ها از آن‌ها بی‌خبریم! آن موقع من تمام موجودات کائنات و هستی را نمودار اعداد تصوّر می‌کردم. یعنی هر عدد را کُد یک موجود در کائنات تلقی می‌نمودم. ابتدا برای مجموعه‌ی اعداد طبیعی یک نمودار ویژه رسم کردم و بعد با در نظر گرفتن قرینه‌ی آن‌ها به شکل نمودار اعداد صحیح و همین‌طور به رسم نمودار زاویه‌دار مجموعه‌ی اعداد حقیقی پرداخته و با رسم همزاد یا جفت آن به دایره‌ی اعداد حقیقی رسیدم. شکل ۸ را با دقت بنگرید. در شرح موضوع مطرح شده، نوشته‌ام که در هر ارتباط بین دو یا چند عدد از اعداد حقیقی، موهومی، مختلط و ... تحت هر عملی مثل

چهار عمل اصلی و یا ... عددی ریاضی حاصل می‌شود که ممکن است، بسیاری از آن‌ها برای ما انسان‌ها شناخته نشده باشند! اما جای آن اعداد در درون گرهی ریاضی فواد قابل پیش‌بینی است و ...



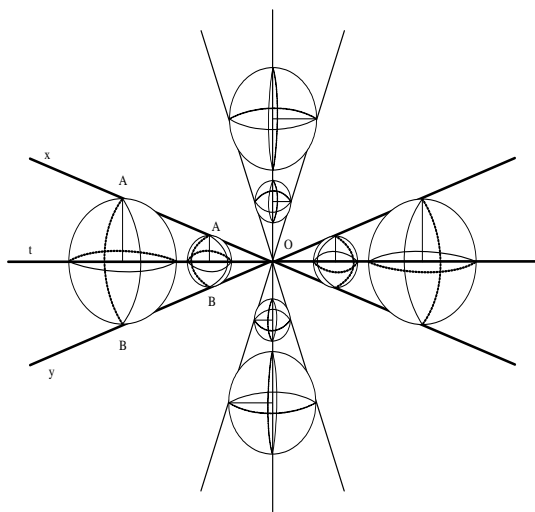
شکل ۸



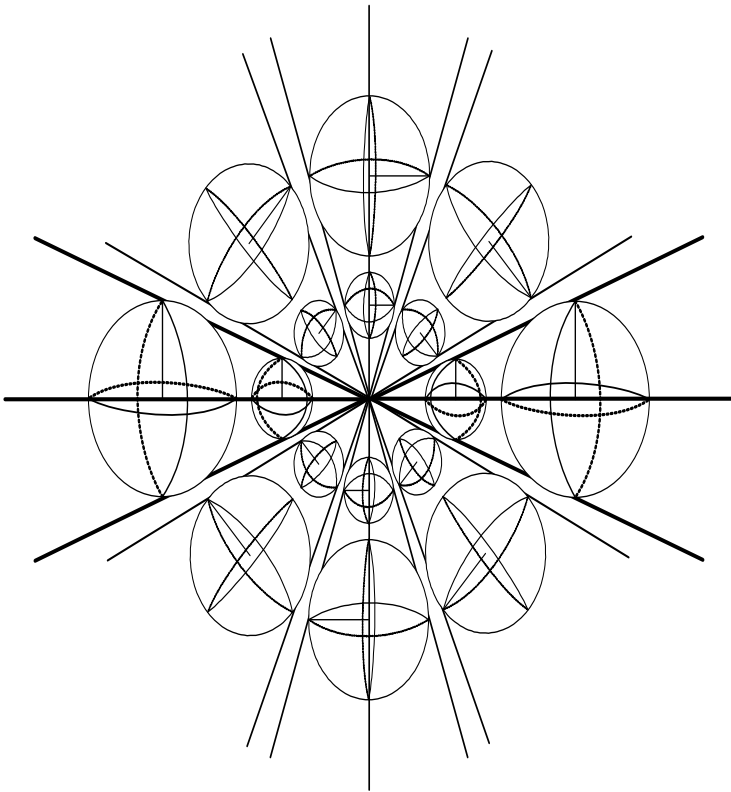
شکل ۹ (کره ریاضی فواد)

اگر برای هر موجود در هستی، از ذرات اولیه گرفته تا کهکشان‌ها و کوازارها یک کُد عددی در نظر بگیریم، یک تناظر یک به یک بین موجودات عالم و اعداد ریاضی موجود در گرهی ریاضی فواد برقرار می‌باشد. در چهل سال پیش با جرأت و بدون واهمه اعلام کردم که تا مادامی که تمام موجودات هستی شناخته نشوند، علم بشر نخواهد توانست تمام اعداد ریاضی را کشف نماید! یکی از استادان ریاضی خوش فکر به من آن نوید را داد که گرهی ریاضی شما هم‌چون جدول مندلیف جاهای خالی برای اعداد کشف نشده دارد!

مجدداً به لحظه‌ی بیگ‌بنگ برگردیم. در لحظه‌ی انفجار بزرگ، نه تنها یک جهان مخروطی، بلکه جهان‌های مخروطی فراوانی در سایر جهات بنای ساختمان نهادند. یعنی جهان‌های کاملاً متفاوتی با ساخت و سازهای گوناگون و با مصالح مختلف پدیدار شدند! شکل ۱۰ و شکل ۱۱ ابزار خوبی برای روشنی مطلب هستند.

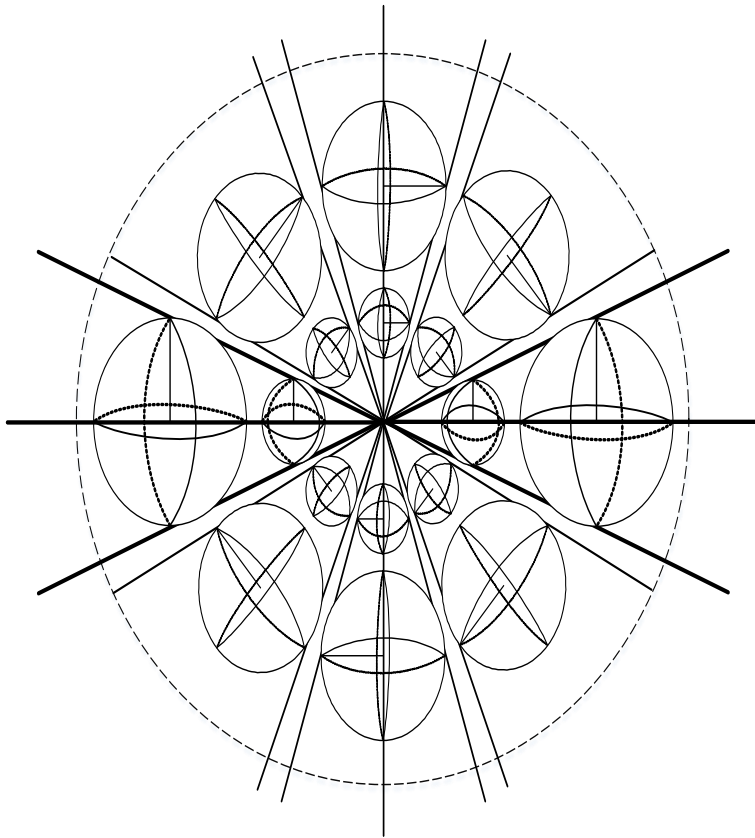


شکل ۱۰



شکل ۱۱

اگر نقطه‌ی O را که نقطه شروع و استارت بیگ‌بنگ است، مرکز یک کُره در نظر بگیرید، تمام حجم کُره را بی‌نهایت مخروط‌های هم‌رأس پُر کرده‌اند. کُره‌ای مملو از مخروط‌ها که همه در تپش بوده و حال باید تصوّر نمود که این همه جنبش درون شکم کُره‌ی کائنات چه رقصی را برایش به‌وجود می‌آورند! (شکل ۱۲)



شکل ۱۲ (نمایی از کائنات)

بدین‌وسیله یک تصویری از فضای کائنات در ذهن انسان به‌وجود می‌آید که بایستی به شکل گُره باشد. بدیهی است که هیچ‌وقت انسان متفکر برای فضای کائنات شکل دیگری غیر از گُره مثلاً چند وجهی منتظم با وجوه بسیار را تصوّر نمی‌کند! هر یک از مخروط‌ها از جهانی سخن می‌گویند که مصالح و قوانین مربوط به خودش را داراست. مثلاً در این جهانی که ما انسان‌ها در آن

هستیم، عنصر کربن عامل بنیادین برای حیات در گرهی زمین است، ممکن است در مخروطی یا جهانی دیگر اساس حیات در یک سیاره، عنصر دیگری مثلاً کلسیم یا فلئور یا ... باشد! در این خصوص حالت‌های متعددی قابل تصور بوده و سئوالات فراوانی به ذهن خطور می‌نمایند. از جمله:

آیا مخروط‌های همسایه اشتراک دارند (حداقل در خط مرزی!) یا نه، بلکه کاملاً جدا از هم هستند؟

اگر مخروط‌ها (جهان‌ها) اشتراک دارند، مربوط به بعضی عناصر بوده یا در اعضای مشترک می‌باشند که خارج از دید و شناخت علم و عقل انسان هستند؟

قوانین فیزیک و فرمول‌های ریاضی شناخته شده برای ما انسان‌ها در آن جهان‌ها نیز برقرار است یا این که قوانین و فرمول‌های خاص خود را دارند؟

در آن جهان‌ها موجودیت ماده و پاد ماده به چه صورتی است، آیا ممکن است در حداقل یکی از آن جهان‌ها بر عکس جهانی که ما هستیم، ماده مخفی و فضا جولانگاه پاد ماده باشد؟

آیا ساختار کیهانی در آن جهان‌ها به‌همین روال مجموعه‌های منظومه‌ای جهان ماست؟ یعنی اتم شامل هسته باشد و الکترون‌هایی به دورش در چرخش باشند و کهکشان‌های شامل چندین منظومه‌ی ستاره‌دار با سیاراتی در اطراف ستاره و خوشه کهکشان‌ها و ابر خوشه کهکشان‌ها و ...؟! یا این که

ساختار جور دیگری است؟ مثل شرح احوال دنیای پس از مرگ ما انسان‌ها در کتاب‌های دینی که سخن‌ها از چگونگی مرادوات و ... است!

آیا آهنگ انبساط در آن جهان‌ها عین همین کیهان ماست یا متفاوت می‌باشد؟ تصوّر آن چگونه است؟

حجم و چگالی و فواصل و چرخش و جنبش و تأثیرات متقابل اجرام روی هم در آن جهان‌ها به چه صورتی است؟ آیا شباهتی با شناخت ما انسان‌ها از این جهان عینی خودمان دارد؟

آیا زایش و مراحل سوختن ستارگان و بالاخره افتادن در سیاهچال در آن جهان‌ها نیز برقرار است؟

آیا باز در آن جهان‌ها نور با واحد فوتون رکورددار سرعت است؟ یا این‌که لااقل در بعضی از آن‌ها اصلاً نور وجود ندارد و قضیه جور دیگری است؟!

آیا ممکن است حداقل یکی از آن جهان‌ها بسیار شبیه این جهان ما باشد؟ اگر این‌طور است، آیا امکان دارد که در آن‌جا گره‌ای هم‌چون گره‌ی زمین ما دارای حیات بوده و جار و جنجالی شبیه این‌جا برقرار و میان آدمیان جنگ و جدل و ...؟!

هدف از پیدایش این همه جهان‌های هم‌کاروان در مسیر درون‌گردی فضای کائنات برای چیست؟

آیا همه‌ی جهان‌ها بالاخره با هم در یک زمان، در هم فرو می‌ریزند و انقباضی در کار خواهد بود و به چگالی بینهایت رسیده و باز به همان نقطه‌ی بسیار فشرده بر می‌گردند؟ در آن صورت آیا مجدداً بینگ‌بنگی دیگر روی می‌دهد؟

آیا قبلاً این رویداد به کرات اتفاق نیافتاده است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، کائنات فعلی شمارهایش چند است، یعنی حاصل چندمین بیگ‌بنگ است؟

آیا در تکرار بیگ‌بنگ‌ها فقط یک سناریو از اوّل تا آخر تکرار می‌شود؟ یعنی فواید در دوره‌های قبلی همین سرنوشت را داشته؟ و با نوشتن این بارقه‌های فکری عده‌ای را به تفکر وادار نموده است؟

این انبساط گره‌ی کائنات تا کی و تا کجا ادامه می‌یابد؟ آیا در یک زمانی متوقف می‌شود و انقباض صورت می‌گیرد و فیلم کیهانی از آخر به اوّل به اکران گذاشته می‌شود؟ یا نه، این انبساط پایانی ندارد و...؟

در انقباض جهان مسیر چگونه است؟ آیا شبیه فیلمی که از آخر به سوی ابتداء نمایش داده شود، خواهد بود یا جور دیگری است؟

آیا کرمچاله‌ها و سیاهچاله‌ها همان راه‌های مرزی برای تردد بین جهان‌های همسایه است؟

آیا سفیدچاله‌ها همان پاد سیاهچاله‌ها هستند؟

آیا ما انسان‌ها پس از مرگ در جهانی دیگر بر اساس امتیازاتی که در زمان حیات در این جهان کسب کرده‌ایم، ویزای مقیم بودن و فعالیت در آن جهان را خواهیم یافت؟

آیا ممکن است حداقل یک جهان کاملاً پُر از لطائف باشد و پای ماده از آن جهان قطع شده باشد؟

آیا...؟ آیا...؟ آیا...؟ ...

ماجرای پیدایش ذرات بنیادین ماده که هنوز هم علم در پی اولاترین و ریزترین آن‌ها می‌باشد و تشکیل اتم به‌عنوان یک واحد ترکیبی از ذرات بنیادین و ادغام اتم‌ها در قالب مولکول و ابدان و اشیاء حاصل از تجمع مولکولی بر اثر یک سری قوانین خاص و سیر تکثر و تنوع و تکامل و بالاخره حضور یافتن جان در برخی موجودات ترکیبی پیچیده‌تر و سرانجام ظهور شعور انسانی که شاید پیچیده‌ترین موجود ترکیبی در حال حاضر باشد، خود مقوله‌ای بسیار بسیار مرموز و هنوز هم، علم بشر، حرف زیادی راجع به آن ندارد. با توجه به یافته‌های علوم فیزیک و شیمی با دخالت ریاضیات اگر در پی، ریزترین ریزها به دنیای بینهایت کوچک‌ها سری بزنیم، می‌دانیم که اتم شامل هسته‌ای متشکل از ذرات پروتون و نوترون و الکترون‌هایی در اطراف هسته است. اما بنا به نظرهای پروتون و نوترون نیز تو پُر نبوده و خود از ذرات ریزتری با اسامی باریون، کوارک و ... ساخته شده‌اند. در اینگونه سرگردانی اندیشه‌ی بشر و ناتوانی علم بهتر است، برای بستن پرونده و خاتمه

دادن به این سیر قهقرائی فرض کنیم که به جزء لایتجزائی رسیده‌ایم که من اسم آن را "مرزک" گذاشته‌ام.

من با شرح بارقه‌های فکری خود توپ‌های بسیار نادر و ظریف و حساسی را به میدان افکار دانشمندان انداخته‌ام. امیدوارم زمینه‌ای را برای کنکاش بیشتر و توسعه‌ی علم فراهم کرده باشم.

باز هم برگردیم به لحظه‌ی بیگ‌بنگ و آغاز حرکت و تولد مکان و زمان و ذرات بنیادین که هر چه ظهور یافت به صورت جفت بود! باز تأکید می‌نمایم که "هر" در این جمله‌ی اخیر سور عمومی در منطق ریاضی است و شامل همه است. بدون استثناء! یعنی جرقه‌ی منبعث از استارت اولیه‌ی بیگ‌بنگ که اولین فوتون نور بود، با همزادش هستی یافت. حال اعلام می‌کنم که همزاد فوتون یعنی پاد فوتون، بنا به قرارداد مرموز و ناشناخته به‌خاطر حضور غلی فوتون، مخفی شد!

در کائنات و هستی "مکان نامرئی" و "زمان نامرئی" وجود دارند! دیدیم که جایگاه پاد مکان و پاد زمان یعنی مکان و زمان مخفی شده در ناحیه‌ی سوم گراف (شکل ۷) قرار دارد!

اگر "زمان" را که به‌عنوان بُعد چهارم در تبیین هستی مطرح شده و ابزار اولیه‌ی اینشتین در بیان تئوری نسبیت است، با نماد t + نشان دهیم، آن‌گاه "پاد زمان" که مخفی است با نماد t - نشان داده می‌شود. یعنی "زمان منفی" در معادله‌ی اینشتین توسط این‌جانب به‌دین‌گونه معنا می‌یابد.

برای شرح بیشتر در این رابطه منتظر رسیدن بارقه‌های فکری نو هستیم.

همه‌ی تحصیل کرده‌ها می‌دانند که فوتون‌های نور با چشم ما قابل رؤیت بوده و اصولاً موضوع دیدن در انسان به بازتاب نور تابیده شده یا انعکاس یافته از اشیاء بستگی دارد، اما بدون انکار، همه نمی‌دانند که "پاد فوتون‌ها" چه هستند! اکنون موقع آن رسیده است که اعلام نمایم:

(۱) "زمان منفی" ناشی از مخفی شدن "پاد فوتون‌ها" می‌باشد.

(۲) "انرژی تاریک" مطرح شده در نجوم فعلی همان "پاد فوتون‌ها"

هستند که در ناحیه‌ی سوم مخفی شده‌اند!

(۳) "ماده‌ی تاریک" مطرح شده در نجوم فعلی همان "پاد ماده" یا

"پاد ذرات‌ها" هستند که در ناحیه‌ی سوم مخفی شده‌اند!

یعنی انرژی تاریک و ماده‌ی تاریک در کائنات وجود دارند. ولی نامرئی و مخفی‌اند. لذا به جرأت می‌گوییم که در فضای کائنات خلاء محض وجود ندارد و آن قسمت‌هایی که از دید علم بشر خالی تصور می‌شوند، با "پاد ماده‌ها" و "پاد ذرات‌ها" پُر شده‌اند. ولیکن از دید ما انسان‌ها مخفی و نامرئی هستند!

برای این‌که از برداشت‌های غیر واقع‌اندیشمندان جلوگیری شود، فعلاً به نتایجی که نظریات جدید این‌جانب یعنی مقوله‌های مهم "زمان منفی" و "انرژی تاریک" و "ماده‌ی تاریک" و "جهان‌های موازی" چه کاربردهائی دارند، خودداری می‌کنم. چون که بارقه‌های فکری مرتب به مغز این‌جانب خطور کرده و دارم آن‌ها را مکتوب می‌نمایم.

Parallel worlds

۱ January ۲۰۲۰

Abstract:

In the development of the universe, when the Big Bang happened at a point in time, not only mere chemical elements were born! But also, there were other creatures that were hidden from human view. Absolutely they are also present in the cosmos and play their role.

Generally, there are two types of beings. Matter and non-matter, matter has a permanent change and never remains in a constant state, thus it is called mortal and degenerate. However, non-matter beings are permanent as well as incorruptible and are called virtue. The spirit that is the lifeblood of the souls is of eternal nature and without death.

Love and affection are also virtue, and no one is aware of their existential nature and it is not obvious what they are made of. While matter creatures are made of chemical elements. The nature of time is also virtue, and man has no knowledge of the structure of it. The origin of the creation both matter and non-matter beings, were based on the parity, it means each being has a dual. In other words, every element of matter has dual called anti-matter. The same is true for the subtle creatures. For example, time also has a dual called anti-time, which I have called it negative time.

The place also has a dual, which I have named it dark matter, Photon light, also one of the creatures of matter, has a dual called the anti-photon, which forms the dark energy.

Simultaneously, at the first Big Bang spark and explosion photons and their duals were born which followed by the terrible heat drop from the explosion of other elements, elemental particles of

matter also, were born, next by their composition the expansion of the universe also occurred.

And not only a matter-of-fact trumpet world, but numerous of other matter-filled and non-matter worlds along with their duals around the Big Bang point have begun to evolve.

The Universe encompasses all of these worlds and induces itself into the human mind in a spherical space. I have called the Big Bang, a moment of being born of nothingness, the moment when existence arose out of inexistence.

Keywords: Negative time, Dark energy, Dark matter, Parallel worlds

Model:

In writing the earlier thoughts, I wrote that during the Big Bang only mere chemical elements were not appeared. Rather, creatures hidden from human understanding and perception were also born that are present in the universe and playing their part.

With Big Bang slip, the movement began as well due to slip, but the location was necessary for the movement, which was born by Source Force as the movement began. That is, the place also appeared and expansion began to provide the necessary space for the movement of the creatures. Time also emerged as a result of movement and began counting the moments.

Also, by the Fundamental law and principle of creation for the emergence of the universe and being, every creature, whether humanly understood or not, was born with a pair. Who sacrificed for a mysterious reason and hid so that the arena would be empty for the creatures invasion. This pair of coincidences may sometimes appear to resemble as a shadow or mirror image. But the vast majority of all pairs of creatures in the universe are hidden and still hidden from human sight.

Like many cosmologists, I believe that the whole universe was compressed at a point of infinite density and that point was blown away by a spark (Big Bang). And the movement began, and the

expansion of the universe began with gradual inflation, and it still continues to this day.

About ۱۴ billion years have passed since Big Bang, the beginning and the source, and there is no end to this expansion yet.

According to Figure ۱, the universe with its two main properties of space and time in a spherically resonating space has a radius of about ۱۰ billion light years. Instead of location, I consider motion, which means that both motion and time make space for Golan their movement or Flounce. All of them are definitely a product of slip. I place movement above place, like blowing air (symbol of movement) in a balloon (symbol of place) that causes the balloon to swell and with this simulation, space or place will create. Because movement finds meaning in a place. Given the principle of parity and the birth of any being with its counterpart to crystallize the structure and the content of being, if we assume the points of a uniform curve in the first zone in the graph coordinate system to be the symbol of being, The pairs and counterparts are placed next to each other as hidden dots on the curve, hidden in a third zone of coordinate system in order to avoid breaking the mysterious order. That is the same pair and counterparts of place is the anti-place, and obviously the anti-time will also play the role of negative time. In other words, the anti-creatures are placed in the third zone, which are excluded from the place of the first creatures and are in fact hidden.

Carefully observing the Figure, point U (+ ۱۰, + ۱۴) represents the ultimate state of the universe, the first coordinate +۱۰ billion light-years from the Big Bang to the present and + ۱۴ billion light-years from the expansion radius of space and the place of the universe in present.

The numerical difference between these two coordinates is quite clear. Because the speed of time is ultimately the same as the speed of light and it is in relation to the longitudinal dimension of time that has no conflict with relativity.

Subsequent explanations will make the issue easier. Obviously the highest speed belongs to the light and therefore possessed by time. Thus because of the rate of expansion of the space, which has always been less than the speed of light, it involves more.

To be clear: the radius or distance of the 10^{15} billion light-years that existent beings have traveled by force has been 10^{10} billion light-years for the light reached. Because it was faster, U^1 dimension on the axis of space with unit vector proportional to the speed of creatures (other than light) is 10^{15} billion light-years away and U^2 on the axis of time with unit vector proportional to the speed of light is about 10^{10} billion light years and anti-place and the anti-time have the same dimensions as U^1 and U^2 in the third zone but with the - sign.

If one looks at the words of no place and no time in some books, the negative coordinate beings that are the secret and hidden pairs of beings in the Universe could be identified.

In writing the earlier thoughts, I wrote that during the Big Bang only mere chemical elements were not appeared! Rather, creatures hidden from human understanding and perception were also born that are present in the universe and playing their part!

With Big Bang slip, the movement began as well due to slip, but the location was necessary for the movement, which was born by Source Force as the movement began. That is, the place also appeared and expansion began to provide the necessary space for the movement of the creatures. Time also emerged as a result of movement and began counting the moments!

Also, by the Fundamental law and principle of creation for the emergence of the universe and being, every creature, whether humanly understood or not, was born with a pair. Who sacrificed for a mysterious reason and hid so that the arena would be empty for the creatures invasion! This pair of coincidences may sometimes appear to resemble as a shadow or mirror image. But the vast majority of all pairs of creatures in the universe are hidden and still hidden from human sight!

Like many cosmologists, I believe that the whole universe was compressed at a point of infinite density and that point was blown away by a spark (Big Bang). And the movement began, and the expansion of the universe began with gradual inflation, and it still continues to this day!

About 10^{15} billion years have passed since Big Bang, the beginning and the source, and there is no end to this expansion yet!

According to Figure^۷, the universe with its two main properties of space and time in a spherically resonating space has a radius of about ۱۰ billion light years! Instead of location, I consider motion, which means that both motion and time make space for Golan their movement or Flounce! All of them are definitely a product of slip. I place movement above place, like blowing air (symbol of movement) in a balloon (symbol of place) that causes the balloon to swell and with this simulation, space or place will create! Because movement finds meaning in a place. Given the principle of parity and the birth of any being with its counterpart to crystallize the structure and the content of being, if we assume the points of a uniform curve in the first zone in the graph coordinate system to be the symbol of being, The pairs and counterparts are placed next to each other as hidden dots on the curve, hidden in a third zone of coordinate system in order to avoid breaking the mysterious order. That is the same pair and counterparts of place is the anti-place, and obviously the anti-time will also play the role of negative time! In other words, the anti-creatures are placed in the third zone, which are excluded from the place of the first creatures and are in fact hidden!

Carefully observing the Figure^۷, point U (+ ۱۰, + ۱۴) represents the ultimate state of the universe, the first coordinate +۱۰ billion light-years from the Big Bang to the present and + ۱۴ billion light-years from the expansion radius of space and the place of the universe in present.

The numerical difference between these two coordinates is quite clear. Because the speed of time is ultimately the same as the speed of light and it is in relation to the longitudinal dimension of time that has no conflict with relativity.

Subsequent explanations will make the issue easier. Obviously the highest speed belongs to the light and therefore possessed by time. Thus because of the rate of expansion of the space, which has always been less than the speed of light, it involves more.

To be clear: the radius or distance of the ۱۴ billion light-years that existent beings have traveled by force has been ۱۰ billion light-years for the light reached!

Because it was faster, U^1 dimension on the axis of space with unit vector proportional to the speed of creatures (other than light) is 10^4 billion light-years away and U^2 on the axis of time with unit vector proportional to the speed of light is about 10^4 billion light years and anti-place and the anti-time have the same dimensions as U^1 and U^2 in the third zone but with the - sign.

If one looks at the words of no place and no time in some books, the negative coordinate beings that are the secret and hidden pairs of beings in the Universe could be identified!

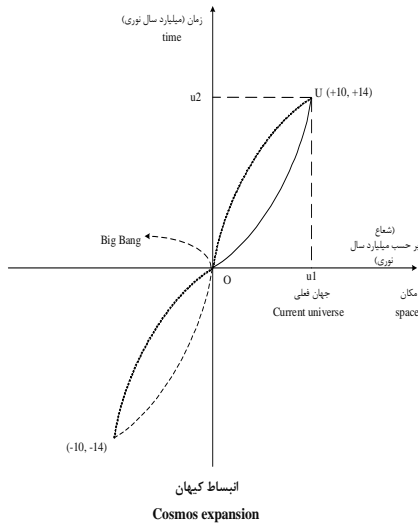


Figure ۷

Now we back to the big bang. By Slip, movement started and time passed by as well! With careful attention to Figures ۷ and ۳, the structure of the cosmos with the constant pulse showed inflation, and in the sequence of events, it was repeatedly added to time width, and the span of cone of the universe expanded rapidly.

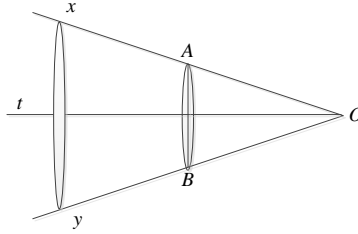


Figure ۲

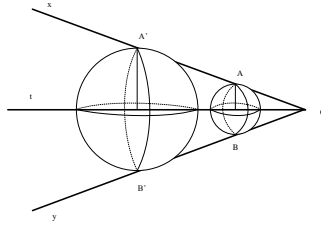


Figure ۳

Since by creating every creature, its pair or counterpart appears as well, thus the matter. Moves to the extent it appears, Anti-matter is also present and, according to determinism, they also move! In other words, there is no stagnation, movement is all we could observe the cause of which is slip.

So in the universe as much as matter moves, there is also anti-matter in movement. That is, a one-by-one correspondence is fully established and matter and anti-matter are equally present in existence.

We must come to a logical conclusion now that there is no vacuum or empty place in the universe, a place for movement of matter and anti-matter. Because the emergence of a place is important just because of placement of matter.

So if we humans, given the enormous astronomical dimensions of celestial bodies and their terrifying astronomical distances from one another, think that there is a vacuum or empty space in these distances, there is no real basis, rather these distances are in a secret and mysterious way the place of antimatter and immaterial objects that are beyond human sight.

In other words, what we do not see and call them dark matter are the anti-matter that play hide and seek with us. Hiding anti-matter is not just about human views, but its philosophy is to keep the anti-matter away from matter so that they do not collide with each other and do not provide the grounds for inexistence and nullity.

Physicists agree that if a material particle collides with its counterpart, it will be destroyed, as if this conjunction of the particle and the anti-particle would produce only some quantum energy that is scientifically hidden from humans. So it must be said with certainty that the whole universe is full of matter and anti-matter and other creatures, namely, non-matter-of-substance.

There are two types of being in existence. The kind of non-material ones that are incorruptible and immortal and the kind of matter that is corruptible and constantly changing and transforming, that is, not immortal.

Human science revolves around the material, which has an objective and obvious aspect, less maneuvering around the non-material, which is genius. The reason is quite obvious, because they are not objective and can only be understood by their function.

Thoughts, souls or spirit that cause life, love, affection, time, and so forth are of the non-materials, and so far no human has been able to discern their inherent nature and sex and structure. Rather,

man understands only traces of their permanent existence in the universe and in existence.

Although human thought is apparently the function of the human brain, it is of the same nature as non-material and plays a very important role in relation to matter.

My impression is that whatever comes into the realm of thought in the domain of mind and thought exists in some way in the universe. That is to say, it is not possible for inexistence to pass through the land of man's imagination and thinking! Whether the imagination is even illusory and seemingly unexplainable and irregular or objective and elaborate and regular, much could be said about it. In other words, if there is nothing, there is no code to communicate with human mind and machine, and the waves to be transmitted. So if a spark of any kind and content comes to human mind, it is a sign of communication with a being in the universe who has somehow brought us his waves.

The content of our world is not just what we see with our eyes or discover through scientific research. The world around us is very complex, mysterious and unknown. We humans have very little science, and with our very flawed and immature emotional apparatus we can only take a slight part of communication waves of some creatures in the universe to be stimulated though we claim consciousness and cognition...!

But the world has enormous content and is amazed at the multitude of creatures within it. So it is possible for every human being to communicate with many different beings throughout his life. And receive waves that are beyond the reach of other humans. Yes, new and unique sparks of thought pass through our ears every now and then.

We need to have the qualifications and requirements to get some of that sparks. In simpler terms, at each moment, infinite wave of different parts of the universe pass through us, each with its own code and number. Now, if one can adjust his mind and brain to have the same frequency so that as the waves, he could communicate with specific beings in the universe.

The ways of regulating the mind and brain are many and only a few are known. For now, I'm not talking about all the known ways, because I'm following another purpose. Here's just one method: If a man provides the conditions and situation in which his sensory don't work anymore, That is to say, deprived of receiving environmental data, he will be ready to receive the secret and mysterious waves of the Universe. In other words, if we can give up the mandatory of life and become self-sufficient to know ourselves as human beings, we have provided the background for reception of special cosmic waves.

This method is very common and has long attracted the attention of intellectuals and philosophers.

In order not to see, eyes must be closed and the main factor of sight is the light at least. So the best time for this is midnight. sounds and noise pollution are also minimal at that time, so the ears are also somewhat passive and, since it's time to go to bed and there is no eating or drinking as well as daily, activities so the senses of smell, taste, and touch are largely passive as well. So staying awake and concentrating at midnights the way to do it. Of course, to stay awake, you need to wash your body's apexes with water and then relax and concentrate.

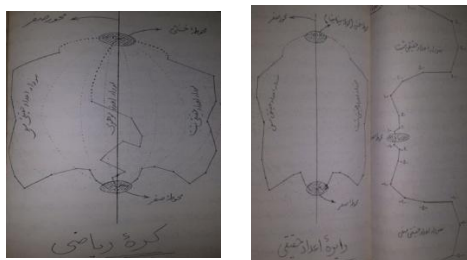
At the age of 10, with this method, I was able to get some waves and then I wrote one of my thoughts on paper. And I made a prediction that the sets of readable mathematical numbers are not

all mathematical numbers in the universe, but rather there are mysterious and unknown numbers that are out of human science.

So, to predict the unknown number sets, I draw Foad's mathematical sphere (Figure ۸ , ۹) where there is a lot of empty space for unknown numbers.

It seems that those unknown numbers sets exist in other worlds and we humans are ignorant of them! Then, I would imagine all beings in the universe and being in number diagram. That is, I considered every number as a code for each being in the universe. I first drew a special diagram for the set of natural numbers, and then, by considering their symmetries in the form of diagram of integers and also drawing the angular diagram of the set of real numbers, I came up with the circle of real numbers.

Look at Figure ۴ carefully. In the description of the subject, I have written that in any relation between two or more numbers of real, fanciful, complex numbers,... under any operation such as four basic operations or ... a mathematical number shall be obtained That may be, many of them are not known to us humans! But those numbers are predictable within Foad's mathematical sphere, and...



(Foad's mathematical sphere) Figure ۸ , ۹

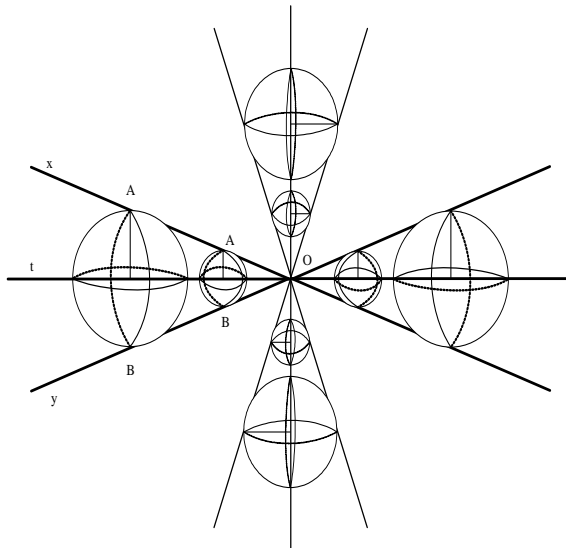
If we consider a numeric code for every being in the universe, from basic particles to the galaxies and the quasars, there is a one-

to-one correspondence between the universe and the mathematical numbers in Foad's mathematical sphere. Forty years ago, I declared without fear that human science would not be able to discover all mathematical numbers until all the beings were known! A thoughtful math teacher gave me the promise that your math sphere has empty spaces for undisclosed numbers like Mendeleev's table!

Let's go back to Big Bang moment. In the moment of the Big Bang, not only a conical world, but many conical worlds were built elsewhere.

That is, completely different worlds emerged with different constructions and different materials! Figure ١٠ and Figure ١١ are good tools for clarity.

Figure ١٠



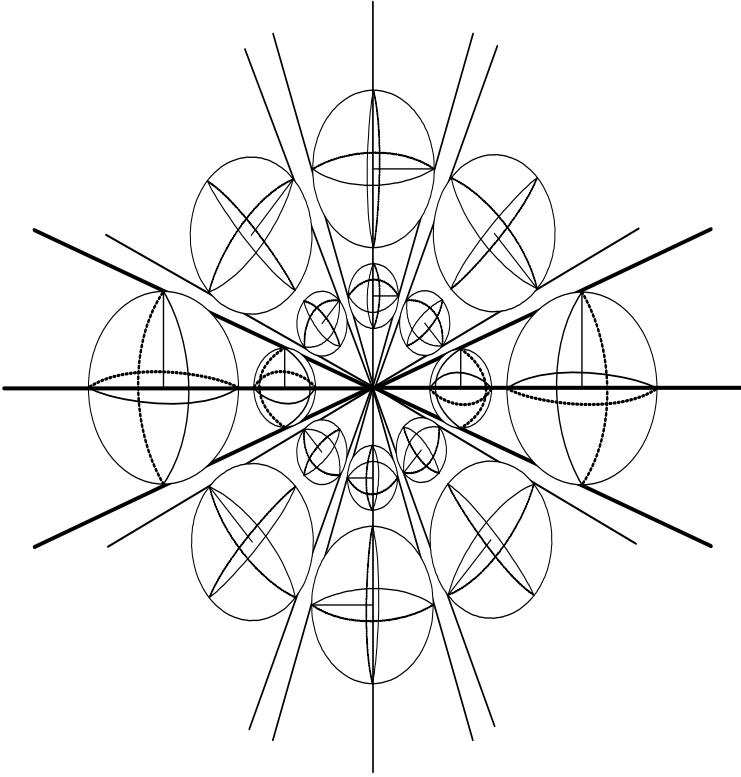


Figure ۱۱

If you consider point o , which is the starting point of Big Bang start, the center of a sphere, the entire volume of the sphere is infinitely filled by conical cones. A sphere full of cones that are all in the pulse and now it must be imagined that lots of movements in the belly of the Universe would create an amazing dance! (Figure ۱۲)

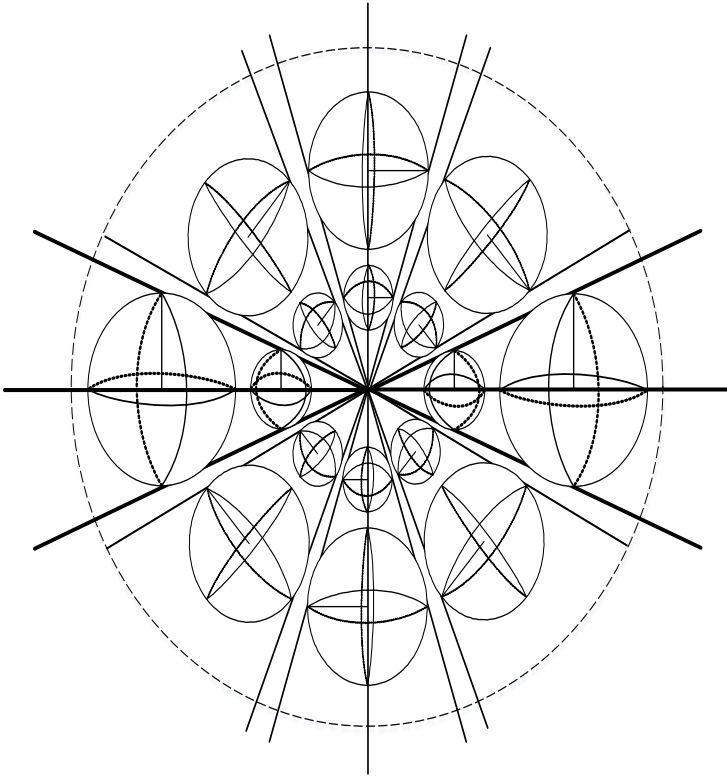


Figure 12

This creates an image of the universe in human mind that must be spherical. It goes without saying that a thinker never imagines for the cosmos a form other than a sphere, such as a regular polygon body!

Each cone speaks of a world that has its own set of laws and rules. For example, in this world where we humans are, carbon element is a fundamental element of life on Earth, it may be, another element such as calcium or fluorine or...! in another cone or other universe the basis of life on one planet, There are many ways to imagine this and many questions come to mind. Including:

- ۱) Do the neighboring cones share (at least on the boundary line) Or not, they are completely separate?
- ۲) If the cones (worlds) share, are they related to some element or are they common in some members that are out of view of human science and understanding?
- ۳) Do the laws of physics and mathematical formulas known to us exist in those worlds or do they have their own rules and formulas?
- ۴) What is the existence of matter and anti-matter in those universes? Could it be that in at least one of those worlds, where matter is hidden and space is the location of anti-matter, opposite of the universe we are in?
- ۵) Is the cosmic structure in those worlds the same as ours in the systemic collections of our universe? That is, the atom contains a nucleus, with electrons orbiting it, and galaxies containing several stellar systems with planets around the star, galaxy clusters, galaxy cloud clusters, and so forth! Or is it a different structure? Like the description of the post-mortem world of human beings in religious books that talk about how we communicate and...!
- ۶) Is the rate of expansion in those universes the same as ours or is it different? How is it imagined?
- ۷) What is the volume, density, distances, rotation, movement, and the interactions of the objects in each other in those worlds? Does it resemble our understanding of humans in this objective world?
- ۸) Are star births and stages of burning and finally falling into black hole also established in those worlds?
- ۹) Does light in those worlds still have a record with a photon unit? Or at least in some of them there is no light at all?
- ۱۰) Could at least one of those worlds be very similar to ours? If so, is it possible that there is a life on a sphere

same as our planet, and there is controversy like this, and there is war and conflict among humans?

- ۱۱) What is the purpose of the emergence of so many caravans of the universe in the path of introspection into the cosmos?
- ۱۲) Will all the worlds eventually collapse together at one time and there will be a contraction, reaching an infinite density and returning to the same very dense point? If so, is there another big bang again?
- ۱۳) Has this event happened before repeatedly? If the answer is yes, how many is the current Universe number, meaning it is the result of which multiple Big Bang?
- ۱۴) Is Big Bang repeating just one scenario from the first to the last? Did Foad have the same fate in previous times? And by writing these thoughts made some people think?
- ۱۵) How long will this expansion of the Universe continue? Is it going to stop and shrink at a time and the cosmic movie will be released from the end to beginning? Or not, this expansion has no end, and...?
- ۱۶) What is the path in the contraction of the world? Will it look like a movie that goes from the end to the beginning, or is it something else?
- ۱۷) Are wormholes and black holes the border ways to travel between neighboring worlds?
- ۱۸) Are white holes the same as anti-black holes?
- ۱۹) Will we find a visa to live and work in the world after death in another world on the basis of the privileges we have gained in this world?
- ۲۰) Is it possible that at least one universe is completely full of matters and that anti-matter is cut off from that universe?
- ۲۱) Is it...?
- ۲۲) Is it...?

۲۳) Is it...?

۲۴) Is it...?

...

The story of the emergence of the fundamental particles of matter, which is still the science seeks the earliest and the smallest ones, and the formation of the atom as a unit of basic particles and the integration of atoms into molecules and bodies, and the objects molecular accumulation by a series of specific law, the evolution of diversity and evolution, and finally the presence of life in some of more complex beings, and eventually the emergence of human consciousness, which may be the most complex creature at present, is a very mysterious issue and yet, human science, doesn't have much to say about it.

According to the findings of physics and chemistry with the intervention of mathematics If we look at the finer details of the infinitesimal world, we know that an atom contains a nucleus composed of proton, neutron particles and electrons around the nucleus.

But in some opinions protons and neutrons are also not thought to be full and are made of finer particles. In this way of wandering human thought and inability of science, it is better to close the case and to end this perverse course of assumption that we have come to be a part of what I have called the "Merrek" an integral part.

I have thrown very rare, delicate and sensitive balls into the realm of scientists with my brain sparkles. I hope I have provided the ground for further research and development of science.

Let's go back to Big Bang moment and the beginning of the movement and birth of the place, time and basic particles that emerged in pairs! Again, I emphasize that "every" in

this recent sentence is general in mathematical logic and encompasses all, with no exception.

That is, the original spark of Big Bang's first start, the first photon of light, came into existence with its pair. Now I announce that Photon's counterpart, anti-Photon, was hiding under a mysterious and unknown contract because of Photon's public presence.

There are "invisible places" and "invisible time" in the universe. We saw that the position of the anti-place and anti-time, that is, the hidden place and time, is in the third zone of the graph.

If we denote "time" as the fourth dimension in the explanation of being and Einstein's primary tool in expressing the theory of relativity, by $+t$, then "anti-time", which is hidden shown by $-t$, That is to say, "negative time" in Einstein's equation is thus meaningful! I am waiting for more sparkles to come up in this regard.

Every educated person knows that photons of light are visible to our eyes, and that the subject of human sight depends primarily on the reflection of light by objects, but without denying, not everyone knows what "anti-photons" are and...!

Now it is the time to announce that "dark energy" mentioned in current astronomy are "anti-photons" that are hidden in the third zone. And I also declare that "dark matter" in current astronomy is "anti-matter" or "anti-particles" hidden in the third zone.

That is, dark energy and dark matter exist in the universe. But they are invisible and secret. So I dare say that there is no pure vacuum in the universe And those parts thought to be empty in terms of human science are filled with "anti-matters" and "anti-particles". But to us, humans are secret and invisible.

Contribution:

That is to say, "negative time" in Einstein's equation is thus meant. I am waiting for more sparkles to come up in this regard.

Every educated person knows that light photons are visible to our eyes, and what we see in humans depends primarily on the reflection of objects, but not everyone knows what "anti-photons" are and...!

Now it is the time to announce that the "dark energy" in current astronomy is the "anti-photon" that is hiding.

And I also declare that the "dark matter" in current astronomy is the "anti-matter" or "anti-particles" that is hidden.

That is, dark energy and dark matter exist in the universe. But they are invisible and secret. So I dare say that there is no pure vacuum in the universe and those parts thought to be empty and out of human science are filled with "anti-matter" and "anti-particles". But to us, they are hidden and invisible.

To avoid unrealistic perceptions by scientists, I will now refute refuse to explain the implications of my new theories, namely four important categories of "negative time" , "dark energy" , "dark matter" and "parallel universes."

Because sparkles constantly coming to me and I'm writing them.

Reference:

- ۱) Internet
 - ۲) Sparks of thought (Foad's intellectual spark)
 - ۳) The dimension of time theory by Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi
- (smf – e) Sanandaj - iran ۲۰۱۵

بیوگرافی سیدمحمدفواد ابراهیمی

ریاضیات جوهر مفرده‌ی عالم هستی است. SMF·E

اینجانب سیدمحمدفواد ابراهیمی (SMF - E) مدرس بازنشسته‌ی ریاضیات و کامپیوتر دانشگاه فرهنگیان سنندج در سال ۱۳۸۶ شمسی، خلاء نرفتن به کلاس درس در زمان بازنشستگی را با فعالیت‌های علمی و هنری ابتکاری منحصربه‌فرد جبران نموده و پس از تشکیل اولین موزه‌ی شخصی در استان کردستان یعنی موزه‌ی شخصی فواد، موفق به تأسیس مرکز پژوهش و تحقیقات علمی سیدمحمدفواد ابراهیمی یا به اختصار "ام پی تی فواد" در صلوات‌آباد سنندج شدم. چاپ نوشته‌ها و حاصل تجربیات و تحقیقات علمی و آموزشی خود را آغاز و توانستم، میلیاردها الکترون را از سنندج راهی تهران نموده تا در چاپ‌خانه روی کاغذ کنار هم نقش ببندند و رودخانه‌ای از کتاب در مسیر تهران به سنندج جاری گردد. چاپ تعداد ۶۶ عنوان کتاب در کمتر از ۴۰ ماه رکورد قابل ملاحظه‌ای می‌باشد که امید است توسط اهالی فکر و اندیشه و دانشگاهیان در کتاب گینس ثبت گردد. انتشارات علمی کالج سنندج در روز یکشنبه ۵ / ۹ / ۱۳۹۶ در سینما بهمن سنندج به‌مناسبت چاپ کتاب‌هایم مراسمی برگزار نمود، تحت عنوان "نکوداشت ارزش قلم و کتابت و پاسداشت تألیفات سیدمحمدفواد ابراهیمی" که مورد توجه اهالی علم و کتابت قرار گرفت. اگر در موقع تدریس از یک موتور فکری فعال استفاده می‌کردم، در زمان بازنشستگی با چندین موتور فکری در شبانه‌روز ساعت‌ها فکر نموده و بارقه‌های فکری خود را در زمینه‌های مختلف علمی و فلسفی تحریر می‌نمایم. مرتب مشغول دیجیتالی نمودن حدود پانصد هزار صفحه دست‌نوشته‌هایم به‌وسیله‌ی کامپیوتر هستم. در زمان تحصیل قلم در دستم آرام و قرار نداشت و همواره انشاهایم مورد توجه دیگران بود و راجع به هر

موضوعی که در محیط خود با آن روبه‌رو می‌شدم می‌نوشتیم. در موقع خدمت معلمی نیز قلمفرسائی می‌کردم تا جائی که حتی در موقع خواب قلم و کاغذ کنار رختخواب می‌گذاشتم تا رویاها و خواب‌ها و اقدامات ضمیر ناخودآگاه را بلافاصله یادداشت نمایم. اکنون نیز دائماً در حال فکر کردن بوده و ماشین فکری من یک ثانیه خاموش نمی‌گردد. در حالی که راه می‌روم و یا در مسافرت هستم، مرتب مشاهدات و شنیده‌ها را روی کاغذ ثبت می‌کنم. امکان ندارد بدون کاغذ و قلم در جائی حضور یابم. موقع مطالعه‌ی کُتب و نشریات نِت‌برداری می‌کنم و چکیده‌های نغز و بامعنی را در دفاتری تحت نام

My Documents Foad به ثبت می‌رسانم. تعداد این دفاتر خیلی

زیاد و حجم نوشته‌ها از حد تصوّر خارج است. انسان کنجکاو است و برای پیدا کردن شناخت و ارضای حس کنجکاوای همواره در تکاپو است. در سیر آفاق است که انسان به مشاهده‌ی پدیده‌ها و صحنه‌های مغایر با آنچه در محیط اطراف خود با آن‌ها روبه‌روست، می‌پردازد.

لذا سفر کردن از واجبات کار یک محقق و پژوهشگر است. من در سفرهای زیادی که داشتم، به مکتوب نمودن اکثر مشاهدات و شنیده‌ها مبادرت کرده و تعداد سفرنامه‌هایم افزون بر ۳۰۰ عنوان گردیده است. امیدوارم بتوانم همه‌ی آن‌ها را به چاپ برسانم. شرکت در کنفرانس‌ها و سمینارها و اجتماعات علمی به همان سیر آفاق و سفر کردن‌ها بر می‌گردد. اما سفری آگاهانه برای رویارویی با دانشمندان و عالمان جهت ارتقاء سطح علمی و اطلاع یافتن از یافته‌های جدید معرفت بشر برای ادامه‌ی کارهای پژوهشی و تحقیقاتی است. این جانب همواره با تحمّل رنج‌ها و مقابله با خطرها به محل تجمعات علمی در اکثر دانشگاه‌ها و مراکز علمی راه می‌یافتم و به جمع‌آوری اطلاعات جدید پرداخته و در جهت توسعه‌ی بینش و بالا بُردن سطح آگاهی خود از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردم. به‌طور مثال زمانی

که حقوق معلمی من چهار هزار تومان بود، بیش از نصف آن را برای شرکت در کنفرانس ریاضی دانشگاه سیستان و بلوچستان هزینه می‌کردم. فاصله‌ی ۲۰۰۰ کیلومتری از سمنج تا زاهدان را با هزاران دردسر و خطر می‌پیمودم. برای درک واقعیات و اطلاع از ماجراها باید سفرنامه‌ی مربوطه مطالعه گردد. اگر از موانع و مشکلات مسیر حرکت‌های علمی و ابتکاری خود بگوییم، بسیار به درازا می‌کشد و مثنوی هفتاد من کاغذ شود. عدم درک اطرافیان از تفکرات و ایده‌های من در جهت ایجاد تحول در محیط زندگی و بالا بردن سطح علمی و رفاه اجتماعی و تسهیل در امورات و بویژه فعالیت‌های پژوهشی و تحقیقاتی از مهمترین و مخرب‌ترین مانع و مشکل در مسیر کارهای خلاقانه‌ی من بوده است. خیلی اقدامات ابتکاری را شروع نمودم، اما عدم همکاری و ... اطرافیان مانع از آن شد که به نتیجه‌ای که مورد نظر من بود، برسیم. هرچند با متوقف نمودن کارهایم، آن‌ها را ابتر و ناقص می‌کردند، اما آثار و فنداسیون بسیاری از آن‌ها را هم‌اکنون نیز می‌توان مشاهده نمود. مثال فراوان است که بیان آن‌ها در این مقال نگنجد. در محیط کارم بارها حتی از صدور برگ مأموریت بدون بار مالی دریغ می‌شد! آن‌ها توجه نمی‌کردند که یک معلم علاقمند و دلسوز زندگی خود را رها کرده و با همه‌ی دروس‌ها برای غنی کردن فضای علمی کلاس‌های درس از هزینه‌ی عائله‌اش می‌گیرد و خرج سفرهای علمی و تحقیقاتی می‌کند، چه فوایدی برای ارتقاء آموزش و پرورش جوانان دارد؟! اما من با اشتیاق و پُر انرژی به دنبال اهداف علمی خود می‌رفتم و نتایج گهربار آن را دانش‌جویانم در سر کلاس‌ها موقع تدریس شاهد و ناظر بوده که هزاران برگ اظهارات آنان در کتابخانه‌ی شخصی این‌جانب بایگانی است. به‌هرحال چاپ بیش از چهارصد عنوان کتاب از هزاران مطلب گوناگون در زمینه‌های مختلف علمی را شروع کرده‌ام. امیدوارم همه‌ی آن‌ها به چاپ برسند و مورد مطالعه قرار بگیرند و

جوانان و علاقمندان با تفکر و اندیشه‌های این‌جانب بیشتر آشنا شوند. قصد نهائی من رسیدن به سعادت جمعی و خوش‌بختی برای تمام مردمان است. در سایه‌ی علم و آگاهی می‌توانیم رسالت انسانی خودمان را که محبت کردن به هم‌دیگر است به انجام برسانیم. خواستن هرآن‌چه که برای زندگی مفید خود می‌خواهیم، برای دیگران خواستن، لازمه‌ی یک زندگی سعادت‌مندانه و شاد در اجتماع است.

امیدوارم " ام پی تی فواد MPT - FOAD " که مجتمعی شامل کتاب‌خانه و بایگانی اسناد علمی، بزرگ‌ترین موزه‌ی کردستان شناسی، خانه‌ی موسیقی کردستان و پایگاه و بایگانی اسناد انجمن ریاضی کردستان است، با همّت و کمک و تشریک مساعی تمام مردم در صلوات‌آباد سنندج برپا گردد. در آن مکان علمی و پژوهشی جوانان به مطالعه بپردازند و در ساختن و آبادانی وطن و سرزمین خود آگاهانه عمل نمایند و زندگی سالم و توأم با سعادت را برای همه به‌وجود آورند. شاید در محتویات کتاب‌هایم توانسته باشم، بخشی از اهداف و آرزوهای خود را به عنوان یک معلم عاشق به دیگران برسانم. کتاب‌های این‌جانب در همه‌ی زمینه‌ها اظهار وجود نموده‌اند. از ریاضیات و کامپیوتر گرفته تا نجوم و سایر علوم دقیقه و حتی ادبیات، روانشناسی، فلسفه و ... در این میان مجموعه کتاب‌های دایره‌المعارف " مباحث السیرینچک " سرشار از لقمه‌های لذیذ شادی‌آور و آگاه‌کننده بالغ بر صدها جلد کتاب می‌باشد. آرزو دارم تا زنده‌ام تعداد زیادی از آن‌ها را در دست مردم ببینم و تأثیر مثبت را در چهره و رفتار آنان مشاهده نمایم. در نهایت امیدوارم همه‌نوشته‌هایم مورد مطالعه قرار بگیرند.

ای معلم چون کنم توصیف تو چون خدا مشکل توان تعریف تو

انسان به قدرت تفکر و اندیشه، اشرف مخلوقات عالم شده است و این برتری زمانی کارائی و معنی واقعی را می‌یابد که همه‌ی افراد بشر از

اندیشه‌ی منظم و شناخت برخوردار باشند. لذا نقش معلم در آموزش و تربیت دیگر هم‌نوعان خود، اهمیتی مافوق تصور پیدا می‌کند. انسان‌ها به سبب داشتن استعدادها و علایق و موقعیت‌های مختلف، هر کدام در مسیری به فعالیت می‌پردازند و در ساختن قسمتی از تشکیلات اجتماعی شرکت دارند. در این میان مسیر عشق یعنی مسیر معلمی، سوای تمامی مسیرهای دیگر بوده و هر گونه مقایسه‌ی آن با دیگر مسیرها، از خطای بنیادین فکری حکایت می‌کند. معلم به انسان یاد می‌دهد تا خود را جستجو کند و هویت گم شده‌اش را پیدا نماید و از اسارت عوامل اهریمنی آزاد گردد که لازمی آن درگیری مستمر و مداوم با نیروهای شیطانی است. لذا معلم همیشه با وحشتناک‌ترین صحنه‌ها روبه‌روست و به‌جاست بگوییم که مسیر عشق یعنی مسیر معلمی، خطرناک‌ترین مسیرهاست و راهی است پُر از درندگان و خونخواران وحشی. معلم دانشمند از راه‌های مختلف با دیگر هم‌نوعان خود روبه‌رو می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها نوشتن و کتابت تفکرات و اندیشه‌هاست. یک معلم واقعی باید بتواند تراوشات فکری خود را برای بشریت به صورت‌های گوناگون از جمله نوشتن ظاهر نماید.

ز احمد تا احد یک میم فرق است معلم را نگر در میم غرق است

این‌جانب سیدمحمدفواد ابراهیمی فرزند سیدمحمدناصر در صبح‌دم روز یکشنبه بیست و یکم آبان‌ماه سال ۱۳۳۴ هجری شمسی (تاریخ تولد شناسنامه ۹ / ۹ / ۱۳۳۷) در دهستان صلوات آباد، ده کیلومتری شرق سنندج مرکز کردستان ایران در خانواده‌ای اهل علم به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی را در روستا به پایان رسانده و برای تحصیل در دبیرستان راهی شهر سنندج شدم. پس از گرفتن دیپلم ریاضی، به تحصیلات دانشگاهی در رشته‌ی ریاضی پرداختم و پس از اخذ درجه‌ی لیسانس از دانشگاه رازی، مسیر عشق یعنی مسیر معلمی را عاشقانه پی‌مومدم. ابتدا در شهرستان بانه به مدت یک سال و بعد در بخش دیواندره

به مدت سه سال و سپس در شهر سنندج به مدت سه سال به تدریس ریاضیات دبیرستانی پرداختم و نوجوانان زیادی را که هم‌چون آهوان معصوم اسیر پنجه‌های دیو نادانی بودند، به قوهی تفکر و منطق ریاضی نجات دادم و با هفت سال تجربه‌ی آموزشی به عنوان مدرس ریاضیات مراکز تربیت معلم سنندج، افتخار آموزش و تربیت دانش‌جو معلمان را عهده‌دار شدم و تا سال ۱۳۸۶ شمسی که بازنشسته شدم، در پست مدرس ریاضیات و کامپیوتر مراکز تربیت معلم سنندج، نقش مؤثر و اساسی در آموزش هزاران معلم منطقه‌ی غرب ایران در زمینه‌ی ریاضی و کامپیوتر هم در مراکز تربیت معلم و هم در دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان ایفا کردم تا برای پی‌موندن اصولی مسیر عشق آماده شوند. چه در دوران تحصیل و چه در مسیر معلمی، اهل کتابت بوده و توانسته‌ام مقداری از اندیشه‌های خود را به رشته‌ی تحریر درآورم و چون عاشق علم و شناخت هستم همواره شرکت در مجامع علمی و به‌ویژه کنفرانس‌های ریاضی را مد نظر داشته و رنج سفرهای دور و نزدیک را برای برخوردارگی از محضر استادان و دانشمندان به جان خریدم.

در بیش از یکصد و پنجاه دوره‌ی تخصصی بالغ بر پنج هزار ساعت شرکت کرده و در طرح‌های ملی در زمینه‌ی تألیفات و پژوهش سه بار مقام اوّل کشور را کسب نمودم. تعداد زیادی از مقالات و نوشته‌هایم در نشریات و مجلات استانی و کشوری به چاپ رسیده‌اند. در سال ۱۳۷۵ شمسی انجمن ریاضی استان کردستان را پایه‌گذاری نموده که خود منشاء فعالیت‌های علمی و آموزشی فراوانی شد و برای استان کردستان مایه‌ی خیر و برکت گردید و با پی‌ریزی و طراحی و راه‌اندازی نشریات: مجله‌ی علمی تام، نشریه‌ی ریاضی وصل، خبرنگامه‌ی تام، پیک آموزشی تام، پیک دانش‌آموزی تام، پیک دانش‌جویی تام، یادمان و اطلاعیه‌ها برای انجمن و گرفتن مجوز رسمی به عنوان مدیر مسئول نشریات انجمن ریاضی

کردستان و برقرار کردن ارتباط با بیش از ۲۵۰ مرکز علمی در سراسر ایران، انجمن ریاضی استان کردستان را برای استقبال شایسته از سال ۲۰۰۰ میلادی یعنی سال جهانی ریاضیات مهیا نمودم. هم‌زمان با مهیا کردن ایمیل: Kurd_math@yahoo.com سایت اینترنتی کوردست را در خرداد ۱۳۸۲ نیز برای انجمن ریاضی استان کردستان طراحی کرده و آن را در شرکت ستکام تهران با ۵ مگابایت فضا به ثبت رساندم. در آن زمان اکثر دانشگاه‌ها، مؤسسات، انجمن‌های علمی و حتی انجمن‌های ریاضی و انفورماتیک ایران فاقد سایت اینترنتی بودند!

<http://www.kurdmath.com>

افتخار می‌کنم که اولاً معلم هستم و ثانیاً ریاضیات تدریس کردم. ما معلمان ریاضی افتخار مضاعف نصیبمان شده است که در شاهره بزرگ‌ترین رسالت بشر یعنی معلمی، از بهترین وسیله‌ی حرکت برای پی‌م‌ودن مسیر یعنی ریاضیات استفاده می‌کنیم.

معلم را فکر و عزم راسخ است همه حال او پرسش و پاسخ است در دهه‌ی چهارم قرن چهاردهم هجری شمسی، ضمن تحصیلات ریاضیات دبیرستانی که شیفته‌ی آن بودم، احساس می‌کردم که به سایر علوم و به‌ویژه ادبیات نیز علاقه دارم. قلم در دستم آرام و قرار نداشت و انشاهایم همیشه مورد توجه قرار می‌گرفت. زمان دانش‌جویی در اوایل دهه‌ی پنجم، اکثر جزوات درسی استادان ریاضی را مورد تجدید نظر قرار داده و بازنویسی می‌کردم. درس توپولوژی را استاد دکتر ارسلان شادمان با تماشای خط به خط کتاب خارجی، پای تخته‌ی کلاس شرح می‌داد و من بیانات و نوشته‌های درهم ریخته را به طرز خاصی انشاء می‌کردم و در آخر ترم یک جزوه‌ی کامل از مطالب منسجم، با ساختار ریاضی تحت عنوان "توپولوژی عمومی" تحویل استاد شد. آن کار آن‌چنان مهم تلقی

گردید که استاد شادمان با دادن نمره‌ی الف، مرا از شرکت در امتحان کتبی پایان ترم معاف نمود. بعد که مسیر معلمی را پیش گرفتیم، به تحریر و انتشار تجربیات آموزشی، اقدام پژوهی‌های خودجوش و تراوشات فکری خود پرداختیم. در هر موردی قلم را بر کاغذ می‌چرخاندم و تعداد نوشته‌ها فزونی یافت. وقتی که مدرس ریاضیات مراکز تربیت معلم سنندج شدم، به تألیف کتب درسی ریاضی و کامپیوتر مشغول و در سال ۱۳۷۳ شمسی پنج جلد آن‌ها مورد استفاده‌ی دانش‌جویان رشته‌ی ریاضی قرار گرفت. بنا به اعتقادات خاصی که داشتیم، هیچ‌گاه برای چاپ رسمی تألیفات خود اقدام نکردم. شیدای علم بودن مرا به سوی علوم جدید کامپیوتری کشاند و مدرس اولین کلاس‌های آموزش کامپیوتر در شهر سنندج در سال ۱۳۶۹ شمسی بودم. در آن زمینه نیز قلم‌فرسایی‌ها کردم. برای گسترش و ترویج علم، به‌ویژه ریاضیات و آموزش آن به تهیه‌ی نشریات گوناگون و متعدد علمی پرداخته و دامنه‌ی انتشارات، مرزهای استان کردستان را درنوردید و سراسر ایران را فرا گرفت. زمانی که امکان حضور جهانی از طریق اینترنت میسر شد، در بهار ۱۳۸۲ شمسی سایت اینترنتی شخصی فوادرویال را طراحی کردم، تا پیام‌های علمی و آموزشی خود را بدون محدودیت جغرافیایی، در معرض دید علاقمندان در سراسر جهان قرار دهم.

<http://www.Foadroyal.com>

لذا شروع به الکترونیکی نمودن بیش از ۲۵۰ مقاله و نوشته‌ی کم حجم خود نموده که تعداد زیادی از آن‌ها برای قرار گرفتن در سایت فوادرویال آماده شده‌اند و این روند تا برقی شدن حدود پانصد هزار صفحه نوشته و ماحصل پژوهش و تحقیقات علمی این‌جانب ادامه خواهد داشت. بسیاری

از نوشته‌هایم انحصاراً در کتاب‌خانه‌ی شخصی موجودند، ولی آثار قلمی فراوانی به انحاء مختلف در تیراژ بالا تکثیر و توزیع گردیده‌اند.

در سال ۱۳۹۱ شمسی اولین موزه‌ی شخصی در استان کردستان ایران را در زیرزمین خانه‌ی مسکونی خود واقع در محله‌ی چهارباغ سنندج تأسیس کردم. پس از نامه‌نگاری‌ها با میراث فرهنگی کردستان و بازدید کارشناسان امور موزه‌ها، به‌ویژه آقای رسول اشتودان مدیر کل سازمان میراث فرهنگی استان کردستان و همراهان، جناب مدیر کل نظر کارشناسانه‌ی خود را در برگ لوح تقدیر، به‌صورت رسمی اعلام کردند. بدین‌سان موزه‌ی شخصی فواد دارای شخصیت حقوقی گردید. با حضور آثاری از پیامبر اسلام در موزه‌ی شخصی فواد، این موزه در محل صلوات‌آباد سنندج تبدیل به بزرگ‌ترین موزه‌ی کردستان شناسی خواهد شد.

در سال ۱۳۹۴ شمسی مقدمات تأسیس مرکز پژوهش و تحقیقات علمی سیدمحمدفواد ابراهیمی یا به اختصار ام‌پی‌تی فواد MPT – FOAD فراهم گردید تا یک مجتمع علمی، آموزشی، فرهنگی و هنری در محل صلوات‌آباد سنندج که در ده کیلومتری شرق سنندج واقع است بر پا گردد. این مرکز شامل کتاب‌خانه‌ی عظیم و بایگانی اسناد علمی و موزه‌ی اشیاء قدیمی زندگی خانواده‌های کردستانی (بزرگ‌ترین موزه‌ی کردستان شناسی)، پایگاه و بایگانی انجمن ریاضی کردستان ایران و خانه موسیقی کردستان خواهد بود که از طریق سایت علمی، آموزشی فوادرویال و سایت پژوهشی و تحقیقات علمی ام پی تی فواد به آدرس‌های زیر

<http://www.mptfoad.com> و <http://www.Foadroyal.com>

حضور بین‌المللی پیدا خواهد کرد.

در سال ۱۳۹۵ شمسی چاپ کتاب‌هایم را شروع و در کمتر از ۴۰ ماه موفق شدم، تعداد ۷۰ عنوان از بیش از ۴۰۰ کتاب خود را به زیر ماشین چاپ برسانم.

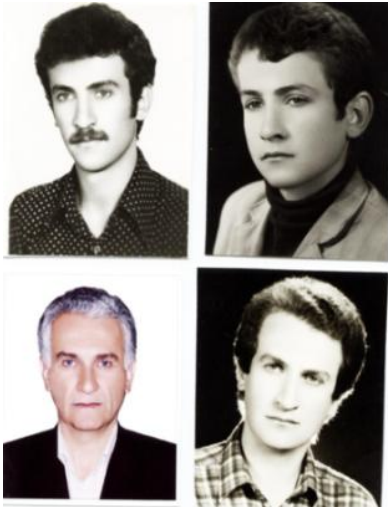
در سال ۱۳۶۴ شمسی ازدواج کردم، دارای سه فرزند صالح، ساعی و اهل علم هستم که به وجود آن‌ها افتخار می‌کنم. نقش همسرم در تربیت آن‌ها سزاوار تقدیر و ستایش است.

سید محمد فواد ابراهیمی

مدرس باز نشسته ریاضیات و کامپیوتر دانشگاه فرهنگیان سنندج

تابستان

بهار



زمستان

پاییز

Resume

Personal Information

Name: Sayyed Mohammad Foad Ebrahimi

Father's Name: Sayyed Mohammad Naser

Place & Date of birth: Sanandaj, ۳۰/۱۱/۱۹۰۸

Marital Status: Married

Address: #۷, Ilam Alley, Ekabatan Street,

Sanandaj, Kurdistan, Iran

Cell Number: ۰۹۱۸۳۷۱۸۳۹۹

Email: foad_ebrahimi@yahoo.com

foad.ebrahimi@gmail.com

Site: www.foadroyal.com

Educations

۱- B.S of Mathematics Razi University of Kermanshah
Iran (۱۹۷۸-۱۹۸۲)

۲- Diploma of Mathematics Hedayat High School Sanandaj
Iran (۱۹۷۱-۱۹۷۷)

Values

- Performing jobs professionally (with best quality and standards)
- Good social treatment with people and commitment to win-win relations
- Willing to achieve science and experts as resources of power in information era
- Preferring the inner composure to outer comfort
- Trying to qualify for sense of importance and effectiveness
- Respect to all people in the world
- Learning sciences specially mathematics and informatics'
- Willing to transfer personal knowledge to the others

Papers

- Appearance of computer
Kurdistan educational publication ۱۹۹۱

- Educational procedure of mathematical Kurdistan educational publication ۱۹۹۲
- Innovation in Mathematics' equations Kurdistan educational publication ۱۹۹۳
- Mathematics' concepts Kurdistan educational publication ۱۹۹۳
- Dynamic educational procedure of mathematical First Iranian mathematics education conference ,Isfahan ۱۹۹۶
- Educational comments in mathematics Safir Marefat magazine. Sanandaj ۱۹۹۷
- Commuter educating in Kurdistan Iran Computer Report Magazine, number ۱۳۸ - ۱۹۹۷
- mathematical model for The secret of survival Taam Magazine, number ۱ - ۱۹۹۷
- Kurdistan's mathematical committee introduction Iran Mathematical committee magazine, number ۷۴ - ۱۹۹۷
- Three new mathematical theories Development Sampad publication. Sanandaj ۱۹۹۸
- Geometrical Solution for some Problems Roshd, Magazine of Mathematical Education, number ۴۲ - ۱۹۹۸
- Sanandaj mathematical ringmasters introduction Roshd, Magazine of Mathematical Education, number ۵۱ - ۱۹۹۸
- Multiplication of fractions Vasl publication ۱۹۹۹
- Mathematical's effect in development Kowsar magazine, number ۳ - ۲۰۰۰
- Mathematical universal year Hamshahri newspaper, number ۲۰۸۹ - ۲۰۰۰
- Kurdistan university history Kurdistan university publication, number ۱ - ۲۰۰۰
- Teacher advices Kawsar magazine, number ۷ - ۲۰۰۱
- Correction of education Ghalam publication, number ۲ - ۲۰۰۱
- Teacher's Prophecy Ghalam publication, number ۳ - ۲۰۰۲
- Advisement in Education plans Manshoor magazine, numbers ۳ - ۲۰۰۲
- influence of mathematical current tests in mathematical education Safir Marefat magazine. Sanandaj, number ۱۰ - ۲۰۰۲
- Revelation method for educating

Rahtoshe magazine, numbers ۱-۴ - ۲۰۰۲ and ۲۰۰۳

□ Design and proof of some theories in number theory

Taam magazine, number ۰ - ۲۰۰۴

□ The love direction Technology publication, number ۱ - ۲۰۰۴

□ Multiple choice test and Essay test comparison

۳^۰th Iranian mathematics conference, Ahvaz, Iran ۲۰۰۴

□ Social pains Zhiar magazine, number ۴۸ - ۲۰۰۰

□ Teaching Zhiar magazine, number ۴۶ - ۲۰۰۰

□ Tourism prospect Zhinge magazine, number ۱۱ - ۲۰۰۰

□ Education technology's appearance

Delta publication, number ۰ - ۲۰۰۰

□ Consciousness in Mathematical education

Manshoor magazine, numbers ۱, ..., ۱۲ - ۲۰۰۲ till ۲۰۰۰

□ Retirement and Convenience

Diare kohan newspaper, number ۱۰ - ۲۰۱۰

□ Chelchameh Diare kohan newspaper, number ۱۸ - ۲۰۱۰

□ Ghamchogai ۶۰۰ years' old elevator

Sirwan newspaper, number ۷۹۰ - ۲۰۱۴

□ What's better? Science or worth

Diare kohan newspaper, number ۹۲ - ۲۰۱۰

□ Science and worth Hamrahan magazine, number ۶ - ۲۰۱۰

□ Foad personal museum introduction

Hamshahri newspaper, number ۶۶۳۹ - ۲۰۱۰

□ Salwat abad as a Tourism gate in Kurdistan Iran

Diare kohan newspaper, number ۸۹ - ۲۰۱۰

□ Shams Ale Ahmad Diare kohan newspaper, number ۹۴ - ۲۰۱۰

□ Foad's emotions at the end of my educational responsibility

Hamrahan magazine, number ۸ - ۲۰۱۶

□ Glasnos Lootke newspaper, number ۳ - ۲۰۱۶

Compilations

□ Theory numbers ۱

□ Theory numbers ۲

□ Computer Basics

□ General mathematics ۱

□ General mathematics ۲

□ Awareness and flexible manner in mathematics education

- Mathematics basics
- Mathematics travels
- Tests' problems design ١
- Tests' problems design ٢
- Tests' problems design ٣
- Tests' problems design ٤
- Tests' problems design ٥
- Mathematics formulas in new appearance
- Maktoobat ١
- Maktoobat ٢
- Davoodies' letters
- Mabahe Al Serinchek
- Divane ashaare Shafagh
- Yaddashthaye Parakande
- Bareghehaye Fekri
- Naamha va Yaadha ١
- Naamha va Yaadha ٢
- Teachers' concerns
- Peymoodane masire Eshgh
- Computer appearance
- Kurdistan Mathematics committee ١
- Kurdistan Mathematics committee ٢
- Mathematics committees union
- Darde Del
- Social concepts
- Mathematics conferences
- Mathematics education conferences
- Mathematics unions
- Research council at Kurdistan Iran
- Itineraries ١
- Itineraries ٢
- Itineraries ٣
- Itineraries ٤
- Itineraries ٥

☐ My Silence

Science and Study Activities

- ☐ Mathematics teacher at sanandajs' high schools
- ☐ Mathematics and computer lecturer at Farhangian university , Sanandaj , Iran
- ☐ Founder of scientific and educational Kurdistan mathematics committee
- ☐ Responsible Manager and chief editor of scientific Taam Magazine – Ranking "A" in scientific and educational Kurdistan mathematics committee
- ☐ Responsible Manager and chief editor of mathematics Vasl publication
- ☐ Designer of Kurdistan mathematics committee's site (www. Kurdmat.com), ۲۰۰۳
- ☐ Member of Iran's mathematics committee
- ☐ Member of Iran's informatics committee
- ☐ Member of Iran's education and training committee
- ☐ Founder of first personal museum in Kurdistan – Iran
- ☐ Founder of Foad's scientific research center in Kurdistan – Iran
- ☐ Designer of personal Foadroyal site (www.foadroyal.com), ۲۰۰۳

Languages

- ☐ Mother Tongue: Kurdish
- ☐ Second Language: Persian
- ☐ Foreign Language: English , Arabic

Computer Backgrounds

- ☐ Good knowledge at Internet and computer
- ☐ Softwares:

Level Software

Intermediate

Excel

Intermediate

Access

Intermediate

Word

Intermediate

PowerPoint

Intermediate

Minitab

Learning Courses passed

- Chemistry laboratory training Shiraz university ۱۹۸۱
- Mathematics teacher training Kermanshah university ۱۹۸۲
- Mathematics teacher training Hamedan university ۱۹۸۲
- Mathematics teacher training Tabriz university ۱۹۸۳
- Mathematics teacher training Tehran education center ۱۹۸۴
- Mathematics teacher training Lahijan education center ۱۹۸۵
- ۱۶th mathematics conference Tehran university ۱۹۸۶
- ۱۷th mathematics conference Zahedan university ۱۹۸۷
- ۲۰th mathematics conference Tehran university ۱۹۹۰
- ۲۱th mathematics conference Isfahan university ۱۹۹۰
- ۲۲th mathematics conference Mashhad university ۱۹۹۱
- ۲۳th mathematics conference Kermanshah university ۱۹۹۲
- ۲۴th mathematics conference Tehran university ۱۹۹۳
- ۲۵th mathematics conference Tehran university ۱۹۹۴
- ۲۶th mathematics conference Kerman university ۱۹۹۵
- ۲۷th mathematics conference Shiraz university ۱۹۹۶
- ۲۸th mathematics conference Tabriz university ۱۹۹۷
- ۲۹th mathematics conference Tehran university ۱۹۹۸

- ۳۰th mathematics conference Ardebil university ۱۹۹۹
- ۳۲th mathematics conference Babolsar university ۲۰۰۱
- ۳۴th mathematics conference Shahrood university ۲۰۰۳
- ۳۵th mathematics conference Ahvaz university ۲۰۰۴
- Professional mathematics course Uremia University
۱۹۸۸
- Research and development seminar Tehran university
۱۹۸۹
- Economic reform seminar Tehran university ۱۹۸۹
- Mathematics teacher gathering Kerman university ۱۹۹۰
- Informatics and computer basics trading Tehran university
۱۹۹۰
- Statistics and research procedure course Tabriz university
۱۹۹۱
- Informatics and computer trading Kurdistan university
۱۹۹۱
- Mathematics teachers gathering Kermanshah university
۱۹۹۲
- First computer conference in Iran Tehran university ۱۹۹۲
- Second laser conference in Iran Tehran university ۱۹۹۳
- First Construction conference Kurdistan university ۱۹۹۴
- ۱۴th Physics conference Kurdistan university ۱۹۹۴
- Geometry course Kurdistan university ۱۹۹۴
- Mathematics course Kurdistan university ۱۹۹۵
- Mathematics Analysis course Hamadan university ۱۹۹۵
- Discrete Mathematics course Kurdistan university ۱۹۹۵
- Geometry and Linear Algebra course Hamadan university
۱۹۹۷
- ۱۰th Algebra seminar Kurdistan university ۱۹۹۸
- First education of mathematics conference Isfahan ۱۹۹۶
- Second education of mathematics conference Kermanshah
۱۹۹۶
- Third education of mathematics conference Kerman ۱۹۹۷
- ۴th education of mathematics conference Tehran ۱۹۹۹

- ۵th education of mathematics conference Mashhad ۲۰۰۰
- ۷th education of mathematics conference Kurdistan ۲۰۰۴
- ۸th education of mathematics conference Share Kurd ۲۰۰۶
- ۱۰th education of mathematics conference Yazd ۲۰۰۹
- ۱۱th education of mathematics conference Sari ۲۰۱۰
- ۱۲th education of mathematics conference Semnan ۲۰۱۲
- ۱۳th education of mathematics conference Shiraz ۲۰۱۳
- ۱۵th education of mathematics conference Boshehr ۲۰۱۷
- ۱۶th education of mathematics conference Babolsae ۲۰۱۸
- First research findings presentation seminar Tehran ۱۹۹۱
- Second research findings presentation seminar Kerman ۱۹۹۳
- Third research findings presentation seminar Tabriz ۱۹۹۴
- ۴th research findings presentation seminar Kerman ۱۹۹۵
- ۵th research findings presentation seminar Khoram abad ۱۹۹۵
- ۶th research findings presentation seminar Bandar abas ۱۹۹۶
- Frist mathematics committees union meeting Shiraz ۲۰۰۱
- Second mathematics committees union meeting Shiraz ۲۰۰۱
- Third mathematics committees union meeting Yazd ۲۰۰۲
- ۴th mathematics committees union meeting Zahedan ۲۰۰۲
- ۵th mathematics committees union meeting Sari ۲۰۰۳
- ۶th mathematics committees union meeting Shahre kurd ۲۰۰۳
- ۷th mathematics committees union meeting Hamadan ۲۰۰۴
- ۸th mathematics committees union meeting Ghazvin ۲۰۰۴
- First computer training course Tehran ۱۹۹۰
- Second computer training course Tehran ۱۹۹۰
- Third computer training course Sanandaj ۱۹۹۱
- ۴th computer training course Tehran ۱۹۹۷
- ۵th computer training course Tehran ۲۰۰۰
- ۶th computer training course Sanandaj ۲۰۰۲

- ۷th computer training course Sanandaj ۲۰۰۲
- ۸th computer training course Sanandaj ۲۰۰۶
- ۹th computer training course Sanandaj ۲۰۰۶
- First Mathematics and Computer meeting Sanandaj ۲۰۰۰
- Second Mathematics and Computer meeting Sanandaj ۲۰۰۰
- First Information Technology meeting Sanandaj ۲۰۰۴
- Second Information Technology meeting Sanandaj ۲۰۰۰
- Eclipse Conference Kurdistan university ۱۹۹۹
- Astronomy Conference Maraghe ۲۰۰۰
- English language training course Sanandaj ۲۰۰۷
- Kurdish language training course Sanandaj ۲۰۰۴
- Planning course Sanandaj ۲۰۰۴
- Content analysis course ۲۰۰۴
- Education's problems solution course Sanandaj ۲۰۰۴
- Assessment course sananda ۲۰۰۴

Extra Skills

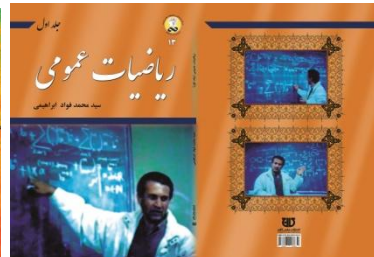
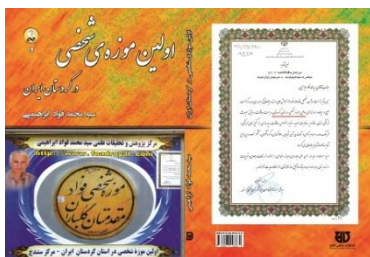
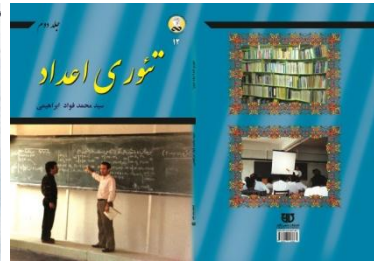
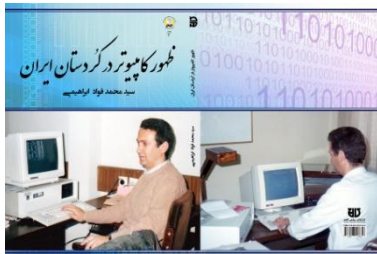
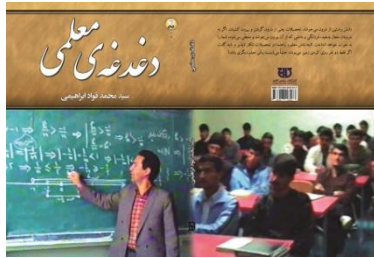
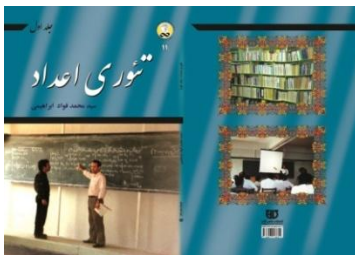
- Graphic design and picture edition using Photoshop
- Professional Photography
- Layout designing for papers
- Drawing and Painting
- Sound editing using adobe Audition
- High communication with others
- Presentation

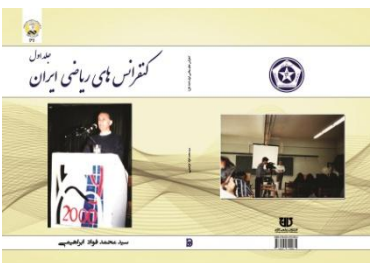
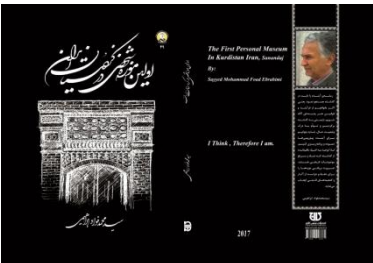
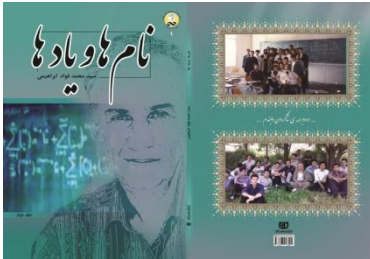
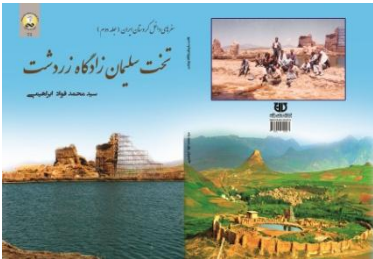
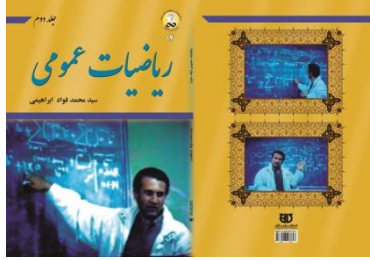
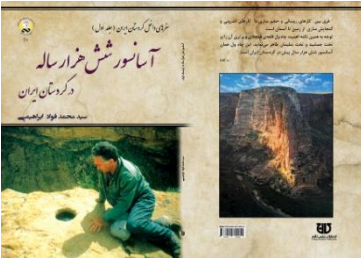
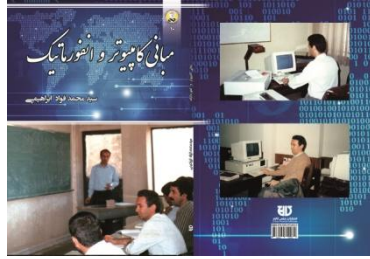
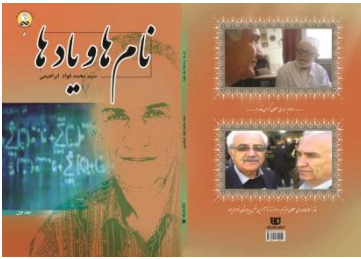
Careers

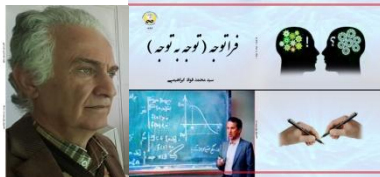
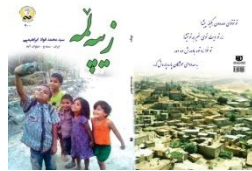
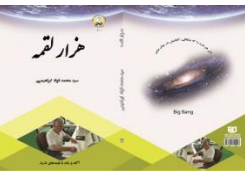
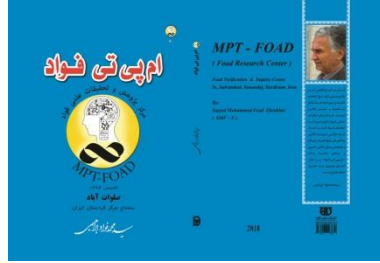
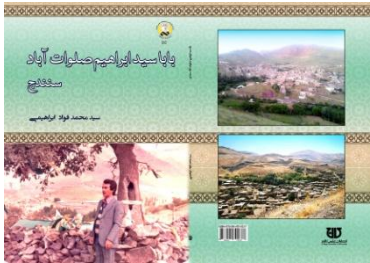
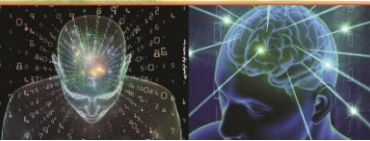
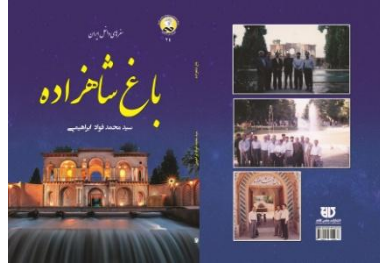
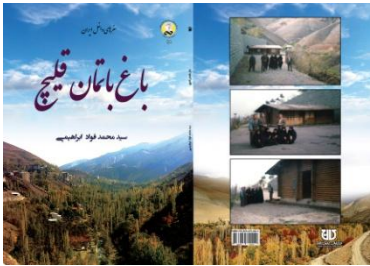
۱۹۸۰ to ۱۹۸۵ *Mathematics teacher at Kurdistan Iran's Haigh schools*

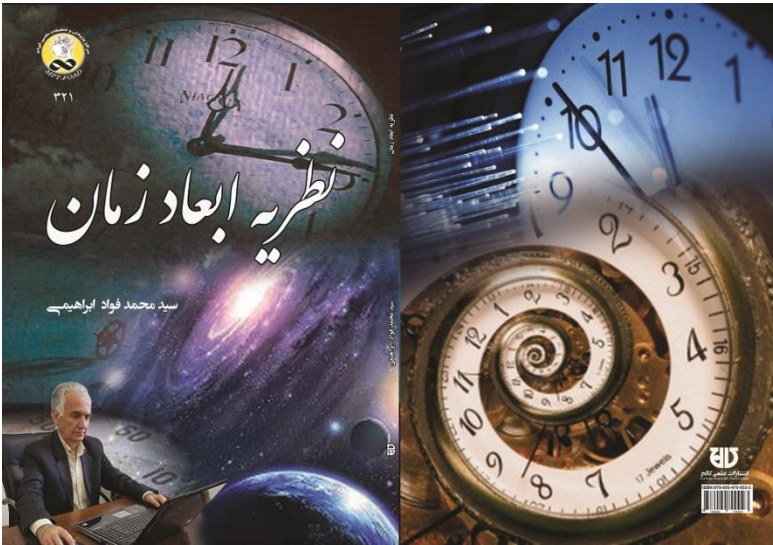
۱۹۸۵ to ۲۰۰۶ Mathematics and computer lecturer at Farhangian University of Kurdistan Iran

نمای جلد‌های ۷۰ کتاب چاپ شده فواد

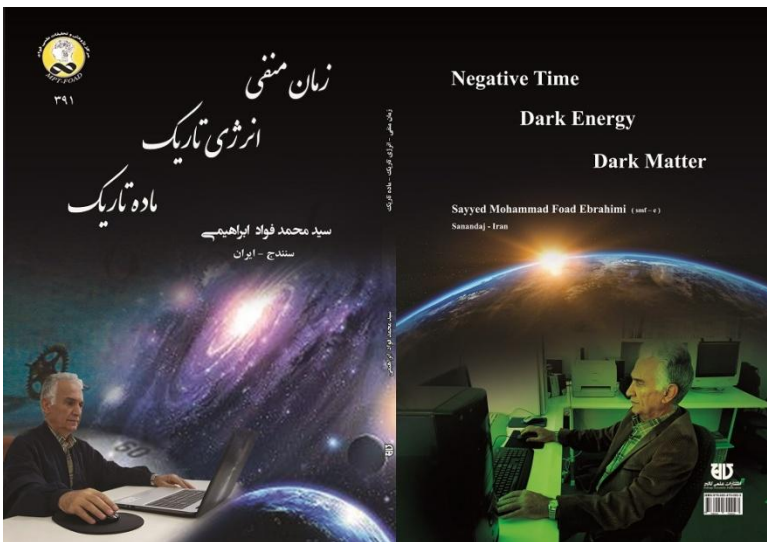


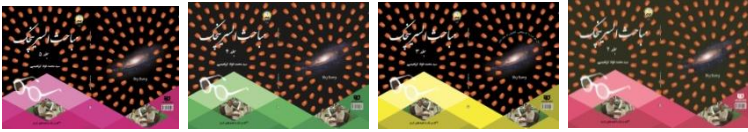


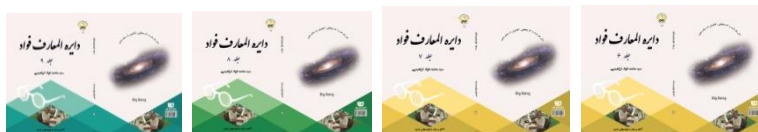
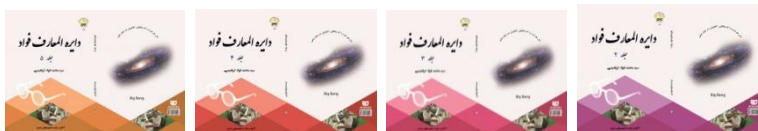


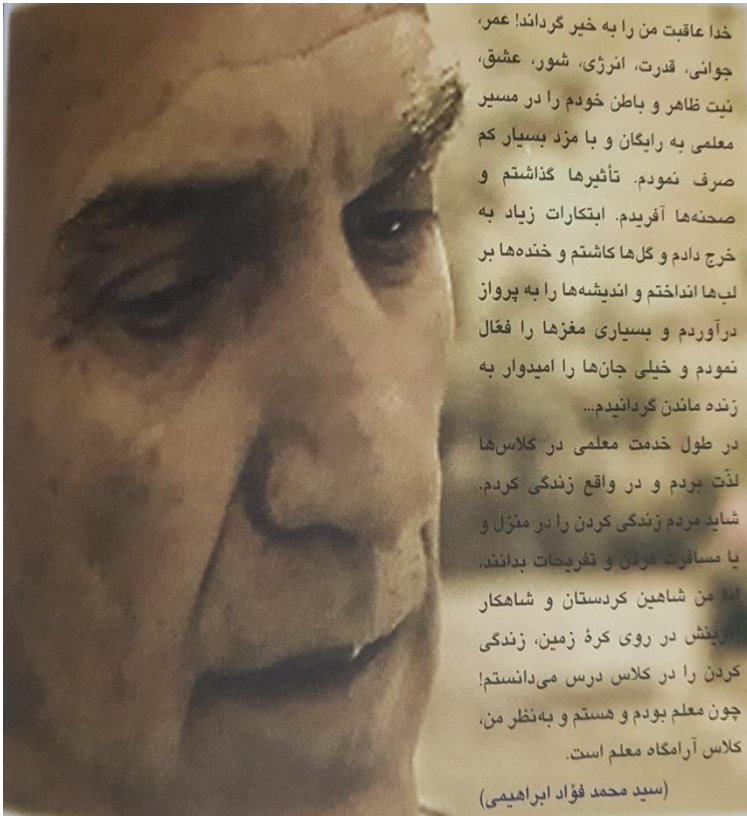


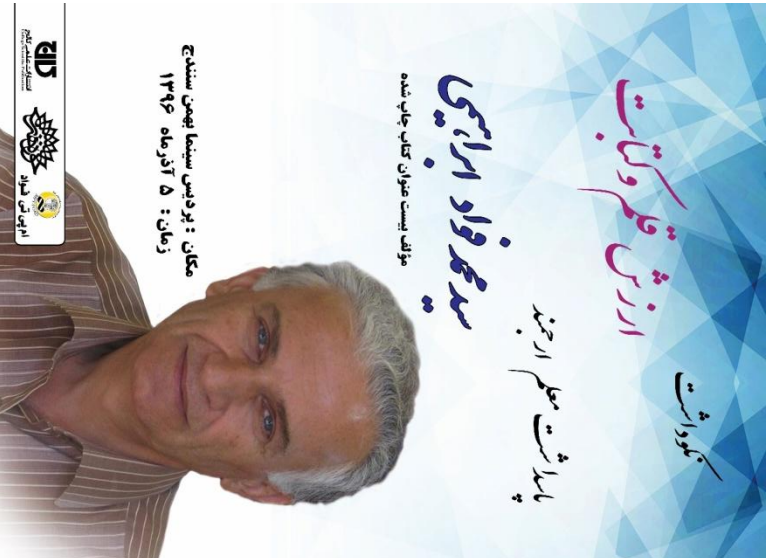
دو کتاب برای تبیین کائنات و هستی















کتاب‌های سید محمد فواد ابراهیمی در انتشارات علمی کالج سندج

- ✓ انجمن ریاضی کردستان ایران
جلدهای ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴
- ✓ آسانسور شش هزار ساله در کردستان ایران (سفرهای داخل کردستان ایران جلد اول)
- ✓ اولین موزه شخصی در کردستان ایران (موزه شخصی فواد) بزرگ‌ترین موزه کردستان‌شناسی در ایران
- ✓ تخت سلیمان زادگاه زردشت (سفرهای داخل کردستان ایران جلد دوم)
- ✓ ظهور کامپیوتر در کردستان ایران
- ✓ سایت‌های اینترنتی Kurdmath.com و Foadroyal.com و Mptfoad.com
- ✓ درد دل
- ✓ تئوری اعداد
جلدهای ۱ و ۲
- ✓ مبانی کامپیوتر و انفورماتیک
- ✓ ریاضیات عمومی
جلدهای ۱ و ۲
- ✓ باغ شاهزاده در ماهان کرمان (سفرهای داخل ایران جلد اول)
- ✓ نام‌ها و یادها
جلدهای ۱ و ۲
- ✓ باغ باتمان‌قلیچ در شمال تهران (سفرهای داخل ایران جلد دوم)
- ✓ هوشیاری و نرمش در تدریس ریاضیات
- ✓ کنفرانس‌های ریاضی ایران
جلدهای ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴
- ✓ دغدغه‌ی معلمی
- ✓ کنفرانس‌های آموزش ریاضی ایران
جلدهای ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴
- ✓ سکوت من
- ✓ بارقه‌های فکری
جلدهای ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴
- ✓ شب‌های اورانوس
- ✓ پیمودن مسیر عشق
جلدهای ۱ و ۲
- ✓ گشتی در ریاضیات
- ✓ سفرهای خارج
جلدهای ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ...
- ✓ کتاب بدون نام و بدون محتوا
- ✓ فراتوجه (توجه به توجه)
- ✓ طراحی سئوالات ریاضی دوره‌ی متوسطه
جلدهای ۱ و ۲
- ✓ مفاهیم ریاضی و فرمول‌های ریاضی در نمایش نو (۳۰۰ فرمول)
- ✓ نشریه‌ی ریاضی وصل
جلدهای ۱ و ۲ و ۳
- ✓ مجله‌ی علمی تام ارگان انجمن ریاضی کردستان
- ✓ طراحی ابتکاری سئوالات ریاضی مراکز تربیت معلم
جلدهای ۱ و ۲
- ✓ مجله‌ی علمی و پژوهشی سؤال ارگان ام پی تی فواد MPT-FOAD
- ✓ پیک‌های داودی
جلدهای ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ...

- ✓ مرکز پژوهش و تحقیقات علمی سیدمحمدفواد ابراهیمی (ام پی تی فواد MPT- FOAD) در صلوات آباد سندج
- ✓ اهورائیسیم جلد‌های ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴
- ✓ مرزک
- ✓ توهمات
- ✓ کارنامه‌ی خدمت معلمی جلد‌های ۱ و ۲
- ✓ تصورات
- ✓ بابا سید ابراهیم صلوات آباد سندج
- ✓ من و هستی
- ✓ یادداشت‌های پراکنده جلد‌های ۱ و ۲
- ✓ موضوعات اجتماعی
- ✓ ستارگان و نجوم
- ✓ بازی‌های روستائی جلد‌های ۱ و ۲
- ✓ فواد نامه
- ✓ دفتر ایام (روزنامه‌نویسی)
- ✓ افکار سرگردان جلد‌های ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴
- ✓ اقیانوس نامه‌ها
- ✓ چگونه مطالعه کنیم؟
- ✓ داستان‌های علمی - تخیلی جلد‌های ۱ و ۲
- ✓ گذرگاه ریاضی
- ✓ شفق نامه
- ✓ فلسفه‌ی علمی
- ✓ تاریخ معاصر جهان جلد‌های ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴
- ✓ اشتیاق، عجله و یا اشتباه؟
- ✓ رویا نامه
- ✓ سفرهای خانوادگی جلد‌های ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ...
- ✓ ترسیمات هندسی
- ✓ مباحث‌السرینچک جلد‌های ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ...
- ✓ در دل زمین چه می‌گذرد؟
- ✓ لقمه‌های اندیشه جلد‌های ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ...
- ✓ یاد و خیال
- ✓ دایره‌المعارف فواد جلد‌های ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ...
- ✓ اوّلین‌ها
- ✓ لقمه‌های لذیذ جلد‌های ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ...

- ✓ هزار لقمه
- ✓ نظریه‌ی ابعاد زمان
- ✓ زمان منفی، انرژی تاریک، ماده تاریک
- ✓ جهان‌های موازی
- ✓ دیوان اشعار
- ✓ زیبه لمه
- ✓ جایگاه شعور
- ✓ ...



اثبات "قضیه فواد" در تئوری اعداد توسط فواد

در سخن مخفی شدم، مانند بو در برگ گل هر که دارد میل دیدن در سخن بیند مرا